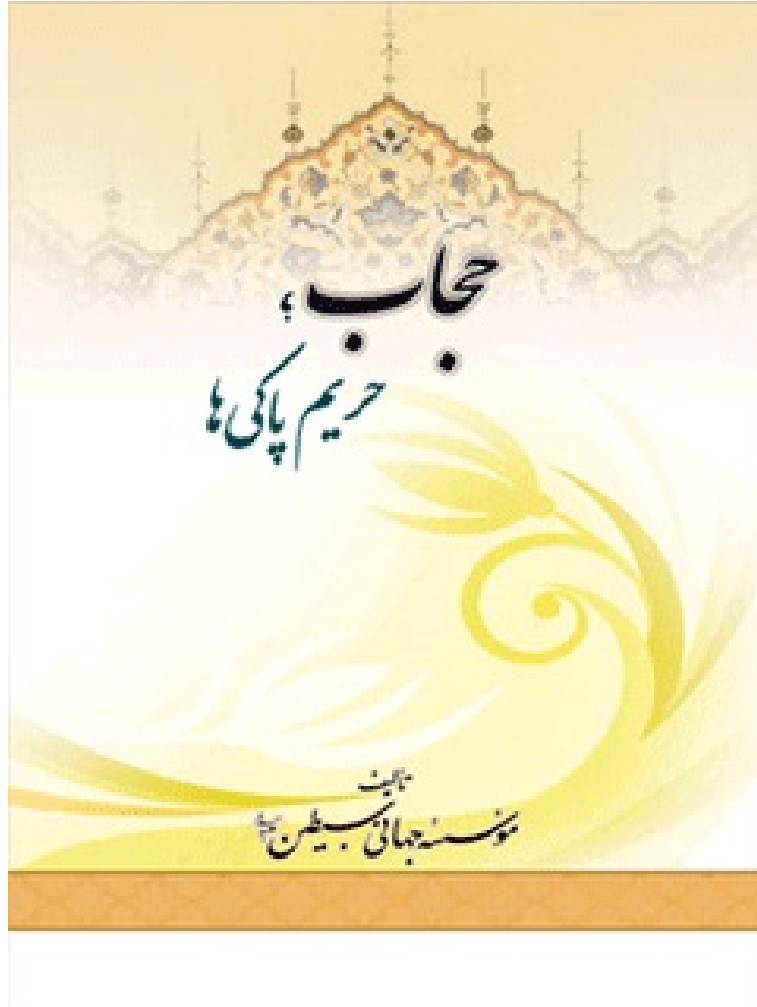


سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجاب حریم پاکی ها

نویسنده:

مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام

ناشر چاپی:

مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	حجاب حریم پاکی ها
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	فصل اول: معنا و مفهوم حجاب
۱۰	حجاب در تاریخ
۱۴	حجاب در لغت
۱۵	پیشگفتار
۱۵	سخن مؤسسه
۱۶	فصل دوم: حجاب در ادیان الهی
۱۶	حجاب در شریعت اسلام
۱۶	حجاب در مسیحیت
۱۷	حجاب در شریعت یهود
۱۸	حجاب در شریعت زرتشت
۱۹	حجاب در ادیان
۲۰	فصل سوم: حجاب در آیات قرآن و روایات اسلامی
۲۰	حجاب در روایات اسلامی
۲۱	حجاب در آیات قرآنی
۲۲	فصل چهارم: حجاب از دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمان
۲۲	گزارشی از رادیو فرانسه
۲۲	نظر رئیس انستیتو تعلیم و تربیت آلمان
۲۲	نظر جودیت میلر
۲۳	نظر چارلی چاپلین
۲۳	نظر ویل دورانت

۲۳	نظر برتراند راسل
۲۳	نظر آلفرد هیچکاک
۲۳	نظر خانم گاندی
۲۴	نظر خانم ساجیکو موراتا
۲۴	فصل پنجم: عفاف و حیا
۲۴	رنگ چادر مشکی از نظر روانشناسی
۲۵	آیا چادر مشکی، سبب افسردگی روحی است؟
۲۶	آیا چادر مانع فعالیت بانوان است؟
۲۶	حجاب و جذابیت
۲۷	حجاب و مسئولیتهای اجتماعی
۲۷	حفظ عفاف اجتماعی
۲۸	نقش اخلاق در حفظ عفت
۲۸	دوری از خودنمایی
۲۹	برهنگی و بی حجابی دام شیطانی است
۳۰	عفاف آمیخته در آفرینش زن
۳۱	حیای مثبت و منفی
۳۱	حیا چیست؟
۳۱	حیا
۳۱	ویژگیهای زنان عفیف
۳۲	عمومیت عفاف
۳۲	عفاف از دیدگاه روایات
۳۲	قرآن و عفاف
۳۳	تفاوت عفاف و حجاب
۳۳	معنای عفاف

عفاف	۳۳
فصل ششم: فلسفه حجاب	۳۳
ایجاد امنیت	۳۴
حضور سازنده در اجتماع	۳۴
مبارزه با نفس	۳۴
حرمت بخشیدن به زن	۳۵
ارضای خواسته فطری	۳۵
کمال بخشی به زن	۳۶
رفتاری عاقلانه و منطقی	۳۶
فلسفه حجاب	۳۶
فصل هفتم: ایرادها و اشکال‌ها بر حجاب	۳۷
حجاب و افزایش التهابها	۳۷
حجاب و رکود فعالیتها	۳۸
حجاب و اصل آزادی	۳۹
فصل هشتم: آثار سازنده حجاب	۴۰
افزایش احترام و شخصیت زن	۴۰
سلامت جسمی و روانی	۴۱
استحکام خانواده	۴۲
آثار سازنده حجاب	۴۳
فصل نهم: عوامل تکمیل‌کننده حجاب	۴۳
پوشیدگی زینت‌ها از نامحرم	۴۳
عدم استفاده از پوشش‌های اختصاصی	۴۳
پرهیز از لباس‌های تنگ	۴۴
پرهیز از پوشش‌های شفاف و نازک	۴۴

۴۴	فصل دهم: بدحجابی و پیامدهای آن
۴۴	بی‌بندوباری، مانع زیبایی
۴۵	بدحجابی یا خلع زیبایی‌ها و ارزشهای زن
۴۶	بدحجابی مخرب عواطف انسانی
۴۷	بدحجابی، اسارت مدرن
۴۸	نقش بدحجابی در تخریب ابعاد شخصیتی زن
۴۸	نقش بدحجابی در تخریب افکار و اندیشه‌ها
۵۰	علل گسترش بدحجابی
۵۲	فصل یازدهم: راههای گسترش فرهنگ حجاب
۵۲	سیستم نظارتی امر به معروف و نهی از منکر
۵۲	وسایل ارتباط جمعی
۵۳	جامعه‌پذیری
۵۴	فصل دوازدهم: چشم‌چرانی و پیامدهای آن
۵۴	پاداش حفظ چشم
۵۴	زیبانه‌های چشم‌چرانی
۵۷	چشم‌چرانی و پیامدهای آن
۵۷	فصل سیزدهم: پاره‌ای از احکام حجاب
۵۷	خودنمایی
۵۷	اختلاط
۵۸	صحبت کردن
۵۸	نگاه به تصویر
۵۸	نگاه
۵۸	لباس مختص
۵۸	لباس مهیج

۵۹	زینت
۵۹	پوشش زن
۵۹	فصل چهاردهم: پندهایی به جوانان
۵۹	راهکارهای پیشنهادی
۶۱	پرهیز از مد و مدگرایی
۶۱	پرهیز از رفتارهای ناشایست در جامعه
۶۲	تسریع در ازدواج
۶۲	دوری از اختلاط
۶۳	مواظبت از دوستیها و معاشرتها
۶۳	رعایت حجاب اسلامی
۶۴	حفظ چشم

حجاب حریم پاکی ها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: حجاب حریم پاکی ها/تالیف: موسسه جهانی سبطین علیهما السلام. مشخصات نشر: قم: موسسه جهانی سبطین (ع) ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری: ۲۰۱ص. شابک: ۳۳۰۰۰ ریال: چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۱۶-۲۸ یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۹ (فیپا). موضوع: حجاب شناسه افزوده: موسسه جهانی سبطین (ع) رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۷ ح ۱۳۸۶ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۶ شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۸۱۱۷۶

فصل اول: معنا و مفهوم حجاب

حجاب در تاریخ

مقاله مذکور به تاریخ حجاب در مکانها و زمانهای مختلف می پردازد. در این قسمت به حجاب در سرزمین بین النهرین و یونان می پردازیم و در مقاله های آتی به تاریخ حجاب در میان رومیان و شبه جزیره عربستان خواهیم پرداخت. تاریخ حجاب به چه زمانی بر می گردد؟ چه کسی نخستین بار از روبنده استفاده کرد؟ پاسخ دادن به این سوالات ممکن نیست زیرا پوشش و حجاب در اشکال گوناگون قدمتی دارد و دستیابی به اطلاعاتی درخصوص آن دشوار است. با این حال آنچه از منابع در دسترس بر می آید. بالا-پوش و لفافی که تمام بدن را بپوشند قدیمی ترین شکل حجاب است. با آنکه لفافی با عنوان حجاب، اساساً پارچه ای چهار گوش یا سه گوش است که پوشش ظاهری بدن را تشکیل می دهد اما شکل های گوناگونی دارد چنانچه می بینیم شکل استفاده از حجاب در سواحل شرقی مدیترانه با آنچه در آفریقای شمالی وجود دارد متفاوت است. بین النهرین استفاده از پوشش و لباسی که نیمی از بدن یا تمام آن را بپوشاند قدمتی طولانی دارد به خصوص در سواحل مدیترانه و خاور میانه. در منطقه بین النهرین قدمت این سنت به دومین هزاره قبل از میلاد و شاید قبل از آن باز می گردد. دلایل بسیار ضعیفی موجود است که زنان پیش از هزاره دوم قبل از میلاد نیز پوشش داشتند اما نقوشی بسیار کمی از این زنان باقی مانده که آنها را در اندرونی خانه یا قصر نشان میدهد. تنها یک نمونه از نقش زنی در عراق راجع به هزاره چهارم قبل از میلاد پیدا شده که با تکه پارچه کوچکی سرش را پوشانده است. نقش این الهه یا ملکه بر روی گلدانی از مرمر سفید کنده شده است. به نظر می رسد که او پارچه کوتاهی را از زیر تاج بر سر گذاشته اما معمولاً نقشهایی که از این دوره زمانی از زنان به جای مانده آنها را بدون پوشش و یا با نواری ساده و باریک بر سر نشان می دهد تقریباً از سال ؟؟؟؟ قبل از میلاد شواهدی وجود دارد که در این منطقه زنان به روش های گوناگونی خود را می پوشاندند. زنان قابل احترام همسران و اهل حرمسرا حجاب داشتند. در حالی که زنان برده موهای خود را نمی پوشاندند. این اطلاعات از مجموعه نامه های سلطنتی در سال های بین ؟؟؟؟ تا ؟؟؟؟ قبل از میلاد از منطقه ای که اکنون سرحد عراق و سوریه به شمار می آید به دست آمده است. در یکی از نامه های به دست آمده از این منطقه پادشاه زیمیری لیم به یکی از همسران خود در باره سرنوشت برخی از اسیران مونث می نویسد: از بین ؟؟ زن اسیر، آنهایی را که مفتون کننده ترند انتخاب کن آنهایی که از نوک انگشت پا تا موی سرشان هیچ نقصی نداشته باشد آنها را به جامه دار بسپار تا آنان را حجاب بپوشاند. در نامه بعدی به همسرش می نویسد: از بین این غنایم، دخترانی با حجاب را بر می گیریم و به سوی تو می فرستم. در زمان آشوریان زنان شوهر دار، زنان دربار آشوری و اساساً زنان بزرگ دربار از همان بدو تولد پوشش داشتند. اهل حرمسرا و ندیمان نیز به هنگام همراهی بانوان خود، موظف به داشتن پوشش بودند. از سوی دیگر، پوشش و حجاب برای زنان بدکاره و یازنان برده گناهی قابل مجازات

بود. اگر زنان بدکاره چنین گناهی را مرتکب می شدند و لباسی پوشیده چون زنان اصیل به تن می کردند، پنجاه ضربه شلاق می خوردند و قیر به سرو رویشان می پاشیدند. بردگان نیز شلاق می خوردند اما به جای اینکه قیر به سرو رویشان بپاشند لباس از تنشان می کنند و گوش هایشان را می بریدند. آنچه از قانون آشوریان به دست آمده به شرح زیر است: هر کس که بدکاره ای را در حجاب ببیند باید او را دستگیر کند و او را به ماموران تحویل دهد کسی حق ندارد زیور آلاتش را بگیرد اما مردی که او را توقیف کرده باید البسه اش را از تنش خارج کند باید پنجاه ضربه شلاق بخورد و بر سرش نیز قیر پاشیده شود چنانچه مردی زن بدکاره با حجابی را ببیند و او را تحویل ندهد خود باید مجازات شود و پنجاه ضربه شلاق بخورد باید گوش هایش را سوراخ و طنابی از آنها رد کنند و در پشتش گره بزنند و یک ماه او را وادار کنند برای دیگری کار کند. همه زنان در صورت تاهل در خیابان ها و در مجامع عام باید موهایشان را بپوشانند بانوان دربار از هنگام تولد به داشتن حجاب ملزم هستند و کنیزکان آنها به هنگام همراهی بانوان باید حفظ حجاب کنند. اگر مردی کنیزش را به ازدواج خود درآورد. آن کنیز از زنان شوهر دار محسوب می شود و باید حفظ حجاب کند. کسی که ازدواج نکرده حتماً باید بی حجاب در میان مردم حاضر شود. اگر مردی بخواهد حق حجاب به کنیزش بدهد باید پنج یا شش تن از همسایگانش را فراخواند و قبل از آمدن آنها کنیز باید خود را بپوشاند. سپس مرد در جمع همسایگان باید بگوید او همسر من است بنابر این او همسرش خواهد شد. در کتیبه های قدیمی نیز مطلبی در باره زنان بلند مرتبه بابلی وجود دارد که به نیمه اول هزاره قبل از میلاد مسیح بر می گردد. در این کتیبه ها فرمانهایی است که برای انتقام از بابلیان صادر شده است. زنان بابلی ملزم به اجرای کارهای پست هستند باید حجابشان را از سر بدارند و پاهایشان را برهنه کنند. ای دختر باکره بابل فرود آی و بر خاک نشین. بی هیچ تخت و سریری ای دختر کلدی دیگر تو را نازک و لطیف نمی خوانند. سنگ های سنگین را بر شانه بگذار حجابت را از تن در آر ردایت را برکن پاهایت را برهنه کن. نوع پوشش در آن زمان را می توان بر دو نقش برجسته به دست آمده از بین النهرین مشاهده کرد این دو نقش برجسته اکنون در موزه بریتانیای لندن موجود است. یکی از این نقشها گروهی از زنان و دختران را در حال ترک شهر مصیبت زده لاجیش نشان می دهد کتیبه دوم گروهی کاز زنان رامشخص میکنند که با هم صحبت می کنند. این کتیبه ها از سال های ???-??? قبل از میلاد به دست آمده است. در نقش برجسته ها زنان بالاپوش هایی بلند بر تن دارند و پوششی نرم و آزاد بر سر و پیشانیهای دیده می شود. در بالاپوش هایی که بر تن زنان گروه دوم است. حاشیه ای به چشم می خورد که از استفاده نوعی دستمال گردن حکایت می کند. قرن چهارم قبل از میلاد - اگزوفون ظاهر همسر ابراداتوس سوزا را هنگامی که سیروس شاه هخامنشی او را اسیر کرد توصیف می کند. و زمانی که ما طبق دستور مافوقمان به خیمه آنها رفتیم در ابتدا نمی توانستیم او را از دیگران تشخیص دهیم او بر صدر مجلس نشسته بود و کنیزانش بر گردش حلقه زده بودند و لباسی مانند خدمتکارانش پوشیده بود هنگامیکه به آنها نظر دوختیم همه آرزو داشتیم بدانیم که بانوی مجلس کیست. در همان نگاه اول شناخت بانو در بین دیگران بسیار واضح بود زیرا حجاب داشت و بر زمین سجده کرده بود. او هم به سبب مقام و منزلت هم به موجب نجابت و لطف در میان آنان می درخشید علاوه بر این بسیار متواضع و فروتن بود. یونانیان حجاب زنان را با واژه کالوما توصیف کرده اند. که هم به معنای پوشش سر است و هم به طور کلی معنای حجاب را تداعی می کند. این توضیحات مبهم هستند اما می توان این چنین تفسیر کرد که در البسه ملکه بالاپوش و روبنده وجود داشته است. چنانچه اگزوفون نوشته است وقتی ملکه را نزد سیروس بردند. او البسه ظاهری خود را از سر تا پا برکند و با صدای بلند گریست. خدمتکارانش نیز به صدایی بلند گریستند و سپس ما چهره آنان، گردن و بازوانشان را دیدیم. و با بردگان یا مردان آزاد اما بدون منزلت ازدواج کرده اند در این میان خواهرانی پرهیزگار که از اصالت خانوادگی برخوردار بودند مصمم شدند - چون مردی از خاندانشان باقی نمانده بود به عقد کسی در نیابند آنها وقتی به اجبار با دادرسان و یا سایر دولتمندان روبه رو می شدند جامه ای در بر می کردند که صورت و بدنشان را کاملاً می پوشاند سایر زنانی که ازدواج کرده بودند. از این سنت پیروی کردند و این موضوع

از توصیف پلوتارش مشخص می شود زیرا او از پوشاندن بخشی از صورت به عنوان یک سنت بین تمام زنان سخن گفته است . یکی از قدیمی ترین نقشهای به دست آمده از این زنان که کاملاً خود را پوشانده اند . می توان بر روی یک کوزه باقیمانده از قرن پنجم قبل از میلاد مشاهده کرد نقش گروهی شش نفره از زنان بر روی این کوزه قرار دارد که پنج نفر آنها در حال رقص هستند و ششمین نفرشان فلوت می نوازند همه رقاصان پارچه ای به دور خود پیچیده اند به طوری که تمام بدن سرو صورتشان را پوشانده است و تنها چشم و پیشانی آنها قابل رویت است . مجسمه ای کوچک از بوئتیا در خاک یونان به دست آمده که او نیز تمام بدنش را پوشانده به طوری که تنها چشم و بخشی کوچکی از بینی اش مشخص است . نوع پوشش این مجسمه به توصیف هراکلید نویسنده یونانی در سال ??? قبل از میلاد شباهت بسیار دارد او می نویسد : جامه آنها به گونه ای است که سرشان را نیز می پوشاند و تمام صورتشان را مانند نقابی در بر می گیرد . تنها چشمهایشان در این میان می درخشد . دیگر قسمتهای صورت به وسیله ردایی پوشیده شده است . همه آنها جامه هایی کاملاً سفید می پوشند . موهایشان زرد است و آنها را بر بالای سرشان می بندند . نمونه های نخستین کاربرد پوشش صورت غلط مشهور این است که استفاده از حجاب صورت را فرهنگ اسلام به ارمغان آورده زیرا اکنون در برخی از مناطق مسلمان نشین استفاده از این پوشش رایج است . چنانچه در قانون آشوریان نیز پیش از این دیدیم ، حجاب به شکل عام آن به دوران قبل از اسلام مربوط می شود . با وجود این ، گواه دقیقی در دست نیست که نشان دهد در این شکل حجاب ، تکه پارچه ای جداگانه وجود داشته که صورت را می پوشانده است . تا کنون هر آنچه به عنوان گواه مسلم ، از حجاب معرفی شده است ردا و خرقة ای بوده که تمام بدن را می پوشانده تعجب آور اینک نخستین شاهد بر حجاب صورت از منابع یونانی به دست آمده است . شکل حجابی که او بر صورت دارد به همان گونه ای است که امروزه نقاب نامیده می شود و هنوز نیز در سواحل شرقی مدیترانه از آن استفاده می شود . شکل دیگر حجاب صورت پارچه ای بوده که آن را به دور بخش پایین صورت می پیچیده اند و قسمتی از بینی ، لبها و چانه را می پوشانده است . اینگونه پوشش صورت در مجسمه ای از آن دوره دیده می شود که اکنون در موزه لوور پاریس قرار دارد که در بندر غربی ترکیه کشف شده و قدمت آن به سه قرن قبل از میلاد مسیح تخمین زده شده است . ارائه این شناسنامه از پوشش بانوان بیانگر آن است که حجاب صورت در سه قرن قبل از میلاد مسیح کاربرد داشته . استفاده از روبنده توسط بانوان یونانی تا اسکندریه مصر نیز گسترش یافته بود . نکته اصلی این است که استفاده از روبنده از سواحل شرقی مدیترانه و جنوب غربی آسیا انتشار یافته و استفاده از این نوع پوشش صورت نیز همچنان در آفریقای شمالی و سواحل شرقی مدیترانه معمول است . در سراسر جهان شیوه های گوناگونی برای جداسازی نقش موقعیت و فضای زندگی مردان و زنان وجود داشته است . برخی از این شرایط خارج از بحث ضروریات اقتصادی است . برای مثال ساختار بعضی از جوامع بر مبنای بردباری گروهی در مقابل غلبه و نفوذ عده ای دیگر پایه ریزی شده و یک نمونه از چنین جوامعی که به خصوص فرهنگ حجاب هم نه به معنای عفاف بلکه به معنای انزوا و عزلت در آن رشد و نمو یافته ، جامعه مردسالار است . پیش از آنکه به مقوله نفوذ فرهنگ مردسالار در سوء استفاده از حجاب و تحریف جایگاه حقیقی آن پردازیم بر لزوم شرح و توضیح چگونگی روابط در چنین محدوده ای تاکید می کنیم زیرا روابط حاکم بر چنین جامعه ای آن گونه که به نظر می رسد ساده نیست و همانطور که بسیاری از مفسران نیز به شرح آن پرداخته اند بر تمام عرصه های اجتماعی سیاسی و غرایز طبیعی انسان تاثیر می گذارد . عموماً در نگرش مرد محوری قدرت حاکم در تصمیم گیری متعلق به پیرترین مردی است که عقایدش نیز قابل قبول باشد . در کانون خانوادگی این نقش حاکم و تصمیم گیرنده را پدر یا پدر بزرگ ایفا می کند در چنین خانواده پدر سالار قدرت حاکمیت و مالکیت حول محوری مردانه می چرخد که معمولاً پیرترین فرد مذکر خانواده آن را هدایت می کند و در بعضی مواقع نیز این معنی پدر عمو یا دایی را در بر می گیرد نوعروسی که پا به خانه بخت می گذارد پیش از آنکه عضوی از خانواده اسبق خود باشد از اعضای خانه همسرش به حساب می آید انگیزه های منفی و تفسیرهای نادرست از حجاب برای بانوان به خصوص شایع چنین جوامعی است که

زنان تحت تسلط و نفوذ بی چون چرای اعضای مذکر خانواده اند و زن به منزله ماشین مولد فرزند تهدیدی برای این گونه جوامع پدر سالار به حساب می آید بی اعتمادی حاکم بر بعضی جوامع موجب می شود این وضعیت وقتی بالا بگیرد که شناخت پدر فرزند مطرح است و پدر نیز اصرار بر شناخت حقانیت فرزند خویش دارد دختر چنین خانواده ای برای سست نساختن پایه های زندگی خانوادگی اش تنها زمانی که لباس عروس بر تن می کند از میان افراد خانه خارج می شود و زمانی که به منزل نو نیز وارد می شود چون فردی غریبه از گروه و جمعی دیگر با او رفتار می شود. حجاب در فرهنگی این چنینی تنها پوششی برای عفاف و پاکدامنی نیست، بلکه نوعی اسارت است که زن را از صحنه های محوری جامعه دور نگاه می دارد. توصیفی از سادگی و پنهان داشتن جاذبه های جنسی است و مرد خود را موظف می داند که به چنین زنی احترام بگذارد و او را تحت حمایت و پوشش خود قرار دهد. غافل از اینکه حجاب زن به معنای گوشه نشینی و عزلت نیست و حجاب حقیقی او را از عرصه های گوناگون دور نگاه نمی دارد. سادگی و عفاف مهم ترین دلیل برای پوشش با عنوان حجاب است که زیبایی زنانه را در پس پرده ای حفاظت می کند اما آزادی او را سلب نمی کند. زن بسته به اینکه در کدامیک از طبقات قرار گیرد. برای مثال شهر نشین در مقابل روستایی و روستایی در مقابل کوچ نشین به گونه های متفاوت خود را در لباس می پوشاند و مرد نیز موجودی مستقل بی باک و ترس است که باید قدرت کنترل احساسات خویش را داشته باشد. اما این خویشتن داری و حس حیابه خصوص در بین جمع بیشتر مختص زنان است در چنین محیطی این انتظار از زنان می رود که فقط آنها الزاماً در میان عامه مآخوذ به حیا باشند و بر احساس خود سرپوش گذارند. بر این اساس در برخی از ممالک و در بین برخی از طبقات زنان مجاز به مشارکت در تجارت های کوچکی چون پرورش و عرضه میوه سبزیجات و حیوانات خانگی و یا خرده مشاغلی مانند خیاطی و آرایشگری هستند. اما هنگامی که سخن از عنوان های شغلی قابل ملاحظه و چشمگیرتر به میان می آید. به دلیل امکان برخورد زن با مردان بیگانه خارج از خانواده حق جولان دادن در چنین محدوده ای از آنها گرفته می شود. موضوع کنترل زنان و جداسازی آنان از مشارکت های اجتماعی، امری است که از قدیم الایام مردان بر آن اتفاق نظر داشته اند و در باین باب افسانه ها ساخته و پرداخته اند. گاه زن را سرچشمه شرارت و اغوا و فریب دانسته اند که باید او را در حصاری محدود ساخت داستان آدم و حوا وقتی مبتنی بر تفسیرهای غلط باشد می تواند نخستین نمونه از افسانه اغواگری زن تلقی شود که در آن حوا آدم را به خوردن میوه ممنوعه سیبی از درخت هوشیاری ترغیب میکند و همین فریب خوردگی آدم او را از باغ بهشت به زمین می کشاند و در مقابل زن را برای همیشه تحت قیمومیت و نفوذ مرد قرار می دهد. بیمار گونگی های جنسی و مسایل متعاقب آن را نمی توان در پس زمینه اغوا و فریب زنانه قرار داد و اگر اغوا و فریبی نیز در کار باشد نمی توان آن را نیز در پشت پرده های فراموشی پنهان ساخت. چگونگی رفتارهای اجتماعی که تنها مختص زنان نیست و مردان را نیز در بر می گیرد دامنه وسیعی دارد ریشه این گونه رفتارها و روابط را باید در ابعاد خانوادگی تربیتی و روانی جست و جو کرد. اگر فرهنگی صحیح بر خانواده حاکم باشد و احوال تربیتی و روانی مناسبی در برنامه آموزشی قرار گیرد. فهم این قضیه برای هر انسانی سهل و آسان می شود که چارچوب چگونگی های خود را بسازد و در همان محدوده گام بردارد در این میان که تعلیم و تربیت مهمترین اصل سازندگی هر انسانی و در نتیجه آن کل جامعه بشری است چگونه می توان دختران را از حق آموزش محروم ساخت. نویسنده ای پاکستانی به نام ابوالاعلی مودودی می نویسد: زنان تنها مجازند که توسط محارشان دیده شوند تا موقعیتی برای ایجاد احساسات و یا جذابیت برای آنان به وجود نیاید. آیا معنای این گفته آن است که زنان باید کاملاً در خانه و در میان افراد خانواده محصور باشند و حقی برای خارج شدن از این دایره را نداشته باشند مگر برای سفر حج؟ اگر بگوییم آری منظور همین است. آنگاه آنچه شاعری از زنان پاکستان به نام عطیه داوود در شعری به نام سفر بیان کرده مصداق پیدا خواهد کرد انعکاس این نوع نگرش به زندگی زنان را این چنین می سرایید سفر زندگیم از خانه آغاز می شد به گورستان ختم می گردد زندگیم پر از ملال سکون چون جسدی بر شانه های پدر و برادر همسر و پسر حمل می شود در مذهب تطهیر می شود با سنت

آراسته می شود و در تابوتی از جهل و نادانی به خاک سپرده می شود و این وضعیت نه تنها از سوی برخی از دیدگاه ها و برداشت های تنگ نظرانه از مذاهب و سنن بر زنان مسلمان تحمیل می شود بلکه زنان مسیحی نیز آن هنگام که به اتکای عشق و ایمان غنی خود رهسپار صومعه می شوند تا به عنوان راهبه در خدمت خداوند قرار گیرند به گوشه نشینی و عزلت خوانده می شوند تا از گناه مبری بمانند و از دید غیر محفوظ این گونه حجاب شکلی از عفاف نیست بلکه نمونه ای از انزواست که زن را به کناره گیری و خنثی نگری دعوت میکند بسیار دردناک است که زنی پاکستانی یا افغانی زندگی خود را جسدی ساکن بر دوش افراد مذکر خانواده اش ببیند و هیچگونه حقی نیز برایش وجود باشد دردناک تر آن است که هنوز نیز در برخی مناطق جهان مردانی وجود دارند که با اتکا به قدرت و ثروت زنان زیادی را تحت پوشش خود در مکانی با نام حرمسرا مجبوس می سازند و حق انسان بودن را از آنها سلب می کنند تنها دیدگاهی می تواند حکم به خانه نشینی زن دهد که به او چون ابزاری برای ارضای تمایلات نگاه کند که مسلماً نبوده و نیست. البته نوع حجاب و پوشش زن با دیدگاه سنتی در هر کشوری به گونه های متفاوت مطرح شده است در بعضی از نقاط لباس ساده که سر و تن را بپوشاند پوشش زنان را تشکیل داده است زنان در انظار عمومی با همین پوشش ساده ظاهر می شوند و به کارهای روزمره خود می پردازند و همین طور از مشاغل در سطوح مختلف نیز برخوردارند که عمدتاً مشاغل کوچک و بی ارزش هم نیست. حجاب سنتی در اروپا و آمریکا به این شکل ظاهر می شود که زنان در خارج از خانه کلاه بر سر می گذارند و یا روزهای یکشنبه و قتیکه به کلیسا می روند سر خود را با روسری می پوشانند. در هر حال نگرشی انسان گونه به زن حق برخورداری از تمام نعمات طبیعی و تمام آنچه را ساخته دست بشر است به او اهدا می کند و حجاب به منزله پوششی برای حفظ پاکدامنی نمی تواند حربه ای باشد برای کنار راندن زن از امور اساسی زندگی بر این اساس و با این دیدگاه است که حجاب را می توان عفاف دانست نه توجیه و تفسیری برای منزوی کردن و گوشه نشینی و محرومیت از فعالیت هایی که ارتقاشان و شخصیت علمی و انسانی زنان را در پی دارد

حجاب در لغت

حجاب به معنای پوشش و آن چه به وسیله آن، خود را می پوشانند و نیز حایل بین دو چیز آمده است. جمع حجاب به این معنا حجب است؟ (در فرهنگ فارسی، حجاب به معنای نقاب و چادری است که زنان چهره و سر تا پای خود را با آن می پوشانند)؟ (حجاب در اصطلاح با توجه به معنای لغوی حجاب و کاربرد قرآنی و روایی این واژه، شرع مقدس حجاب را این گونه بیان می کند: «پوشانیدن تمامی اعضای بدن به جز صورت و دست ها تا میچ». از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: زن تا چه مقدار حق آشکار کردن زینت خود را دارد؟ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «صورت و دو دست خود»؟ (ام سلمه می گوید: پس از نزول آیات حجاب، نزد پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بودیم و میمونه نیز نزد ایشان بود که ابن ام مکتوم وارد شد رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمود: «حجاب خود را بگیری»؟...». (حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) از پدرانش آنها و از امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت می کند که: «یک نابینا از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اجازه ورود خواست. پس ایشان حجاب خود را گرفت. رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) به آن حضرت فرمود: برای چه حجاب خود را گرفتی، در حالی که او تو را نمی بیند؟ حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و علاوه بر آن او بوی مرا استشمام می کند. آن گاه رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی»؟).
 - ؟ ابن منظور، لسان العرب، ج، ؟ ص - ؟. ؟ حسن عمید، فرهنگ عمید، ص
 - ؟. ؟ بحار الانوار، ج، ؟. ؟ همان، ص - ؟. ؟ وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدماته و آداب، باب، ؟. ؟
 ح. ؟

پیشگفتار

زن از دیدگاه اسلام دارای شخصیتی والا- و ارزشمند است که وجود او زینت بخش آفرینش و افق روحش تجلی گاه رحمت و لطافت خلقت می باشد. زن مظهر ظرافت و جمال آفرینش است و اصلاح جامعه در مرحله نخست در گروی تقوای زن و پاکدامنی او می باشد؛ چرا که سلامت اساسی ترین بخش جامعه که خانواده است وابسته به عفت و تقوای اوست. بر همین اساس باید اقرار کرد که زن یکی از مؤثرترین مربیان بشر است که می تواند با تربیت فرزندان صالح، امتی را رهایی بخشد و جامعه ای را نجات دهد. از این رو جایگاه بسیار والای این گوهر ارزشمند آفرینش اقتضا می کند که در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش حقیقی او حفظ شود. آری! یکی از فلسفه های اصلی حجاب و پوشش برای زن در اسلام چیزی جز حفظ ارزشهای والای زن نمی باشد. با تأمل در آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام می یابیم که اصل پوشش امری ذاتی و فطری برای انسان به شمار می رود و برهنگی، فتنه ای است که انسان در اثر وسوسه های شیطان به آن دچار می شود و جامعه و خویشتن را به آسیبهای فراوان دچار می کند. پوشیده بودن زنان در جامعه نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده است؛ بلکه سبب حفظ ارزش و شخصیت زن و نیز رشد و تعالی روحی وی می گردد. حجاب برای زنان مانند صدفی است که گوهر وجودشان را از گزند خطرها و آسیب ها مصون می دارد و نه تنها به آنان، بلکه به جامعه آرامش و سلامت می بخشد و آن را از گزند فساد و فحشا حفظ می کند. مسأله پوشش، در همه ادیان الهی مورد توجه بوده است. دین مبین اسلام نیز که منطبق بر فطرت بشر می باشد، اهمیت ویژه ای برای آن قائل شده است. در قرآن کریم به زنان مسلمان توصیه های فراوانی شده است که هنگام خروج از منزل یا رویارویی با مردان بیگانه، اندام و زینت های خویش را با پوششی مناسب و کامل از نگاه نامحرم پنهان کنند (بدون شک در عصر حاضر که کشور ما به شدت مورد هجوم های فرهنگی قرار گرفته است و دشمنان اسلام با استفاده از امکانات و وسایل جدید و مدرن بیش از پیش در صدد رواج فرهنگ ابتذال در بین مردم به ویژه جوانان هستند توجه بیشتر به مسأله حجاب و پوشش زنان و نیز راههای جلوگیری از رواج بدحجابی، بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد. کتاب «حجاب، حریم پاکی ها» که با قلمی ساده و روان به رشته تحریر درآمده است و به خوانندگان محترم تقدیم می شود به بحثهایی مهم و اساسی پیرامون حجاب می پردازد. از محورهای مهم این کتاب می توان به این موارد اشاره نمود: مفهوم شناسی حجاب، حجاب در ادیان الهی و آیات قرآن و روایات اسلامی، فطری بودن حجاب و پوشش در زنان، فلسفه حجاب، راههای گسترش فرهنگ حجاب، پیامدهای ناگوار بدحجابی و راههای مبارزه با آن، پاره ای از احکام حجاب و پندهایی به جوانان. امید است این تلاش ناچیز گامی در جهت آشنایی هر چه بیشتر بانوان و به ویژه دختران جوان با ابعاد مختلف مسأله حجاب به شمار آید و این آشنایی زمینه ساز گسترش فرهنگ حجاب در بین آنها باشد، ان شاء الله). - (سوره احزاب: آیات ?? و ??)

سخن مؤسسه

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَلِيسِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلبابها (= روسری های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است». مسأله حجاب، در همه ادیان الهی مورد توجه بوده است و دین مبین اسلام که منطبق بر فطرت بشر می باشد، اهمیت خاصی برای آن قائل شده است که با بررسی آیات نورانی قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام به گوشه ای از این اهمیت پی می بریم. بدون شک حجاب موجب خشنودی خداوند است؛ زیرا زن، با حجاب خویش جلال خود را حفظ می نماید و به راستی جمال و جلال زن در حجاب اوست. حجاب وسیله ای برای گسستن بندهای اسارت نفس و رهایی از آن به

شمار می‌رود. حجاب نشانگر حیا و پاکی روح و روان زنان است و استقلال فرهنگی و دینی یک جامعه و نیز ایمان و اعتقاد یک زن به ارزشهای اصیل اسلام به وسیله حجاب به نمایش گذاشته خواهد شد. زن باحجاب، دیگر در تیررس هواهای نفسانی نامحرمان قرار نخواهد گرفت؛ لذا برای همیشه پاک و محبوب باقی می‌ماند، و چون مرواریدی در صدف عفاف، ارزشمند و پربها محفوظ خواهد ماند. اکنون در عصری به سر می‌بریم که در فرهنگ غرب، عصر برهنگی و آزادی جنسی نام گرفته و غربیان، بی‌حجابی را جزیی از حقوق آزادی زنان محسوب می‌نمایند. از این رو سخن از حجاب و آثار سازنده آن برای آنها و همفکران‌شان ناخوشایند و بی‌ارزش است. به راستی کدامین فکر به زنان، شخصیت و ارزش می‌دهد؟ فکری که زنان را همچون عروسکی بزک شده به جامعه می‌آورد تا مورد هجوم مردان هرزه و لاابالی قرار گیرد یا ایده و فکری که جمال و زیبایی زن را در حریم ارزشمند حجاب حفظ نموده و از دسترس چشم‌ها و دست‌های آلوده محفوظ بدارد. کتاب «حجاب، حریم پاکی‌ها» که از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت با قلمی ساده و روان به مباحث مختلفی پیرامون مسأله حجاب و فلسفه و آثار آن خواهد پرداخت و نیز راهکارهایی برای گسترش فرهنگ ارزشمند حجاب و جلوگیری از بدحجابی به خوانندگان ارائه خواهد نمود. امید است این تلاش ناچیز مورد توجه و استفاده اقشار مختلف جامعه و به ویژه بانوان و دختران جوان قرار بگیرد. در پایان از پژوهشگران گروه فارسی مؤسسه جهانی سبطین علیهم‌السلام به ویژه آقایان حمزه کریم‌خانی و سید محمد سقازاده که در گستره تحقیق و تألیف این اثر تلاش نمودند، تشکر و قدردانی می‌نماید. مؤسسه جهانی سبطین علیهما‌السلام

فصل دوم: حجاب در ادیان الهی

حجاب در شریعت اسلام

اسلام که آخرین و کامل‌ترین دین الهی است لباس را «هدیه الهی» معرفی نموده و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و نظم مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است. از انحرافات و یا افراط و تفریط‌هایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است اجتناب نموده و در تشریح قانون، حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است. در حجاب اسلامی، سهل انگاری‌های مضر و سختگیری‌های بی‌مورد، وجود ندارد. حجاب اسلامی آن گونه که غرب تبلیغ می‌کند، به معنای حبس زن در خانه یا پرده نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. با توجه به غریزه قدرتمند جنسی، احکام و دستورهای اسلام، تدابیری است که خداوند برای تعدیل و رام کردن و همچنین ارضای صحیح این غریزه، تشریح فرموده است.

حجاب در مسیحیت

همان طور که اشاره شد، ادیان الهی، به خاطر تناسب‌شان با فطرت، جهت و شیوه واحدی دارند. در مسیحیت، همانند دین زرتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می‌آمده است. «جرجی زیدان»، دانشمند مسیحی در این باره می‌گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشاندن تن و بدن است، این وضع، قبل از اسلام و حتی بیش از ظهور دین مسیح، معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است». مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداده و قوانین شدید آن را استمرار بخشیده است، بلکه در برخی موارد، قدم را فراتر نهاده و با تأکید بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخته است؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدس محسوب می‌شد و حتی در کتاب «تاریخ تمدن» آمده است که: ازدواج در سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت که تجرد، مقدس شمرده شده است جای هیچ شبهه‌ای باقی نخواهد ماند که برای از بین

رفتن تحریک و تهییج، این مکتب، زنان را به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین، به صورت شدیدتری فراخوانده است. «ای زنان! شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد، چون که سیرت طاهر و خداترس شما را ببینند، و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن مو و متجلی شدن به طلا و پوشیدن لباس، بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام (است) که نزد خداگران بهاست؛ زیرا بدین گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت می نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند، مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا می خواند و شما دختران او شده اید؟». همچنین درباره وقار و امین بودن زن می خوانیم: «و به همین گونه زنان نیز باید با وقار باشند و نه غیبت گو؛ بلکه هوشیار و در هر امری امین؟». در روایات ما نیز چنین آمده است که حضرت عیسی فرمود: «از نگاه کردن به زنان پرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می رویند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه کننده کافی است؟». حواریون و پس از آنها پاپ ها و کاردینال های بزرگ که دستوره های دینی آنان از طرف کلیسا و مذهب مسیحیت لازم الاجرا شمرده می شد، با شدتی هر چه تمام تر زنان را به پوشش کامل و دوری از آرایش های جسمی فرا می خوانده اند. دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپائیان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می کند: «زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، مگر اینکه در خانه خود باشد؛ زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند، می تواند از خیره شدن چشم ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است؟». تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و مردم اروپا انتشار یافته است، به وضوح نشان می دهد که حجاب در بین زنان، کاملاً رعایت می شده است. «براون و اشنایدر»، در کتاب «پوشاک اقوام مختلف»، برخی از تصاویر مربوط به زنان مسیحی را آورده اند که نشان می دهد همگی آنها دارای لباسی بلند و پوشش سر می باشند؟.

– ؟ _____ انجیل: رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره - ؟

– ؟. ؟ انجیل: رساله پولس رسول به تیموناؤس، باب سوم، فقره - ؟. ؟ سفینه البحار: ج، ؟ ص - ؟. ؟ زن و آزادی: ص - ؟. ؟

پوشاک اقوام مختلف: ص. ؟. ؟

حجاب در شریعت یهود

رواج حجاب در بین زنان قوم یهود، مطلبی نیست که کسی بتواند آن را مورد انکار یا تردید خود قرار دهد. مورخان، نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته اند، بلکه به افراط ها و سخت گیری های بی شمار آنان نیز در این زمینه تصریح کرده اند. در کتاب «حجاب در اسلام» آمده است: «گرچه پوشش، در بین عرب مرسوم نبود و اسلام، آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیر عرب، به شدیدترین شکل، رواج داشت. در ایران و در بین یهود و مللی که از افکار یهود پیروی می کردند، حجاب، به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست وجود داشت. در بین این ملت ها صورت و کف دست ها هم پوشیده می شد. حتی در بعضی از ملت ها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود، بلکه سخن از قایم کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادت در آورده بودند». ویل دورانت، که معمولاً سعی می کند موارد فرهنگی یا احیاناً تزئینات و آرایش های زنان هر قوم را با آب و تاب نقل کند تا آن را طبیعی جلوه دهد، در این مورد می گوید: «در طول قرون وسطا، یهودیان همچنان زنان خویش را با البسه فاخر می آراستند، لکن به آنها اجازه نمی دادند که با سر عریان به میان مردم بروند. نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می ساخت. از جمله تعالیم شرعی یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش آشکار است،

دست دعا به دردگاه خدا بردارد». در کتاب مقدس یهودیان، موارد متعددی یافت می شود که به طور صریح و یا ضمنی، حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن، مورد تأیید قرار گرفته است. در برخی از آنها لفظ «چادر» و «برقع» به کار رفته است که بیانگر کیفیت پوشش زنان آن عصر است. اینک به پاره ای از آن موارد اشاره می گردد. پوشش کامل در مقابل نامحرم در «سفر پیدایش» تورات، چنین می خوانیم: و رفقه، چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد. زیرا که از خادم پرسید: «این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟». و خادم گفت: «آقای من است». پس برقع خود را گرفته، خود را پوشاند. عدم تشبه مرد و زن به یکدیگر در «تورات» آمده است: «متاع مرد، بر زن روا نباشد و مرد، لباس زن نباشد؛ زیرا هر که این کند، مکروه یهوه (خدای تو) است». در «تورات»، از چادر و برقع و روبنده ای که زنان با آن، سر و صورت و اندام خویش را می پوشانده اند، صریحا نام برده شده است، که نشانگر کیفیت پوشش زنان است. برای نمونه در کتاب «روت» می خوانیم: «بوعز گفت: زنهار کسی نفهمد که این زن به خرمن آمده است. و گفت: چادری که بر توست، بیاور و بگیر. پس آن را بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر وی گذارد و به شهر رفت». لزوم پوشاندن سر از نامحرم و ویل دورانت می نویسد: اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنان که مثلاً بی آن که چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت، و یا در شارع عام نخ می رشت، یا بر هر سخی از مردان، درد دل می کرد، یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه ای او را طلاق دهد. برخی برای تأیید این که منشأ حجاب زنان یهودی، وجوب حجاب در شریعت موسی ^۷ بوده، به داستان حضرت موسی و دختران شعیب اشاره می کنند که در آن، حضرت موسی به آنان امر کرد تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند؟

- سفر پیدایش: باب، ?? فقره ?? و- ?? تورات: سفر تثیبه: باب، ?? فقره- ?? تورات: کتاب روت، باب دوم، فقره- ??- ??- تاریخ تمدن: ویل دورانت، ج، ?? ص- ?? ر. ک: حکمه الحجاب و ادله وجوب النقاب: ص. ???

حجاب در شریعت زرتشت

«اشو زرتشت» با توصیه ها و اندرزهای خود، کوشیده است تا پایه های حجابی را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملی در ظاهر عرف خود رعایت می کنند، در عمق روح آنان مستحکم نماید و از این راه، ضمانت اجرای قانون حجاب را در آینده نیز تامین نماید و بدین سان، جامعه خویش را در مقابل امکان انحراف های اخلاقی پنهان بیمه کند. قسمتی از پند و اندرزهایی که «اشو زرتشت» به پیروان خود توصیه نموده را نقل می کنیم، تا این اقدام مهم «اشو زرتشت» بهتر نمایان گردد و حرکت او در جهت تعالی و آموزش ریشه های «حفظ حجاب» و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطن، روشن تر شود. اشو زرتشت می گوید: «ای نو عروسان و دامادان! روی سخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت، در پی زندگانی پاک منش بر آید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی بر دیگری پیش دستی جوید تا آن زندگانی مقدس زناشویی، با خوشی و خرمی همراه باشد». و نیز می گوید: «پاداش رهروان نیکی، به کسی می رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد. کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس، چیز دیگری نخواهد بود. و در کتاب «وندی داد» این جمله به طور مکرر آمده است: «کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود می کند: از تو - ای مرد! - خواهش می کنم پیدایش و فرونی را پاک و پاکیزه ساز! از تو - ای زن! - خواهش می کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز! آرزو دارم صاحب فرزند باشی و شیر تو فراوان شود!». در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت های میهن ما» در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین می خوانیم: «این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد؛ چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و

پیراهن، شبیه پیراهن آنان بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار آنان، از لحاظ شکل و برش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی است و کلاهک آنان، همان کلاهک بانوان بندری است».

حجاب در ادیان

فطری بودن پوشش حجاب و پوشش در تمام ادیان و مذاهب، دارای جایگاه خاصی است، و یکی از دلایل اساسی آن این است که حجاب و عفاف، یک امر فطری است. داستان حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش را اثبات می کند. در تورات (کتاب مقدس یهودیان که برای مسیحیان نیز مقدس است) می خوانیم: «و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر، خوش نما دلپذیر و دانش فزا رسید پس از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آن گاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریان اند؛ پس برگ های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند...». بعد ادامه می دهد: «و آدم، زن خود را حوا نام نهاد؛ زیرا که او مادر جمیع زندگان است. و خداوند خدا رخت ها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید». بر طبق این متن، آدم و حوا لباسی نداشتند و بعد از خوردن شجره ممنوعه چشمانشان باز شد و فهمیدند که عریان اند که بلافاصله با برگ درختان خود را پوشانیدند و بعدا خداوند لباسی از پوست به ایشان ارزانی داشت. در قرآن کریم در مورد داستان حضرت آدم و حوا چنین آمده است: «فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَا عَلَيْنِهُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ؛ آن گاه که آدم و حوا از آن درخت (ممنوعه) چشیدند، پوشش خود را از دست داده (عورتشان آشکار گردید) و به سرعت، با برگ درختان بهشتی خود را پوشانیدند». طبق آیات قرآن کریم، حضرت آدم و حوا قبل از چشیدن درخت ممنوعه دارای لباس بوده اند؛ اما با خوردن از آن درخت ممنوعه (در اثر اغوای شیطان) لباس خود را از دست دادند که بلافاصله به پوشاندن خود اقدام نمودند. به هر حال، مطابق هر دو نقل، پس از احساس برهنگی بلافاصله خود را با برگ های درختان بهشتی پوشانیدند. این احساس شرم از برهنگی، حتی بدون حضور ناظر بیگانه، و سرعت در پوشاندن خود به وسیله برگ ها (ولو به طور موقت)، از آن جهت که تحت هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند یا فرشته وحی و یا تذکر هر یک به دیگری صورت گرفته است، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است و ثابت می کند که لباس و پوشش، به تدریج و بر اثر تمدن ها ایجاد نشده است؛ بلکه انسان های نخستین، یا به تعبیر بهتر، نخستین انسان ها، به طور فطری بدان گرایش داشته اند. بنا به گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان، معمول بوده است. هر چند حجاب در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ گاه به طور کامل از بین نرفته است. اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم، به خوبی حجاب و پوشش زن را در آن می بینیم، دقت در لباس ملی کشورها، ما را از ورق زدن کتابهای تاریخی برای یافتن ملل و اقوامی که زنان آنها دارای حجاب بوده اند، بی نیاز می سازد و به خوبی اثبات می کند که حجاب در میان اکثر ملت های جهان، معمول بوده است و اختصاص به مذهب یا ملت خاصی نداشته است. تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش زن را واجب و لازم شمرده اند و جامعه بشری را به سوی آن دعوت کرده اند؛ چرا که لزوم پوشش و حجاب به طور طبیعی در فطرت زنان به ودیعت نهاده شده است و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریع شده است؛ پس در همه ادیان الهی پوشش و حجاب زن واجب گشته است. در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، حجاب زنان امری لازم بوده است. کتاب های مقدس مذهبی، دستورها و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان و ادیان الهی، بهترین شاهد و گواه اثبات این مدعاست.

- ؟ _____ دایره المعارف فارسی غلام حسین

مصاحب، ص - ؟. ??? تاریخ بیست ساله ایران، حسین ملکی، ص - ؟. ??? تورات: سفر پیدایش، باب، ؟ آیات - ؟. و. ??? - ؟

- ؟ سوره اعراف: آیه. ??

فصل سوم: حجاب در آیات قرآن و روایات اسلامی

حجاب در روایات اسلامی

پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین (علیهم السلام) علاوه بر تأکیداتی که بر رعایت حجاب داشته‌اند، با ارائه دستورالعمل‌هایی، جامعه اسلامی را به سوی تهذیب و پاکی، رهنمون گشته‌اند که در این قسمت، برخی از آنها را نقل می‌کنیم. پرهیز از پوشش بدن نما و نازک روزی، اسماء - که خواهر زن پیامبر بود - با جامه بدن نما و نازکی به خانه پیامبر آمد. پیامبر، روی خود را از او برگرداند و فرمود: «ای اسماء! زن، وقتی به حد بلوغ رسید، نباید جایی از بدن و اندامش دیده شود، مگر صورت و دست‌ها؟». پرهیز از شبیه شدن به جنس مخالف پیامبر فرمود: «خداوند، مردانی که شبیه زن می‌شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می‌دهند، نفرین کرده است؟». امام باقر علیه السلام نیز، در ضمن حدیثی فرمودند: «جایز نیست که زن خود را شبیه مرد نماید؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله مردانی که خود را شبیه زنان می‌کردند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار می‌دهند، نفرین کرده است؟». عفت نسبت به زنان مردم پیامبر فرمود: «نسبت به زنان مردم، عقیف باشید تا زنان شما عقیف بمانند؟». دوری از چشم چرانی از امام صادق نقل شده که می‌فرماید: «چشم چرانی، تیری است مسموم از تیرهای شیطان؛ چه بسا، نگاهی که حسرت‌های طولانی را در پی دارد؟». آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از اینکه زنی برای غیر همسرش، خود را بیاراید، پس اگر مرتکب چنین عملی شود بر خدا سزاوار است که او را در آتش بسوزاند؟. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرزنی که خود را خوشبو سازد (به گونه‌ای که نامحرم آن را استشمام کند)، سپس از منزل خارج شود، تا هنگام بازگشت به خانه مورد لعنت (ملائکه) قرار می‌گیرد؟». حضرت علی فرمودند: به همراه فاطمه علیها السلام به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیات شدیم در حالی که او به شدت گریه می‌کرد، گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد! چه چیز این چنین شما را گریان ساخته است! فرمودند: شبی که مرا به معراج بردند زنانی از اتمم را در عذابی شدید و در وضع بدی دیدم که از شدت عذابشان گریستم، سپس احوال آنها را برایم شرح دادند، فاطمه فرمود: ای محبوب و روشنی چشم من! ما را از عمل آنها با خبر ساز، پس حضرت فرمودند: «زنی که با مویش آویخته شده بود، در دنیا مویش را از نامحرم نمی‌پوشاند، زنی که با زبانش آویخته شده بود، همسرش را آزار می‌داد و آنکه گوشت بدن خود را می‌خورد بدنش را برای دیگران تزیین می‌کرد و آنکه با قیچی گوشتش چیده می‌شد کسی بود که خویشتن را بر مردان نامحرم عرضه می‌داشت؟». اختلاط، خلوت و تماس با نامحرم امام صادق فرمودند: «رسول گرامی، اموری را بر زنان لازم شمردند و از آنان پیمان گرفتند. از جمله اینکه از هم نشینی با مردان نامحرم پرهیزند؟». رسول گرامی فرمودند: «هر کس با زن نامحرمی مصافحه کند (با او دست دهد) روز قیامت در غل و زنجیر بسته خواهد شد، سپس به آتش روانه خواهد گشت؟؟». پیامبر فرمودند: «برای زن شایسته نیست که در وسط مسیر، راه برود، بلکه شایسته است که در کنار مسیر، راه حرکت کند؟؟». توصیف زنان نزد نامحرم رسول اکرم فرمودند: «کسی که زنی را برای مردی وصف نماید و آن مرد به واسطه آن وصف آلوده، به گناه شود از دنیا نمی‌رود مگر اینکه مورد غضب الهی واقع شود؟؟». اهمیت غیرت مردان و پوشش زنان - امام علی فرمودند: «پوشیدگی برای زن سودمندتر است و زیبایی او را پایدارتر می‌سازد؟؟». امام صادق: «مردی که غیرت ندارد انسانی است که قلبش وارونه است؟؟». نزدیک‌ترین حالت زن به خدا پیامبر اکرم از اصحاب خود پرسیدند: «زنان در چه حالتی به خداوند نزدیک‌ترند؟» خبر این سؤال به حضرت زهرا رسید. ایشان فرمودند: «نزدیک‌ترین حالت زن به خدا هنگامی است که درون خانه خود باشد». پیامبر با شنیدن این پاسخ از دختر گرامیش فرمودند: «فاطمه پاره تن من است؟؟». خشم خدا از خودنمایی زنان زنی عطر فروش به نام «حولاء» گاهی برای خانواده رسول خدا عطر می‌آورد. روزی پیامبر خطاب به او فرمودند: «ای حولاء! زینت‌هایت را برای غیر شوهرت آشکار نکن. برای زن روا نیست ساقهای دست و پای برهنه‌اش را نامحرم ببیند. اگر کسی چنین کند لعنت و خشم خدا و لعنت فرشتگان بر او خواهد بود و عذاب

حجاب در آیات قرآنی

در قرآن کریم، آیاتی چند به طور صریح، در مورد حجاب و کیفیت آن نازل شده است. در سوره نور، طی آیات مفصلی آمده

است: «... و به مردان مؤمن بگو که چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و نیز دامان خویش را، که برای ایشان پاکیزه‌تر است. همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند، آگاه است. و به بانوان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت‌های خود را جز آن مقداری که ظاهر است، ننمایند و زینت‌های خود را آشکار نسازند، و روسری‌های خود را بر سینه افکنند و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان، پسر برادرانشان، زنان هم‌کیششان، کنیزانشان، مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند، و یا کودکانی که غیر ممیز هستند. و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های پنهانشان آشکار شود. و همگی به سوی خداوند باز گردید، ای مؤمنان! باشد که رستگار شوید)؟». (همچنین در سوره احزاب آمده است: «ای پیامبر! به همسران و دختران خویش و بانوان با ایمان بگو روسری‌های بلند خود را فروافکنند تا به عفاف و حریت شناخته شوند و مورد آزار و تعرض هوسراران قرار نگیرند و خداوند، آمرزنده و مهربان است)؟». (ای زنان پیامبر! شما اگر تقوا داشته باشید، همانند دیگران نیستید. بنابراین، هرگز نرم و نازک با مردان، سخن مگویید تا آن که دلش بیمار است، به طمع افتد. بلکه متین و نیکو سخن بگویید و خانه را منزلگاه خویش قرار دهید و هرگز مانند دوره جاهلیت نخستین، (برای نامحرمان) آرایش و خودآرایی نکنید و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و از خدا و رسولش اطاعت نمایید) - (?) - (سوره نور: آیات ?? : و) - (?) - (سوره احزاب: آیه) - (?) - (سوره احزاب: آیات ?? و ??)

فصل چهارم: حجاب از دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمان

گزارشی از رادیو فرانسه

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و به نقل از رادیو فرانسه: «در ویرجینیای آمریکا طرحی در سال سوم راهنمایی برای جدا کردن دختران از پسران در کلاس، در دست آزمایش است. چون آموزگاران پی برده‌اند که دختران به خصوص در ریاضیات و علوم بدون حضور پسران راحت‌تر آموزش می‌بینند. به گفته آموزگاران، دختران در کلاسهای مختلط برای آنکه مورد تمسخر و انتقاد پسران قرار نگیرند کمتر در بحثها شرکت می‌کنند. در حالی که در غیاب پسران بهتر و راحت‌تر به سؤالات جواب می‌دهند. ظاهر نتایج اولیه این آزمایشها رضایت بخش بوده است. به گفته آموزگاران به خصوص دختران خجالتی در کلاسهای دخترانه راحت‌تر هستند، اما انجمنهای متعددی از جمله انجمن ملی زنان آمریکا با این طرح به مبارزه برخاسته است و آن را جدایی و تبعیض جنسی آشکار می‌داند) - (?) - ----- (سوره احزاب: آیه) - (?) - (روزنامه جمهوری اسلامی: ???/??/??):

نظر رئیس انستیتو تعلیم و تربیت آلمان

حضور مجزای دختران و پسران در کلاسهای درس بخصوص در دوره ابتدایی می‌تواند در یادگیری دختران تأثیر به سزایی داشته باشد. در پی تحقیقات انستیتو پژوهشی پلانک آلمان میل و رغبت دختران برای یادگیری علوم ریاضی در کلاسهای مختلط رضایت بخش نیست.

نظر جودیت میلر

«جودیت میلر» خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز طی مقاله‌ای با عنوان «زنان در آغوش اسلام امنیتی تازه می‌یابند» با اشاره به گرایش روز افزون زنان مسلمان به حجاب می‌نویسد: «چه چیزی این بازگشت را میسر ساخته است؟ بازگشتی که به معنای واقعی در آزادی‌های شخصی و سیاسی صورت گرفته است؟ پاسخ آن در ارمغانهایی است که اصول گرایان اسلامی به روح و روان جامعه

مدرن خاور میانه و به زن و مرد آن تقدیم کرده‌اند. پوشش (حجاب) برای زن این امکان را فراهم ساخته که در شهرهای شلوغ بتواند به راحتی فعالیت کند و، از مزاحمت مردان جوان و نوجوانی که در جستجوی کار از اطراف و اکناف کشور به پایتخت سرازیر شده‌اند در امان بماند. این لباس یک پیام غیر قابل تردید به اطرافیان می‌فرستد. حجاب می‌گوید: این زن نجیب است. با او کار نداشته باشید. و به وی اجازه می‌دهد بدون اینکه مورد آزار جنسی قرار گیرد در اتوبوسهای شلوغ شهر سوار شود) -----؟. (روزنامه رسالت. ??/??/?):

نظر چارلی چاپلین

«چارلی چاپلین» که یکی از کم‌دین‌های مشهور جهان است در نامه‌ای به دخترش می‌نویسد: «برهنگی بیماری عصر ماست، من پیرم و شاید حرفهای خنده‌آور بزنم، اما به گمان من تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست داری) -----؟. (آخرین تصویر چارلی: ص. ??):

نظر ویل دورانت

«ویل دورانت» فیلسوف و نویسنده مشهور معاصر می‌نویسد: «آنچه بجویم و نیاییم عزیز و گرانبها می‌گردد. زیبایی به قدرت میل بستگی دارد و میل با اقناع و ارضا، ضعیف و با منع و جلوگیری، قوی می‌گردد. مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست و بی‌آنکه بداند، حس می‌کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهند) -----؟. (فلسفه حجاب، اسدالله محمدی‌نیا: ص ?? و. ??):

نظر برتراند راسل

«برتراند راسل» که از فلاسفه مشهور غرب در قرن معاصر به شمار می‌رود می‌گوید: «از لحاظ هنر، مایه تأسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد، بدون آنکه غیر ممکن گردد) -----؟. (فلسفه حجاب، اسدالله محمدی‌نیا: ص ?? و. ??):

نظر آلفرد هیچکاک

«هیچکاک» فیلمساز مشهور فرانسوی می‌گوید: «من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پر هیجان باشد. بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود، مرد را به نیروی تخیل و تصوّر زیادتری وا دارد. باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند. یعنی کمتر ماهیت خود را در معرض نمایش قرار دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت بدهد. زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که به کار می‌بردند خود به خود جذاب می‌نمودند و همین مسأله، جاذبه نیرومندی بدانها می‌داد. اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می‌دهند؛ حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می‌رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می‌شود) -----؟. (فلسفه حجاب، اسدالله محمدی‌نیا: ص ?? و. ??):

نظر خانم گاندی

خانم «گاندی» که از چهره‌های معروف هند به شمار می‌رود می‌گوید: «ای زنان! اگر آرایش کردن شما تنها به منظور جلب شهوت

مرد است، از این کار خودداری کنید و زیر بار چنین خفت و خواری نروید) ----- «؟».

(- ؟) (فلسفه حجاب، اسدالله محمدی نیا: ص. ??)

نظر خانم ساجیکو مورانا

وی اهل هوکائیدوی ژاپن است که بعد از اتمام تحصیلات به دانشکده حقوق دانشگاه چلیا در رشته حقوق قضایی راه یافت و موفق به دریافت مدرک لیسانس شد و بعد از آن، برای تحقیق در زمینه فقه اسلامی به ویژه فقه جعفری به ایران آمد و در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی به اخذ دکترای الهیات نایل گردید. ایشان بودایی مذهب و همسرش مسیحی است و احتمالا بعد از انقلاب اسلامی مسلمان شده است. وی در مصاحبه‌ای به سوالات بسیاری پاسخ داد که ما یک سؤال آن را در اینجا می‌آوریم. خبرنگار: به نظر شما حجاب یعنی چه؟ شما محجوبه بودن خانمها را ترجیح می‌دهید یا مکشوفه بودن را؟ خانم «ساجیکو مورانا» می‌گوید: «حتما محجوبه بودن را ترجیح می‌دهم و حد معقول پوشش را می‌پسندم؛ زیرا لطف زن به محجوبه بودن اوست. اصولا طبع هر انسانی طالب کشف تنوع‌هاست. وقتی زنان به شکل امروزی مکشوفه باشند، چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی‌گذارند. هر چیز با اهمیتی وقتی چندین بار رویاروی قرار گیرد، اهمیت خود را از دست می‌دهد و این موضوع در تحکیم روابط زناشویی نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. در مغرب زمین که زنهای قیود را گسسته‌اند و انواع لباسهای کوتاه و زننده می‌پوشند، روابط زناشویی آنان از کمترین استحکامی برخوردار نیست) - ؟) ----- «؟» (فلسفه حجاب، اسدالله محمدی نیا: ص. ??)

فصل پنجم: عفاف و حیا

رنگ چادر مشکی از نظر روانشناسی

در روانشناسی رنگ‌ها می‌خوانیم که «سیاه نمایان گر مرز مطلق است؟» «لذا آن کسی که سیاه می‌پوشد، می‌خواهد نشان دهد که مرزی را ایجاد کرده است. اما این که این مرز برای چیست، در موقعیت‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد. گاه لباس سیاه را در ماتم و عزا می‌پوشند، برای آنکه نشان دهند بین آنها و عزیزشان فاصله افتاده و مرز زندگی آنها را از هم جدا کرده است و یا نشان دهند که در حریم خانه و خانواده آنها حادثه‌ای رخ داده است که انجام برخی از کارهای معمولی که سایر خانواده‌ها انجام می‌دهند برای آنان میسر نیست. اما گاهی هم سیاه می‌پوشند نه برای عزا و ماتم، بلکه برای مشخص کردن مرزها و حریم‌های اجتماعی، و حجاب یک خانم مسلمان یا چادر سیاه از این دسته است. وقتی که خانمی چادر مشکی به سر می‌کند و با وقار و متانت تمام، قدم به عرصه اجتماع می‌گذارد، با این نحوه پوشش می‌خواهد نشان دهد که هر کسی حق ندارد به این حریم پاک، مقدس و خصوصی وارد شود. این حریم، حریم حرمت، حیا و احترام است. نه جای هرزگی، آلودگی و هوس‌بازی. در واقع او با حجاب مشکی و چادر سیاه بین خود و مردان نامحرم مرزی عاقلانه ایجاد می‌کند، او با این سیاهی ظاهری اما ریشه‌دار در درون خود، می‌خواهد نگاه تیز و برنده هرزگی را بشکند و نگذارد در حریم عفاف، پاکی و نجابت او نامحرمی وارد شود و حرمت او را از بین ببرد. لذا چادر مشکی به منزله حرمت و احترام است. مرز ادب، کرامت، حیا و عفت است. مرز آداب است و نشان می‌دهد که در این محدوده باید حریم را نگه داشت و به صاحب حرم با دیده احترام و ادب نگریست. از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه سیاهی را می‌بیند، دیگر چندان رغبتی به نگاه کردن پیدا نمی‌کند و خود به خود نظر را بر می‌گرداند. نگاه به رنگ‌های روشن، چشم را باز و رغبت مشاهده و تمرکز بر دیدن را چند برابر می‌کند. به عبارت دیگر از دیدگاه روان‌شناسی رنگ‌ها با نگاه به رنگ‌های تیره به ویژه رنگ سیاه

که بی‌رنگی مطلق است تقریباً تمام رغبت‌ها را از بین می‌برد. بنابراین باید به روان‌شناسی و جامع‌نگری زن ایرانی آفرین گفت که برای حفظ حرمت، عفت و پاکدامنی خود و همچنین پاسداری از مرزهای زندگی فردی و اجتماعی خویش و برای سالم سازی محیط اجتماعی خود، بهترین حجاب یعنی چادر و مناسب‌ترین رنگ یعنی مشکی را انتخاب کرده است. زنان و دختران نجیب ایرانی برای حفظ حرمت و احترام خود و برای سالم سازی محیط اجتماعی خویش و برای دور نگه داشتن خود و جامعه از آلودگی‌ها، وقتی که از خانه بیرون می‌آیند چادر مشکی بر سر می‌کنند و پس از انجام کارهای روزمره و ضروری خود با قلبی آرام و فکری آزاد و سالم وقتی که به خانه بر می‌گردند چادر مشکی را از سر بر می‌دارند و در محدوده خانه با پوشیدن بهترین لباس‌ها و با جذاب‌ترین رنگ‌ها، طراوت، زیبایی، گرمی و شادابی خود را برای همسر و همدم و مونس خویش به نمایش می‌گذارد و به محیط خانه صمیمیت، صفا و آرامش می‌بخشند و به شریک زندگی خود با کمال سرافرازی و صداقت اعلام می‌دارند که امانت وجودم را در صیانت صدف محکم چادر مشکی بدون دستبرد نگاه‌های آلوده به خانه برگردانده‌ام. علم روان‌شناسی می‌گوید: «سیاه به معنی «نه» بوده و نقطه مقابل، «بله» یعنی سفید است.» با این نگاه باید گفت: آن کس که در مقابل نامحرم سیاه می‌پوشد در واقع می‌خواهد به او «نه» بگوید. و آن کس که رنگ سفید، رنگارنگ و جذاب می‌پوشد راه نگاه‌ها را به سوی خود باز می‌گذارد و در واقع خواسته یا ناخواسته خود را در معرض نگاه‌های هرزه و آلوده قرار می‌دهد و وسیله آلودگی انحراف و جامعه را فراهم می‌کند. ماکس لوشر متخصص در روان‌شناسی رنگ‌ها معتقد است: «سفید به صفحه خالی می‌ماند که داستان را باید روی آن نوشت، ولی سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد.» بنابراین زنی که در برابر نامحرم و در بیرون از خانه لباس سفید و رنگارنگ می‌پوشد، از ایمنی کمتری برخوردار است ولی زنی که چادر سیاه می‌پوشد، حداکثر ایمنی را برای خود ایجاد کرده است و نشان می‌دهد که اینجا نقطه پایان نگاه‌های نامحرم‌ان است و در فراسوی این پوشش جایی برای نفوذ نگاه‌ها و نیت‌های ناپاک نیست. در جای دیگری در بحث روان‌شناسی رنگ‌ها می‌خوانیم که: «سیاه نشان‌گر ترک علاقه یا انصراف نهایی بوده و از تأثیری قوی بر هر رنگی که در همان گروه (در کنار آن) قرار گرفته باشد، برخوردار است و خصلت آن رنگ را مورد تأکید و اهمیت قرار می‌دهد.» از این رو کسی که چادر مشکی می‌پوشد، می‌خواهد با رنگ سیاه چادر دائماً جلوه و نمای خود را نفی کند و خود را از نگاه‌های دیگران دور نگه دارد. رنگ مشکی چادر او نشان‌گر ترک علاقه یا انصراف نهایی است. یعنی چادر مشکی به نگاه‌های نامحرم می‌گوید: هیچ جایگاهی برای نگاه شما در من وجود ندارد و من کاملاً از شما روی گردانم و به دیگران می‌گوید که نگاه شما به سوی من جز ضرر برای خودتان و من نتیجه دیگری ندارد. وقتی رنگ مشکی در کنار رنگ دیگری قرار می‌گیرد، تأثیر آن رنگ را تقویت کرده، خصلت آن رنگ را مورد تأکید و اهمیت قرار می‌دهد. به عنوان مثال اگر لباس سیاهی در کنار یک پنجره رنگین آویزان باشد، هر بیننده‌ای که به آن سو بنگرد نگاه او به طرف پنجره جلب خواهد شد و به لباس توجهی نخواهد کرد. این امر به خاطر آن است که رنگ سیاه لباس، خاصیت خود را نفی کرده و در عوض خاصیت رنگ پنجره را تقویت نموده است. به همین علت وقتی خانمی چادر مشکی به سر می‌کند و در خیابان راه می‌رود، ناظری که از دور به او و اشیای فراوان رنگی اطراف مثل اتومبیل‌ها، مغازه‌ها و غیره نگاه می‌کند، بی‌اختیار اشیاء و پوشش رنگی نظر او را به خود جلب کرده و در بسیاری اوقات شخص بیننده اصلاً به آن رنگ مشکی توجهی نکرده و رد می‌شود. آری! بانوانی که می‌خواهند به بهترین شکل عفت و پاکدامنی خود را حفظ کنند و تیرهای زهر آلود نگاه غیر خودی را دفع کنند، حجاب برتر یعنی چادر را می‌گزینند. بنابراین بهترین حجاب زنان در بیرون از خانه و در محیط اجتماع و به طور کلی در برابر نامحرم‌ان، چادر مشکی است که علم روان‌شناسی نیز آن را تأیید می‌کند) - ؟. ----- (ر.ک. روان‌شناسی رنگ‌ها: ماکس لوشر: ترجمه ویدا ابی زاده.

برخی می گویند: اولاً چادر گران است و مانع از نظر اقتصادی با صرفه تر می باشد و ثانیاً: رنگ مشکی باعث به وجود آمدن انواع ناراحتیهای روحی و روانی و سبب افسردگی می گردد، پس بهتر است چادر مشکی به چادر صورتی و زرد و قرمز تبدیل گردد. در رد این نظریه بیان مطالب زیر مفید است. اول: این که وقتی یک زن چادری که در طول یک یا دو سال یک چادر بیشتر لازم ندارد با خانمی که بدون چادر هر هفته با یک لباس و یک نوع رنگ به همراه انواع آرایش بیرون می آید در نظر می گیریم به مراتب از نظر اقتصادی چادر با صرفه تر خواهد بود. بلکه آن خانمهایی که همواره به چادر اشکال می کنند گاهی مانتویشان چندین برابر قیمت یک چادر است. دوم: این که مگر زن مسلمان می خواهد همیشه چادر سرش نماید تا رنگ مشکی اثر منفی از جهت روانی داشته باشد، بلکه چادر را برای اوقات کمی که در بیرون از منزل هست استفاده می کند و در درون خانه و مکانی که نامحرم نیست می تواند از لباسهای خوش رنگ و مناسب استفاده کند که اسلام هم روی این موضوع تاکید نموده است. سوم: این که اگر این حرف شما صحت داشته باشد باید هم خانمهای بدحجاب و زنانی که از انواع لباسها و اقسام رنگهای شاد در خیابان استفاده می کنند و نظر مردان به ویژه جوانان لایبالی را به خود جلب می کنند باید از نظر روانی و روحی سالم ترین زنان باشند و از نظر اجتماعی و اخلاقی و مشکلات خانوادگی مانند طلاق، متارکه و... کمترین ناراحتی نداشته باشند. در حالیکه آمار چیز دیگری را نشان می دهد و اصلاً بر مبنای شما جوامع غربی باید شاداب ترین و سالم ترین مردم را از نظر روحی و اخلاقی داشته باشند. در حالی که همه می دانند و خود غریبه ها هم بارها اعتراف کرده اند که کشورهای غربی بالاترین آمار را از نظر مشکل اخلاقی و روحی در بین جامعه خود دارند. چهارم: این که اگر چه بعضی از رنگها بر دیگر بعضی، از جهات مختلف برتری دارند. ولی تمام رنگها اعم از سفید و آبی و قرمز و سیاه نشانه عظمت و قدرت خدای تواناست. بر همین اساس قرآن کریم رنگ سیاه بعضی از کوهها را جزء آیات و نشانه قدرت حق تعالی می داند. اگر رنگ سیاه به گمان شما این قدر از نظر روانی برای بشر خطرناک بود خداوند حکیم قسمتی از طبیعت و بعضی از انسانها و چیزهای دیگر را سیاه نمی آفرید و اگر حرف شما صحت داشت بایستی خداوند حکیم رنگ سیاه را از عالم هستی می زدود. پس وجود آن، نشانه زیبایی نظام آفرینش اعم از کوه، انسان و اشیاء دیگر است. از همه مهمتر وقتی انسانی اطلاع از دین و رابطه مناسبی با آن و معنویت نداشت دچار جهل و تحت تاثیر تبلیغات دشمنان اسلام قرار می گیرد و الا با این همه آثار و فواید حجاب بالاخص چادر اینقدر اشکال و سر و صدا ندارد. و باید بدانیم ریشه تمام این مسائل دو چیز است. یکی عدم معنویت و نداشتن آگاهی از دین در بعضی از مسلمانان و دیگر آنکه دشمن می داند تا وقتی که این حجاب و چادر بر سر زنان و غیرت در بین مردان وجود دارد نمی تواند به آن اهدافش برسد.

آیا چادر مانع فعالیت بانوان است؟

با توجه به عصر ماشین و صنعت آیا استفاده از چادر برای بانوان جهت فعالیت روزانه در محیط کار ایجاد مشکل می کند؟ اولاً: باید توجه داشت که بیشتر چیزهایی که بشر مورد استفاده قرار می دهد بدون زحمت نیست حتی غذا خوردن و نوشیدن آب. ولی برای منافع عظیمی که دارد آن زحمت را تحمل می کند. ثانیاً: بانوان نیز می توانند از چادری استفاده کنند که رفت و آمد به محل کار برای آنان سختی به بار نیاورد و چه بسا بانوان شاغلی که همچون نمایندگان مجلس، خبرنگاران، گویندگان تلویزیون و زنان کشاورز و روستایی مخصوصاً آنها که در شالیزار می باشند با چادر مشغول فعالیت روزانه هستند بدون اینکه مزاحمتی برای ایشان ایجاد کند حتی در بعضی از موارد بیشتر از مردان کار می کنند.

حجاب و جذابیت

اصولاً- ارتباط کمتر و دوری از شیء مطلوب، جذابیت آن را بیشتر می کند. از این رو پوشش زن، جذابیت او را در نظر جنس مخالف بیشتر کرده و تلاش و پی گیری اش را برای وصال فزونی خواهد بخشید. شکوفایی ذوقهای ادبی، نگارش داستانهای نظیر لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین و... همه در سایه حجاب زن و مهجوری مرد، تحقق یافته است. بنابراین اگر زنان خواهان تحکیم موقعیت و افزایش شخصیت و محبوبیت خویش اند باید آن را در پناه حجاب بدست آورند. بدون تردید یکی از علل بالا رفتن سن ازدواج در جوانان که آنها را از تن دادن به تشکیل خانواده و احساس مسئولیت دور می نماید، همان گسترش بد حجابی و بی بندوباری می باشد. اگر چه این زنان با جلوه گری و هرزه گری و خودنمایی، نظر مردان را به سوی خود جلب می کنند و یاد خدا را از دل مردان بیرون می نمایند و منظره های شهوت انگیز و محرک را در ذهن و دل آنها جای می دهند؛ اما غافل از این هستند که مردان به همان اندازه و شاید بیشتر، بدبینی نسبت به جنس زن پیدا می کنند و در مورد انتخاب همسر وسواس زیادی نشان می دهند و می گویند از کجا بشناسیم یا اطمینان پیدا کنیم که همسر آینده ما خوب و صالح باشد.

حجاب و مسؤولیتهای اجتماعی

هر انسانی در برابر خود و جامعه انسانی خود متعهد و مسؤول می باشد. چنانچه قرآن می فرماید: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصِيرَ وَالْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً؛ گوش و چشم و دل، همگی در برابر کارهایی که انجام داده اند مسؤولند، از آنها سوال می شود؟». آری! هر سخنی که می گوئیم، ثبت و ضبط می شود و هر گامی که بر می داریم در حساب ما نوشته می شود و مسؤول تمام اعمال و قضاوتها و اعتقادات خود هستیم. این مسؤولیت عام است؛ یعنی هم شامل زنها می شود و هم شامل مردها. زنها و مردها در برابر اعمالی که انجام می دهند چه در خانواده و چه در اجتماع، مسؤول هستند و در برابر کوچک ترین تخلف و عدم مسؤولیت باید در پیشگاه الهی در قیامت حساب پس بدهند. در آنجا حتی اعضا و جوارح انسان علیه او گواهی می دهند. «حَتَّى إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ چون همه بر دوزخ رسند، آن هنگام گوش و چشمها و پوست بدنها بر جرم و گناه آنها گواهی می دهند؟». (دین اسلام در مسائل اجتماعی همواره برنامه هایی را ارائه می دهد که منش و شیوه زندگی اجتماعی درست را تأمین می کند و به ارائه روشهایی مبادرت می ورزد که موجب تحکیم روابط اجتماعی و آرامش روانی انسان در زندگی فردی اجتماعی می گردد) - ؟. ----- (سوره اسراء: آیه) - ؟. (؟؟ سوره فصلت: آیه.؟؟

حفظ عفاف اجتماعی

حفظ عفاف اجتماعی هم، به عفاف زنان بستگی دارد. آنهایی که می خواهند برای نیل به مقاصد شیطانی خود، بی بند و باری و هرزگی را در جامعه، رواج دهند، زنان را ملعبه و بازیچه خود می کنند. کافی است برای به فساد کشیدن یک جمعیت، تعدادی از زنان هرزه و فاسد در بین آنها راه پیدا کنند. آنچنان زشتی ها و مفاسد اخلاقی را بین مردم رواج می دهند که بعد از مدت کوتاهی این مفاسد برای مردم، عادی به نظر می رسد. ممکن است بعضی از بی حجابها، بی بند و بار نباشند؛ ولی بی حجابی، مقدمه بی بندوباری است و خود، زمینه ساز مفاسد جنسی است. بدون شک زنان برای اینکه در بعد اجتماعی، حد اعلای موفقیت را به دست آورند و محیط مقدس کارشان به هرزگیهای شهوانی آلوده نشود، باید حجاب اسلامی خود را حفظ نمایند. وقتی کار و شهوت به هم در آمیخت، هم بازده کار کم می شود و هم ثبات و اطمینان و اعتماد از محیط خانواده رخت بر می بندد. آری! فرهنگ منحط غرب با جوسازیها و تبلیغات پوچ، جلو چشمهای بینا، گرد و خاک هوا و هوس می افشانند تا آنها را از تماشای حقیقت باز دارند.

نقش اخلاق در حفظ عفت

اولین حقی که هم زن و هم مرد باید رعایت کنند، خوش اخلاقی است، زیرا آنچه که کانون خانواده به شدت به آن نیازمند است؛ نرمی، ملایمت، سازگاری، گذشت، ایثار، فداکاری، صفا و صمیمیت است و محبت و عشق و علاقه از همین روحیات به وجود می آید. همان طور که بدن انسان برای سلامت و تندرستی به خون نیازمند است تا همه اعضا به تحرک و فعالیت درآیند. در کانون خانوادگی هم آنچه که به افراد خانواده توان و قدرت کار و کوشش می دهد، خوش اخلاقی است. اساساً اگر در هر محیطی، اخلاق حاکم نباشد، زندگی در آنجا از لذت و صفا برخوردار نخواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «من به همسران خود از همه مهربان تر هستم هر که بخواهد به من نزدیک تر باشد باید با خانواده خود مهربان باشد؟». (مرد می بایست به همسر خود، به خصوص در حضور دیگران احترام بگذارد. این احترام باید توأم با صمیمیت و مهربانی باشد. زن نیازمند دریافت محبت و احترام از شوهر است. مخصوصاً در حضور دوستان و آشنایان این امر باعث می شود که زن از داشتن شوهر، احساس افتخار و سربلندی کند و این احساس، شوق او را به زندگی زناشویی و آمادگی وی را برای گذشت و بردباری در برابر محرومیت ها و سختی های احتمالی بیشتر می کند. البته طبق فطرت الهی، خداوند مودت و محبت را از ابتدا بین زن و شوهر قرار داده است. اما معمولاً انسانها با اشتباهاتشان، به این محبت ضربه می زنند. اگر منفی بافیها، بدبینی ها، زخم زبانها در زندگی راه پیدا کند، محبت خدادادی رخت بر می بندد. از این رو در اسلام به مردان سفارش شده است که به زنان خود اظهار دوستی و محبت کنید چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: سخن مرد به همسرش که «تو را دوست دارم» هیچگاه از قلب او زدوده نخواهد شد؟». (مرد باید در ایجاد یک محیط آرام، صمیمی، اطمینان بخش در خانواده خود بکوشد. تا همسر و فرزندانش تحت تأثیر محبت ظاهری و لفظی افراد خارج از محیط خانواده قرار نگیرند. بد اخلاقی و عدم تفاهم شوهر و همسر در خانواده، باعث دلزدگی خواهد شد. «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»؛ همانا ورشکسته ترین افراد، کسانی هستند که خود و خانواده خود را (در اثر سوء تربیت یا کوتاهی در تعلیم و تربیت) در روز قیامت به زیان انداختند، هان! این همان خسران و زیان آشکار است؟). (پس باید دانست که چگونه کانون خانواده را گرم و با معنویت نگه داشت و از بی روح شدن و به سردی گراییدن آن، پیشگیری کرد تا فرزندان مان با عقده های روانی و افسردگی، که از لوازم حتمی این گونه کانونهای خانوادگی است پا به اجتماع نگذارند که بدون تردید این آغاز بزهکاری و دل مردگی اجتماع است. به طور کلی برای آنکه کانون خانواده از هم پاشیده نشود باید ارضای غرائز جنسی را از محیط سالم خانواده و از چارچوب ازدواج خارج ننمائیم؛ زیرا هم خانواده را تباه می کند و هم محیط کار انسان را به فساد و تباهی می کشاند. اگر زندگی متزلزل باشد، کاخها و خانه های مجلل هم بی روح و پوچ است. و اگر زندگی استوار و مستحکم باشد، خانه گلین هم پر از روح و نشاط است. جلوه گری زن در محیط خانه و برای شوهر از ارزشهای والا است. و در مقابل جلوه گریهای او در محیط خارج و برای مردان بیگانه از ضد ارزشهای شوم است زیرا این جلوه گری ها با بی بندوباری و هرزگی زن در خارج از خانه و در محیط کار و اجتماع همراه است و بدون شک در بعد مادری، او را ناموفق می سازد و در نتیجه فرزندان ناصالح و ناسالم به جامعه ارائه خواهد داد.

(- ؟ - (سفینه البحار: ماده «رفق» - ؟). (وسائل الشیعه: ج، ؟؟ ص) - ؟. (؟؟ سوره زمر: آیه. ??)

دوری از خودنمایی

«وَلَا تَبْرَحْنَ تَبْرِجَ الْجَاهِلِيَةِ الْأُولَى...» مانند عصر جاهلیت قبل از اسلام، خودنمایی و خودآرایی نکنید؟». (با توجه به آفرینش ویژه زن و آمیختگی زیبایی ظاهری، با احساسات و عواطف باطنی و تمایل به خودنمایی که در وجود زن، بطور محسوس و قوی به چشم

می خورد. بدیهی است چه مفاسد و آثاری ببار خواهد آورد. درست مثل این است که انبار باروتی را در کنار جرقه های آتش قرار دهند. از این رو جهت جلوگیری از پیشامدهای نامطلوب، راهکارهای مختلفی در دین ارادته شده که از آن جمله، امر به حجاب و توصیه زنان، به اجتناب از خودنمایی و حرکات تحریک آمیز است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نهی فرموده که زن، برای مرد نامحرم زینت کند. اگر چنین کرد، حق است که خدا او را به آتش بسوزاند؟ (امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر زنی که برای غیر شوهر خود بوی خوش استعمال کند، نماز او قبول نمی شود تا از آن بوی خوش غسل کند. آنگونه که از جنابت غسل می نماید؟»). (قرآن صادق ترین بیانگر تاریخ امتهای گذشته است که به صراحت هلاکت بسیاری از امتها را به خاطر روی آوردن به فساد و سرپیچی نمودن از فرامین الهی مطرح می کند. خداوند در سوره عنکبوت به هلاکت برخی از اقوام گذشته اشاره می کند و می فرماید: «فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَسَفْنَا بِهِنَّ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَّنْ أَعْرَفْنَا وَمَا كَانُ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ؛ ما هر طایفه ای را به کیفر گناهش مؤاخذه کردیم که بعضی را بر سرشان سنگ بلا فرو باریدیم و برخی را به صیحه عذاب آسمانی و برخی را به زلزله زمین و گروهی را به غرق دریا به هلاکت رسانیدیم. خدا به آنان هیچ ستم نکرد لیکن آنها خود، در حق خویش ستم کردند؟»). (در آیه دیگر می فرماید: «ای پیغمبر! به همسران و دختران و به زنان مؤمن بگو که جلبابهای (روسریهای) خویش را بر خود فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، بهتر است و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است؟»). (با توجه به آیات بیان شده به این نتیجه می رسیم که خودنمایی زنان چگونه آتش هوا و هوس را در دلهای مردان روشن می نماید و آرامش روح و روان را به نا آرامی و بیماری مبدل می سازد و با گذشت زمان دود این آتش چشمان زنان را هم اشک آلود خواهد نمود؟ - - - (سوره احزاب: آیه) - ؟. (??) وسائل الشیعه: ج ، ؟ (ص) - ؟. (???) مکارم الاخلاق: (ص) - ؟. (???) سوره عنکبوت: (آیه) - ؟. (??) سوره احزاب: آیه. ??

برهنگی و بی حجابی دام شیطانی است

ما در دنیای سراسر ظلم و بی عدالتی که زنان بیش از هر قشر دیگر در معرض ظلم و اهانت قرار دارند این افتخار را داریم که از دیدگاه مکتب ما، زن اصلی ترین ستون جامعه است و به همین جهت، شکل گیری شخصیت زنان بسیار قابل توجه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «بین فرزندان مساوات برقرار کنید ولی اگر قرار شد برای بعضی بر دیگری فضیلت قایل شوید، من زنان را در فضیلت بخشیدن برتر می دانم؟». (در دین مبین اسلام سفارش شده است که باید در تربیت و پرورش زنان کوشید؛ زیرا زنان محور اصلی جامعه می باشند. مرکز پیشرفت و ترقی اند، زن سازنده شخصیت انسانهاست، زن منتقل کننده ارزشها به جامعه است. بنابراین اگر زنان با حقیقت اسلام آشنا شوند و به شخصیت حقیقی خود دست یابند، نه تنها قدرتهای پوشالی جهان هرگز نخواهند توانست آنان را در قالبهای خشک مادی، اسیر نموده و ماهیت انسانیشان را دگرگون کنند، بلکه دامان و افکارشان پدید آورنده هدایت گرانی خواهد شد که با قدرت اسلام برای نجات بشریت تلاش خواهد نمود. یکی از عواملی که موجب می شود برخی از زنان ما تحت تأثیر هجوم فرهنگ منحط غرب قرار بگیرند، همان ضعف ایمان و عدم آگاهی و شناخت آنان از اسلام و تعالیم رهایی بخش آن است. از نظر قرآن برهنگی و بی حجابی، دام بزرگ شیطان است. «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛ ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما را فریب دهد چنان چه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، جامه عزت از تن آنان برکند و قبايح آنان را در نظرشان پدید آورد. همانا آن شیطان و گروه وابسته به او، شما را از جایی و بگونه ای می بینند که شما، آنها را نمی بینید. ما شیاطین را اولیا و همکاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند؟»). (یکی از مهمترین دامهای شیطان و اولیای او، کشف حجاب و پوشش است که خداوند برای انسانها قرار داده است؛ زیرا لباس و حجاب، وسیله ای برای آراستن انسان

به زینت عفت و حیا، تقوا و پاکدامنی، وقار و شخصیت است و شیطان می کوشد تا با وسوسه و وارونه جلوه دادن حقایق، حجاب و پوشش را زشت و کشف حجاب و برهنه ساختن اندام را زیبا و جذاب جلوه دهد و با گرفتن حیا و تقوایشان، بر آنان مسلط شود. بعضی از کوتاه فکran خیال می کنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم به صورت عادی در می آید و دیگر، افراد تحریک نمی شوند! از نظر جنسی شاید چنین باشد ولی عطش روحی با افزایش مناظر تحریک آمیز نه تنها کاهش نمی یابد؛ بلکه پیوسته افزایش خواهد یافت. اگر چنین حرفی صحیح بود دیگر در غرب و اروپا دیگر از تجاوزات و خشونت های جنسی خبری نبود. - (؟؟) - (فتح الباری: ج، ؟ ص) - (؟؟) - (سوره اعراف: آیه.؟؟)

عفاف آمیخته در آفرینش زن

عفت و پاکدامنی با آفرینش زن به هم آمیخته است. او از روز نخست عفت گرا و پاکدامن است، نگاه های معصومانه و نفرت او از گناه، در آغاز جوانی و تظاهر به عفت و پاکدامنی در برخوردها، نشانه آن است که عفت در خلقت زن جایگاه، والا و بلندی دارد که هم خود زنان خواهان آنند و هم دیگران، زن را با این ویژگی می خواهند. اسلام آفرینش زن و صلاح و خیر جامعه را در نظر گرفته و حجاب را لازم شمرده تا با عفت درونی او هماهنگ گردد، و بنیان خانواده ها مستحکم گردد. بنابراین، الزام پوشش فقط و فقط برای حفظ عفت زن است نه زنجیر اسارتی بر دست و پای او، و نه سدی در برابر تکامل فکری و علمی و هنری او، بلکه وسیله ای برای تعالی روح و ایفای مسئولیتهای فردی و اجتماعی است، چه بسا زنان پاکدامن سخنوری که تاریخ، خصوصیات و رشادت های آنان را ضبط کرده است. اسلام پوشش از بیگانه را ملاک برتری زن معرفی کرده است. پیامبر e می فرماید: «بهترین زنان شما، زنان عقیف غیر عقیمی است که تنها برای شوهرانشان خود را می آریند و در مقابل بیگانه کاملاً پوشیده اند؟». در حدیث دیگری آن حضرت می فرماید: «آیا بدترین زنان را به شما معرفی نکنم؟ بدترین زنان شما زنانی هستند که در برابر بیگانه آراسته اند ولی نزد شوهر پوشیده اند و آراستگی لازم را ندارند؟». حیا و عفاف و ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانها کردن خود و حفظ موقعیت خویش در برابر مرد به کار برده است. زن برای مرد همچون جایزه ای است که باید آن را برآید. وقتی که زن مقام و موقعیت خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف مرد را در برابر خود دانست، همانطور که متوسل به زیور و خود آرایی و تجمل شد که از آن راه قلب مرد را تصاحب کند، متوسل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز شد، دانست که نباید خود را رایگان کند، بلکه باید آتش عشق و طلب را تیزتر نماید و در نتیجه موقعیت و مقام خود را بالا برد. مولوی، عارف دقیق اندیش می گوید مثل مرد و زن مثل آب است و آتش، مرد مثل آب و زن مثل آتش، اگر حائل از میان آب و آتش برداشته شود، آب بر آتش غلبه می کند و آنرا خاموش می سازد، اما اگر حائل و حاجبی میان آن دو برقرار گردد. مثل اینکه آبی را در دیگی قرار دهند و آتش در زیر آن دیگ روشن کنند، آن وقت است که آتش، آب را تحت تأثیر خود قرار می دهد. اندک اندک او را گرم می کند و احیاناً جوشش و غلیان در او به وجود می آورد، تا آنجا که سراسر وجود او را به بخار تبدیل می سازد؟ مرد، برخلاف آنچه ابتدا تصور می رود، در عمق روح خویش از ابتدال زن، از تسلیم و رایگانی او منتفر است. مرد همیشه عزت، استغنا و بی اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است. از داستان لیلی و مجنون، خسرو و شیرین می توان فهمید که زن بر اثر دور نگهداشتن خود از دسترس مرد تا چه اندازه مقام خود را بالا می برد قطعاً اگر زن این حقیقت را درک کند در تمایل او به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز تأثیر فراوانی داشته است. بدون شک پوشش و حجاب به حفظ عفت و پاکدامنی زن کمک خواهد کرد؛ زیرا بی عفتی، ریشه تمام فسادها و تباهی ها است و باعث متلاشی شدن کانونهای گرم خانواده و در نتیجه سرگردان شدن فرزندان و گرایش آنها به ناهنجاریها و مفاسد اخلاقی است. امام زمان y در دعای خود می فرماید: «اللهم الرزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصية... و علی النساء بالحیاء و العفة... خدایا توفیق اطاعت و دوری از معصیت را روزی ما گردان و به

علمای ما، زهد و خیرخواهی و به زنان، حیا و پاکدامنی عنایت فرما؟». پدران و مادران موظفند فرزندان خویش را با سجایای اخلاقی انسانی تربیت کنند و از دوران کودکی صفات عالیہ انسانی را در ضمیر آنان پرورش دهند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کونوا دعاء الناس باعمالکم و لا تکنوا دعاء بالستکم؛ مردم را با عمل خود به نیکیها دعوت کنید نه با زبان خود؟». هر قدر پدران و مادران بهتر و راسخ تر نقش الگویی را عهده دار باشند. تأثیر، جذب و رشد اخلاقی فرزندان آنان بهتر و وسیع تر صورت خواهد پذیرفت. لذا والدین باید تلاش کنند در امور دینی و اخلاقی و پرورش حیا و عفت برای فرزندان خود الگو باشند.

_____ ؟ - فروع کافی: ج، ؟ ص - ؟؟؟ همان: ص - ؟؟؟ مسأله حجاب، شهید مرتضی مطهری: ص - ؟. مفاتیح الجنان - ... ؟.

حیای مثبت و منفی

گفتنی است که از نظر اسلام، مطلق حیا پسندیده نیست. از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله حیا بر دو گونه است. حیایی که برخاسته از حکم عقل است و حیایی که نشانه حماقت و نادانی است؟. (حیایی که انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد، حیا خوبی است و نشانه عقل و ایمان است و آنچه در فضیلت حیا در اسلام وارده شده است، درباره همین نوع از حیا است، از مصادیق این حیا می‌توان حیا از خداوند، حیا از خویشان، حیا از دیگران را نام برد. حیایی که انسان را از کارهای نیک باز می‌دارد، ناپسند و منفی است و اسلام آن را در انسان نشانه نادانی و ناتوانی می‌داند. _____

() - ؟ - (الحیاء حیاءان: حیاء عقل و حیاء حمق)، میزان الحکمه: ص.؟؟؟

حیا چیست؟

حیا شرمی است برخاسته از ادراک خوبی‌ها و بدیهای اختیاری، به این جهت است که انسان، دسته‌ای از کارها را خوب و دسته دیگر را بد می‌داند. علامه مجلسی رحمه الله درباره حقیقت حیا می‌گوید: «ملکه‌ای است که موجب خودداری از کارهای زشت می‌گردد؟». (حیا، عامل بازدارنده‌ای است که موجب پایبند شدن انسان به قوانین و دستورات دین می‌شود: «کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد؟»). (حیا عامل حفظ دختران و پسران از تن دادن به انحرافها و آسیب‌های اجتماعی است. دکتر «فلاس»، استاد دانشگاه روجستر می‌گوید: «خجالت کشیدن و حیا علامت سلامتی است و در میان همه افراد بشر، حتی آنهایی که برهنه زندگی می‌کنند نیز رایج است - ؟ - _____ (؟). (مرآة العقول: ج، ؟ ص) - ؟. (؟؟؟ قال الصادق علیه السلام: "لا ایمان لمن لا حیاء له، "بحار الانوار: ج، ؟؟ ص) - ؟. (؟؟؟ کودک: محمدتقی فلسفی، ج، ؟ ص.؟؟؟

حیا

از زمینه‌ها و در عین حال از ثمرات عفاف، احساس حیا و شرم از انجام کارهای زشت است. امیرمؤمنان علیه السلام حیا را سبب عفت می‌نامند: «سبب العفه الحیاء؟» (و در جای دیگر حیا را میوه و ثمره عفت معرفی می‌کند: «الحیاء ثمره العفه؟»). (هر قدر این احساس شرم از زشتی‌ها در انسان بیشتر باشد، عفت او نیز بیشتر خواهد بود: با عفت‌ترین شما باحیاترین شماست: «أَعْفُكُمْ أَحْیَاكُمْ؟» - ؟ - _____ (؟) (غرر الحکم: حدیث) - ؟. (؟؟؟؟ همان: حدیث

() - ؟. (؟؟؟؟ همان: حدیث.؟؟؟؟

ویژگیهای زنان عفيف

عمومیت عفاف

عفاف از دیدگاه روایات

قرآن و عفاف

قرآن، از این ارزش انسانی و اسلامی با واژه‌هایی چون عفاف، احسان و حضور، یاد کرده است و یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را پاکدامنی و عفاف می‌داند: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ؛ آنان (مؤمنین) کسانی هستند که خویشتن را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند؟». (در اهمیت عفاف، همین بس که خداوند در قرآن، در سوره نور به بیان لزوم عفاف می‌پردازد و شیوه‌های رسیدن به آن و مبارزه با آلودگی‌های جنسی را بیان می‌فرماید. قرآن حتی در بیان مهیج‌ترین ماجراهای تاریخی همچون داستان حضرت یوسف علیه‌السلام، جانب عفاف را رعایت کرده است) - ؟. ----- (سوره مؤمنون: آیه ۲۰؟)

تفاوت عفاف و حجاب

ما پیوسته درباره حجاب، مطالب مختلفی شنیده‌ایم ولی مسأله اصلی و بنیادین، عفت است؛ عفت فراتر از حجاب است. حجاب، همان پوشش ویژه و عفت، یک خصلت، بینش و منش است. حجاب پوشش بیرونی است، ولی عفت هم پوشش بیرونی و هم پوشش درونی است. حجاب می‌تواند ریایی، تحمیلی، ظاهری یا غیر اختیاری باشد؛ ولی عفت، یک خصلت و ارزش اختیاری است. عفت نمودهای گوناگونی دارد؛ از جمله: عفت در نگاه، عفت در سخن، عفت در شهوت و... ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در نگاه، سخن گفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خود نمونه حجاب بدون عفت است، بنابراین برای سالم سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد.

معنای عفاف

عفت، یعنی صیانت نفس از چیزهایی که حرام است یا انجام آن شایسته نیست، شهید مطهری، در تعریف عفاف می‌گوید: «عفت حالتی نفسانی است، به معنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، و تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن؟». (حضرت علی علیه‌السلام درباره حقیقت عفت می‌فرماید: «الصبر علی الشهوة عفة؛ عفت، مقاومت در برابر شهوات است؟») (و در روایت دیگری می‌فرماید: «العفاف زهاده؛ عفاف، بی‌رغبتی نسبت به خواسته‌های نفسانی است؟»). (و اما عقیف به کسی گفته می‌شود که در برابر خواسته‌های نفسانی، از جمله کشش‌های جنسی، مقاومت نموده، خود را حفظ کند. ----- (تعلیم و تربیت، استاد مطهری: ص) - ؟. (??? میزان الحکمه: ج، ؟ ص) - ؟. (??? همان: ص. ????)

عفاف

گرچه نگاه به مسأله حجاب، نگاه به عاملی مهم و مؤثر در رشد معنوی و اخلاقی جامعه است، اما آنچه در قدم اول ضروری‌تر به نظر می‌رسد سالم سازی بنیان‌های اخلاقی جامعه است. عفاف به عنوان پیش زمینه‌ای اساسی در اصلاح این بنیانها، فراتر از حجاب قابل دقت و بررسی است. همچنین حیا، که در یک ارتباط متقابل با عفاف، گاه معلول و گاه علت است. می‌توان گفت که از سویی این دو خصیصه نفسانی از عوامل اساسی در گسترش فرهنگ حجاب می‌باشند و حجاب واقعی جز در پرتو این دو میسر نخواهد بود و از سویی دیگر سالم سازی اخلاقی یک جامعه، محدود به حجاب نیست، بلکه مجموعه‌ای از چگونگی رفتارها و بایدها و نبایدهای فردی و اجتماعی است که با ارتقای سطح عفاف و حیای جامعه، نسبتی مستقیم دارد. لذا بی‌جهت نیست که قبل از ورد به مباحث مختلف حجاب، مختصری پیرامون عفاف و حیا سخن بگوییم:

فصل ششم: فلسفه حجاب

ایجاد امنیت

جامعه موظف است امنیت را در ابعاد مختلف، برای افراد فراهم سازد، بخش عمده‌ای از این مهم به عهده زن است که با حفظ پوشش به این امر جامه عمل بپوشاند. اگر این حریم دریده شود ضمانتی برای سلامتی شخص وجود ندارد، زن چون از این حصار منیع در آمد، در معرض دیدهای آلوده و قلبهای فاسد و منحرف قرار می‌گیرد و آرامش خود را از دست داده و نهایتاً نجات از تلاطم امواج بلا- را نامعلوم می‌سازد. در سایه رعایت عفاف، زن با شهادت هر چه تمامتر به وظیفه خود مشغول شده و خطری از ناحیه اجتماع متوجه وی نمی‌شود. به این صورت با قاطعیت تمام معتقد هستیم که پوشش، امنیت زن را در جامعه فراهم می‌سازد و در حریم پوشش است که می‌توان با خیالی آسوده به جامعه آمد و به فعالیت پرداخت و در سنگر حجاب، حضور عینی خود را در ابعاد مختلف اجتماع، تحقق بخشید.

حضور سازنده در اجتماع

بدون هیچ تردیدی، اندام زن به ویژه اگر به آرایه‌ها و پیرایه‌هایی، آراسته گردد هیجان انگیز و هوس آفرین است. از سوی دیگر زن، بخش عظیمی از نیروی انسانی یک جامعه را تشکیل می‌دهد و در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی می‌تواند نقش آفرینی عظیمی داشته باشد. اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت حضوری سازنده در اجتماع برای او رقم می‌زند و با دستورهای حکیمانه و رهگشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه‌ای بی هدف و بی‌اثر ماندن نجات داده و از سوی دیگر جلوی فساد گستره و ناهنجاریهای ناشی از اختلاط مرد و زن را گرفته است. همه آحاد جامعه در مقابل سلامت نفسانی جامعه مسئولند و مسئولیت مهمتر در این باره بر دوش خانمهاست. دقت در آنچه گفتیم بی‌پایگی تفکر هوس آلودانی را که حجاب را حصار تلقی کرده و برای هوسهای خود، زن را برای شکستن به اصطلاح حصار دعوت می‌کنند، روشن می‌شود و به خوبی دانسته می‌شود که حجاب عملاً عامل مهمی است در جهت آزادی زن نه اسارت او، مهم این است که تلقی ما از آزادی دقیقاً روشن باشد.

مبارزه با نفسی

میل به خودنمایی و جلوه‌گری به مصالحی در سرشت زن، وابسته است که باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود. بی‌گمان این گرایش در وجود زن اگر همچون سایر میل‌ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات مطلوبی خواهد داشت و در جهت کمال او کار آمد خواهد بود و در مسیر فراهم آوردن محیطی مناسب همراه با زندگی، سودمند خواهد شد؛ چرا که هیچ گرایش درونی بدون دلیل در وجود انسان به ودیعت نهاده نشده است. اما اگر این گرایش، مرزی نداشته باشد و خودنمایی و جلوه‌گری همواره و در همه جا نمود داشته باشد، قطعاً فساد آفرین خواهد بود و در ایجاد زمینه‌های ناهنجاری در جامعه تأثیر خواهد گذاشت، پوشش را می‌توان مهمترین عامل تعدیل این میل دانست. اشاره لطیفی به این مطلب در کلام علی (علیه السلام) است: «زکاه الجمال العفاف؛ زکات زیبایی، عفاف است؟». (زیبایی برای زن، سرمایه است، اما باید به جا مصرف شود و زکات جمال زن، حفظ عفاف و پوشش است. مانند سازی جمال زن به سرمایه، نشانگر آن است که از یک سوی سودمند و کارآمد است و از سوی دیگر کنترل شدنی و تعدیل یافتنی می‌باشد و اشاره است به اینکه در صورت مرزشکنی، فتنه‌انگیز و فساد آفرین خواهد بود. جواز کشف حجاب در مقابل محارم از جمله شوهر، این غریزه را جهت می‌دهد که خودآرایی زن مختص به شوهر است و منع آن در برابر نامحرم، این غریزه را کنترل می‌سازد و از مرزشکنی جلوگیری می‌کند، این غریزه می‌تواند گامی در جهت مبارزه با سایر

خواهشهای نفسانی باشد. وقتی زن در جهت کنترل این خواهش، اقدام نمود آمادگی غلبه بر می کند خواهشها را تحصیل کرده و در جهت رشد و تعالی خود حرکت می نماید - ؟ ----- غرر الحکم: ج، ؟ ص ???.

حرمت بخشیدن به زن

زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است، حفظ پوشش به نوعی احترام گذاردن به زن و محفوظ نگاه داشتن وی از نگاههای شهوانی و حیوانی است. چنانچه زن، حدود را رعایت ننماید؛ هر بیمار دلی به او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم زن را می شکند. آن شخصیتی که باید سالم بماند و نسل سالم تربیت کند، تحت تأثیر دیدهای آلوده به گناه به طرف شهوات سوق داده شده و در نتیجه هویت واقعی اش را فراموش کرده در چنگال بیمار دلان و هوسبازان، گرفتار می آید و از منش انسانیش سقوط کرده و به غرقاب حیوانیت می رود. کلام گهربار حضرت زهرا (ع) نشانگر لزوم حفظ جایگاه والای زن است که فرمود: «خیر النساء لایرین الرجال ولا یراهن الرجال؛ بهترین زنان، زنی است که مردی را نبیند و مردی هم او را نبیند؟». (در قرآن، آنگاه که حدود پوشش را مطرح می سازد به این حکمت اشاره می نماید: «ذَٰلِكَ أَذَنِّي أَن يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِنَنَ؛ این پوشش نزدیک تر است که زنان به حیا و عفاف شناخته شوند و مورد اذیت ناهلان واقع نشوند -؟) ----- ؟». (مکارم الاخلاق: ص - ؟. ??? سوره احزاب: آیه. ???)

ارضای خواسته فطری

به طور کلی شخصیت ذاتی انسان کمال جو و حقیقت طلب است و زمینه محبت و عشق به خدا و پاکی و انسانیت و بیزاری از کفر، فسق و عصیان در عمق جان او به امانت گذاشته شده است؛ زیرا که دین اسلام، دین فطرت می باشد و به همان اموری هدایت می کند که فطرت انسان ها به سوی آن هدایت می نمایند؛ و هیچ قانون و حکم مخالفی ساختار روح و جسم آدمی را در بر نمی گیرد. نتیجه آن که انسان می تواند عقاید، اخلاق، اعمال و اشیاء، به ویژه پدیده ها و مدل های نو را با محک فطرت و ادراک باطنی خویش بسنجد و از حقانیت یا بطلان و فضیلت یا رذیلت آنها آگاهی یابد. البته در پاره ای از موارد و مصادیق وحی و دین راهنمای اصلی به شمار می رود. پوشش و حجاب عقیقانه ندا و دعوتی است که زن آن را در عمق جان خود می شنود و کششی است که از درون خود به سمت آن گرایش پیدا می کند و از بی حجابی، بدحجابی و خودنمایی انزجار و تنفر دارد و از آن جا که منشا امور فطری، آفرینش انسان است لذا در همه افراد به طور یکسان وجود دارند هر چند عواملی مانند تربیت خوب یا بد، تبلیغات سازنده یا مخرب، محیط فاسد و ناسالم در شکوفایی و رشد یا ضعف و کاهش و حتی به خاموش گراییدن نور آن در باطن مؤثر هستند. یک نشانه بر فطری بودن حجاب آن است که کتاب های تاریخی و آثار تمدن های مختلف گواهی می دهد که فرهنگ حجاب همواره در میان زنان مرسوم بوده و اختصاص به مذهب یا دین خاصی ندارد. استاد شهید، مرتضی مطهری (ره) در این باره می گوید: «به طور کلی بحثی است درباره ریشه اخلاق جنسی، از قبیل حیا، عفاف و از آن جمله است تمایل به ستر و پوشش خود - زن - از مرد و در این جا نظریاتی ابراز شده که دقیق ترین آنها این است که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است؟». (به طور کلی مرز حفظ و ماندگاری یک قانون و آیین، موافق بودن آن با فطرت و طبیعت و نیازهای بشری است. بر این اساس فرهنگ ابتذال و بدحجابی و بی حجابی بر خلاف فطرت زن است و اگر چه به خاطر برخی عوامل خارجی و غفلت ها و ناآگاهی ها در کوتاه مدت رواج یابد لیکن پایدار نخواهد بود.

کمال بخشی به زن

به طور کلی از ملاک‌های حقانیت و فضیلت هر عمل، تأثیر آن در تکامل و سعادت انسان است؛ همان گونه که میزان ارزش و فضیلت هر امر حقی به اندازه نقش آن در تأمین نیازها و تکامل انسان و نزدیکی به خداوند می‌باشد؛ چنان که از ویژگی‌های قوانین و دستورهای حکیمانه اسلام، حیات بخشی و کمال آفرینی و تأثیر آن در تأمین نیک فرجامی انسان است، قرآن مجید می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خداوند و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خوانند که مایه حیات و رشد شما می‌باشد؟». (بدون شک خودنمایی، بی‌بندوباری و پیروی از مدهای رایج، نه در حیات طبیعی و نیازهای واقعی جسمی ضرورت دارد و نه پاسخ‌گوی نیازهای روحی و روانی و تکامل بخش زندگی معنوی می‌باشد، بلکه به هر دو بعد حیات مادی و معنوی آسیب می‌رساند و سلامت جسمی و روحی افراد را به مخاطره می‌اندازد. به راستی کدام زنی توانسته با پوشش‌ها و رفتارهای ناهنجار، حرکت تکاملی و رشد معنوی داشته و به خداوند تقرب یافته باشد. بنابراین، حجاب به عنوان یک رفتار ارزشمند و اخلاقی برای بانوان بسیار حیات‌بخش و تکامل‌ساز است و مسیر رشد و تعالی را بهتر و آسان‌تر هموار می‌سازد.

رفتاری عاقلانه و منطقی

الف: بر اساس حکم عقل، هر گوهر ارزشمند و دوست داشتنی باید از دستبرد بیگانه محفوظ بماند و گرنه از دست می‌رود و یا آسیب می‌بیند؛ از این رو زن هم که در ظاهر جنس لطیف و در باطن حقیقت شگرفی است، دارای محبوبیت و ارزش والایی است و باید در صدف عفاف و پوشش اسلامی قرار بگیرد، تا عظمت و ارزش و محبوبیت او حفظ و از تماس بیگانه و نگاه او در امان باشد. به بیان دیگر عقل در می‌یابد که هر انسانی طبیعتاً تحت تأثیر لطافت‌ها و زیبایی‌ها قرار گرفته و مجذوب آنها می‌شود و از آن جا که زن از لطافت و زیبایی خاصی برخوردار است، باعث ایجاد هوس و تحریک مردان گردیده و منزلت و شخصیت او مورد غفلت واقع می‌گردد و این موضوع زمینه را برای جذب غیرمشروع به زن فراهم می‌آورد و زیان‌ها و فاجعه‌های جبران ناپذیری به وجود می‌آید؛ به همین دلیل باید در پرتو حجاب و پوشش عفیفانه از انحرافات جنسی در جامعه جلوگیری شود که این بهترین خدمت به زن و حفظ منزلت، شرافت و حرمت اوست. ب: از نگاه عقل، آزادی‌های جسمی در جامعه باید به اندازه‌ای باشد که به آزادی‌های روحی و معنوی آسیب نرساند؛ زیرا که لازمه آزادی بی‌قید و شرط، اسارت عقل و زندان روح و از میان رفتن استعدادها و توانایی‌های والای انسانی زن و دیگر افراد جامعه است، عمل درست و حقی نخواهد بود و از آنجا که پوشش کامل و عفاف زمینه رشد استعدادهای فطری و آرامش روحی و روانی و تکامل زن و افراد جامعه را فراهم می‌کند حق و فضیلت است. بنابراین، مصلحت استعدادهای عالی و روح ملکوتی زن و افراد جامعه می‌طلبد که آزادی جسمی و رفتاری و پوشاکی، تحت کنترل قرار گرفته و در جهت مصالح عالی فرد و به سوی کمالات است حفظ شده، در نتیجه نشاط و آرامش و اعتلای شخصیت تحقق یابد.

فلسفه حجاب

دین مبین اسلام همواره بر تحصیل معرفت، تأکید نموده است؛ چرا که ریشه همه خوبی‌ها و فضایل و زیبایی‌های اعتقادی و اخلاقی، شناخت و معرفت و ریشه همه زشتی‌ها و گناهان، نادانی و عدم شناخت و معرفت صحیح به اصول اعتقادی و احکام سازنده دین اسلام است. بر همین اساس، قرآن کریم به پیروان خویش می‌آموزد که عمل و رفتار و گفتارشان باید همواره بر منطق صحیح و واقع‌گرایانه وحی و عقل متکی باشد و از هر گونه سطحی‌نگری و تقلیدهای کور و نسنجیده به دور باشد. شناخت حق و باطل و پی

بردن به حقانیت یا بطلان همواره لازم و ضروری است به ویژه در مورد پدیده‌های عصر حاضر همچون بدحجابی، مدگرایی و خودآرایی که با ترفندهای شیطانی توسط دشمنان اسلام برای تاریک ساختن فضای جامعه و کم رنگ نمودن ارزشهای اسلام به شدت دنبال می‌شود. از این رو در این قسمت بر آن هستیم تا با بیان مطالبی پیرامون فلسفه حجاب در اسلام، افراد جامعه به ویژه بانوان مسلمان را هر چه بیشتر با این مسأله ارزشمند، آشنا سازیم تا معرفت و شناخت آنان نسبت به این موضوع بیش از پیش افزایش یابد و از بازیچه قرار گرفتن در دست استعمارگران و سودجویان محفوظ ماند.

فصل هفتم: ایرادها و اشکال‌ها بر حجاب

حجاب و افزایش التهابها

یک ایراد دیگر که بر حجاب گرفته‌اند این است که، ایجاد حریم میان زن و مرد بر اشتیاق‌ها و التهاب‌ها می‌افزاید و طبق اصل «الانسان حریص علی ما منع منه»، حرص و ولع نسبت به اعمال جنسی را در زن و مرد بیشتر می‌کند، به علاوه، سرکوب کردن غرایز موجب انواع اختلالات روانی و بیماریهای روحی می‌گردد. در روانشناسی جدید و مخصوصا در مکتب روانکاوی فروید روی محرومیت‌ها و ناکامی‌ها بسیار تکیه شده است. فروید می‌گوید: ناکامی‌ها معلول قیود اجتماعی است و پیشنهاد می‌کند تا ممکن است باید غریزه را آزاد گذاشت تا ناکامی و عوارض ناشی از آن پیش نیاید. برتراند راسل در جواب این سؤال که: آیا شما عقیده دارید انتشار موضوع‌های منافی عفت علاقه مردم را به آنها زیاد نمی‌کند؟ جواب می‌دهد: علاقه مردم نسبت بدانها نقصان می‌یابد. فرض کنید چاپ و انتشار کارت پستالهای منافی عفت مجاز و آزاد گردد، اگر چنین چیزی بشود این اوراق برای یک مدت یکسال یا دو سال مورد استقبال واقع شده سپس مردم از آن خسته می‌شوند و دیگر کسی حتی به آنها نگاه هم نخواهد کرد. پاسخ: درست است که ناکامی، به خصوص ناکامی جنسی، عوارض وخیم و ناگواری دارد و مبارزه با اقتضای غرایز در حدودی که مورد نیاز طبیعت است غلط است، ولی برداشتن قیود اجتماعی مشکل را حل نمی‌کند بلکه بر آن می‌افزاید. اینکه راسل می‌گوید: اگر پخش عکسهای منافی عفت مجاز بشود پس از مدتی مردم خسته خواهند شد و نگاه نخواهند کرد، درباره یک عکس به خصوص و یک نوع بی‌عفتی صادق است. ولی در مورد مطلق بی‌عفتی‌ها صادق نیست؛ یعنی از یک نوع خاص بی‌عفتی خستگی پیدا می‌شود. ولی نه بدین معنی که آتش و عطش روحی زبانه می‌کشد و نوعی دیگر را تقاضا می‌کند و این تقاضا هرگز تمام شدنی نیست. راسل در کتاب «زناشویی و اخلاق» اعتراف می‌کند که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است. آنچه با ارضاء تسکین می‌یابد حرارت جسمی است نه عطش روحی. حاجت‌های طبیعی بر دو قسم است: یک نوع حاجت‌های محدود و سطحی است؛ مثل خوردن و خوابیدن. در این نوع از حاجتها همین که ظرفیت غریزه اشباع و حاجت جسمانی مرتفع گردد، رغبت انسان هم از بین می‌رود و حتی ممکن است به تنفر و انزجار مبدل گردد. ولی یک نوع دیگر از نیازهای طبیعی، عمیق و هیجان‌پذیر است مانند پول پرستی و جاه‌طلبی. غریزه جنسی دارای دو جنبه است، از نظر حرارت جسمی از نوع اول است ولی از نظر تمایل روحی دو جنس به یکدیگر چنین نیست. به طور مثال: هر جامعه‌ای از لحاظ خوراک مقدار معینی تقاضا دارد، و تا میزان معینی اشباع می‌شود. اما درباره ارضای حس مال پرستی و پول پرستی حدی را نمی‌شناسد و در این ارتباط اشباعی وجود ندارد. علم دوستی هم همین حالت را دارد. در حدیثی از پیغمبر اکرم e آمده است: «منهومان لایشبعان طالب علم و طالب مال؛ دو طایفه هرگز سیر نمی‌شوند: یکی جوینده علم و دیگر طالب ثروت؟»، (هر چه بیشتر به آنها داده شود اشتهايشان زيادتر می‌گردد. جاه طلبی بشر هم از همین قبیل است، ظرفیت بشر از نظر جاه طلبی پایان ناپذیر است، هر فردی هر مقام اجتماعی و هر پست عالی را که به دست آورد باز هم طالب مقام بالاتر است. غریزه جنسی دو جنبه دارد. جنبه جسمانی و جنبه روحی، از جنبه جسمی محدود است ولی از نظر تنوع طلبی و

عطش روحی ای که در این ناحیه ممکن است به وجود آید شکل دیگری دارد. این نوع از عطش که هوس نامیده می شود ارضاء شدنی نیست. به طور کلی در طبیعت انسانی از نظر خواسته های روحی، محدودیت در کار نیست، روح انسان طالب بی نهایت آفریده شده است. وقتی هم که خواسته های روحی در مسیر مادیات قرار گرفت به هیچ حدی متوقف نمی شود. اشتباه کرده اند که طغیان نفس اماره و احساسات شهوانی را تنها معلول محرومیت ها و عقده های ناشی از محرومیتها دانسته اند. همانطور که محرومیتها سبب طغیان و شعله ور شهوات می گردد، پیروی و اطاعت و تسلیم مطلق نیز سبب طغیان و شعله ور شدن آتش شهوات می گردد، امثال فروید از یک طرف غافل مانده اند. اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضاء و اشباع بی حد و حصر آنها است. اینها فقط متوجه محدودیتها و ممنوعیتها و عواقب سوء آنها شده اند و مدعی هستند که قید و ممنوعیت، غریزه را عاصی و منحرف و سرکش و نا آرام می سازد، طرحشان این است که برای ایجاد آرامش این غریزه، باید به آن آزادی مطلق داد. آن هم بدین معنی که به زن اجازه هر جلوه گری و به مرد اجازه هر تماسی داده شود. اینها چون یک طرف قضیه را خوانده اند توجه نکرده اند که همانطور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می کند، رها کردن و تسلیم محض در برابر تحریکات و تهیجات نیز آنها را دیوانه می سازد. اساسا برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضاء غریزه در حد حاجت طبیعی، و دیگر جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از لحاظ حوائج طبیعی مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می آورد، در این صورت باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی توان سیر کرد. اینکه اجتماع با وسائل مختلف سمعی و بصری زمینه هیجان غریزه را فراهم آورد و آنگاه بخواهد با ارضاء غریزه دیوانه شده را آرام کند مسیر نخواهد شد. هرگز بدین وسیله نمی توان آرامش و رضایت ایجاد کرد، بلکه بر اضطراب و تلاطم و نارضایی غریزه با هزاران عوارض روانی و جنایات ناشی از آن، افزوده می شود. تحریک و تهییج بی حساب غریزه جنسی عوارض وخیم دیگری نظیر بلوغ های زودرس و پیری و فرسودگی نیز به همراه دارد. اما اینکه می گویند: «الانسان حریص علی ما منع» منتهی مطلب صحیح است، ولی نیاز به توضیح دارد. انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود، به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کند و آنگاه او را ممنوع سازند، اما اگر امری اصلا عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت به آن کمتر خواهد بود. فروید که طرفدار سرسخت آزادی غریزه جنسی بود، خود متوجه شد که خطا رفته است، لذا پیشنهاد کرد که باید آن را به مسیر دیگری منحرف کرد و به مسائل علمی و هنری نظیر نقاشی و غیره منعطف ساخت. در گذشته افراد بی خبر، می گفتند: انحراف جنسی، یعنی هم جنس بازی، فقط در میان شرقی ها رایج است و علتش دسترسی نداشتن به زن بر اثر قیود زیاد و حجاب است، اما طولی نکشید که معلوم شد رواج این عمل زشت در میان اروپاییها به مراتب بیشتر از شرقی ها است. ما انکار نمی کنیم که دسترسی نداشتن به زن موجب انحراف می شود و باید شرایط ازدواج قانونی را سهل کرد، ولی بدون شک آن مقدار که تبرج و خودنمایی زن در اجتماع و معاشرتهای آزاد سبب انحراف جنسی می شود به مراتب بیشتر از آن است که محرومیت و عدم دسترسی سبب می گردد. علاوه بر آنچه تا کنون گفته شده، پوشش در اسلام برای زن به معنی محرومیت زن و مرد از ارضاء غریزه جنسی نیست که موجب عطش بیشتر و انفجار گردد، اسلام برای ارضاء غریزه جنسی، موضوع ازدواج را ارائه داده است که با اقدام به موقع و در نظر گرفتن شرایط سهل و آسانی که در اسلام دارد، دیگر عقده جنسی پدید نمی آید تا عکس العمل بد داشته باشد. بر عکس عدم پوشش در زن مایه تباهی و فساد می گردد چنانکه می بینیم در کشورهایی که حجاب وجود ندارد، فساد و آلودگی ها که از همین رهگذر سرچشمه گرفته است بسیار وحشتبار و خانمان سوز است، و به مراتب نسبت به کشورهایی که حریم میان زن و مرد را رعایت می کنند، زیاده تر است) ----؟. (؟. (تهذیب الاحکام: ج، ؟ ص) - ؟. (؟؟؟ مسأله حجاب: مرتضی مطهری، ص.؟؟ - ???)

از ایرادهایی که به حجاب گرفته‌اند این است که حجاب سبب رکود و تعطیل فعالیت‌هایی است که خلقت در استعداد زن قرار داده است. زن نیز مانند مرد دارای ذوق، فکر، فهم، هوش و استعداد کار است. این استعدادها را خدا به او داده است و بیهوده نیست و باید به ثمر برسد. اساساً هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است. وقتی در آفرینش به یک موجود استعداد و لیاقت کاری داده شد، این به منزله سند و مدرک است که وی حق دارد استعداد خود را به فعالیت برساند، و منع کردن آن ظلم است. باز داشتن زن از کوشش‌هایی که آفرینش به او امکان داده است نه تنها ستم به زن است، خیانت به اجتماع نیز می‌باشد. هر چیزی که سبب می‌شود قوای طبیعی و خدادادی انسان معطل و بی‌اثر بماند به زیان اجتماع است. عامل انسانی بزرگ‌ترین سرمایه اجتماع است، زن نیز انسان است و اجتماع باید از کار و فعالیت این عامل و نیروی تولید او بهره‌مند گردد. فلج کردن این عامل و تضییع نیروی نیمی از افراد اجتماع، هم برخلاف حق طبیعی فردی زن است و هم بر خلاف حق اجتماع و سبب می‌شود که زن همیشه به صورت سربار مرد زندگی کند. پاسخ: حجاب اسلامی با حدود و شرایط آن، موجب هدر رفتن نیروی زن و ضایع ساختن استعدادهای فطری او نیست. ایراد مذکور بر آن شکلی از حجاب که در میان هندی‌ها یا ایرانیان قدیم یا یهودیان متداول بوده است وارد است. ولی حجاب در اسلام نمی‌گوید که باید زن را در خانه محبوس کرد و جلوی بروز استعدادهای او را گرفت، مبنای حجاب در اسلام چنانچه گفتیم این است که لذت‌های جنسی باید به محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع، مخصوص کار و فعالیت باشد، به همین جهت، به زن اجازه نمی‌دهد که وقتی از خانه بیرون می‌رود زمینه تحریک مردان را فراهم کند و به مرد هم اجازه نمی‌دهد که چشم چرانی کند. چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی‌کند، بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می‌باشد. اگر مرد تمتعات جنسی را منحصر به همسر قانونی خود کند و تصمیم بگیرد همین که از کنار همسر خود بیرون آمده و پا به درون اجتماع گذاشت، دیگر درباره این مسایل نیندیشد، قطعاً در این صورت بهتر می‌تواند فعال باشد تا اینکه همه فکرش متوجه این و آن باشد. آیا اگر زن ساده و سنگین به دنبال کار خود برود برای اجتماع بهتر است یا آنکه برای یک بیرون رفتن چند ساعت پای آینه و میز آرایش وقت خود را تلف کرده و هنگامی هم که بیرون رفت تمام سعیش این باشد که افکار مردان را متوجه خود سازد و جوانان را که باید مظهر اراده و فعالیت و تصمیم اجتماع باشند به موجوداتی هوسباز و چشم چران و بی‌اراده تبدیل کند؟ آنچه اسلام نمی‌خواهد این است که زن به صورت موجود بی‌ارزشی درآید که کارش فقط مصرف ثروت و فاسد کردن اخلاق اجتماع، و خراب کردن بنیان خانواده باشد. اسلام با فعالیت واقعی زن در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هرگز مخالف نیست. و تاریخ اسلام گواه این مطلب است. اگر دختران در اجتماعات عمومی لباس ساده بپوشند، کفش ساده به پا کنند یا با حجاب مناسب به مدرسه و دانشگاه بروند بهتر درس می‌خوانند یا با بدحجابی و آرایش‌های تند و تحریک‌آمیز؟ اصولاً اگر مقاصد جنسی و منظورهای شهوانی در کار نباشد چه اصراری در بیرون رفتن زن به شکل نامناسب و جلب توجه کننده است؟ - (?) ----- (??) (مساله حجاب، مرتضی مطهری: ص. ?? - ??)

حجاب و اصل آزادی

از جمله ایرادهایی که بر حجاب گرفته‌اند این است که حجاب موجب سلب حق آزادی، که یک حق طبیعی بشری است می‌گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می‌رود. می‌گویند: احترام به حیثیت و شرف انسانی، یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر است، هر انسانی شریف و آزاد است، مرد باشد یا زن، سفید باشد یا سیاه، تابع هر کشور یا مذهبی باشد. مجبور ساختن زن به اینکه حجاب داشته باشد بی‌اعتنایی به حق آزادی او و اهانت به حیثیت انسانی اوست و به عبارت دیگر، عزت و کرامت انسانی و حق

آزادی زن، و هم چنین حکم موافق عقل و شرع ایجاب می کند که این امر از بین برود و هیچ کس بدون علت نباید اسیر و زندانی گردد، و ظلم به هیچ شکل و به هیچ بهانه نباید واقع شود. پاسخ: فرق است میان زندانی کردن زن در خانه و بین موظف دانستن او به اینکه وقتی می خواهد با مرد بیگانه مواجه شود پوشیده باشد. در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد. حجاب در اسلام وظیفه ای است بر عهده زن که در معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در پوشش مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است، نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود. اگر رعایت پاره ای مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت، روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند، چنین مطلبی را نمی توان زندانی کردن یا بردگی نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل آزادی فرد دانست. در کشورهای متمدن جهان در حال حاضر چنین محدودیتهایی برای مرد وجود دارد. اگر مردی برهنه یا در لباس خواب از خانه خارج شود پلیس ممانعت کرده، به عنوان اینکه این عمل بر خلاف حیثیت اجتماع است او را جلب می کند. هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی، افراد اجتماع را ملزم کند که در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند؛ مثلاً با لباس کامل بیرون بیایند، چنین چیزی نه بردگی نام دارد و نه زندان، و نه ضد آزادی و حیثیت انسانی است و نه ظلم و ضد عقل به شمار می رود. بر عکس پوشیده بودن زن، در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است، موجب کرامت و احترام بیشتر اوست؛ زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می دارد. شرافت زن اقتضا می کند که هنگامی که از خانه بیرون می رود متین و با وقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زبان دار لباس نپوشد، زبان دار راه نرود، زبان دار و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد. آیا حیثیت زن ایجاب می کند که این چنین باشد؟ آیا اگر ساده و آرام بیاید و برود، حواس پرت کن نباشد و نگاههای شهوت آلود مردان را به سوی خود جلب نکند، برخلاف مصالح اجتماع یا برخلاف اصل آزادی فرد است؟ آری! اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس و در را به رویش بست و به هیچ وجه اجازه بیرون رفتن از خانه به او نداد، البته این با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. چنین چیزی در حجاب های غیر اسلام بوده ولی در اسلام نبوده و نیست. اگر از فقها سؤال شود که آیا صرف بیرون رفتن زن از خانه حرام است؟ جواب می دهند: نه. اگر پرسیم آیا خرید کردن زن ولو اینکه فروشنده مرد باشد حرام است؟ یعنی نفس عمل خرید و فروش زن اگر طرف معامله مرد باشد حرام است؟ پاسخ می دهند: حرام نیست. آیا شرکت کردن زن در مجالس و اجتماعات ممنوع است؟ باز هم جواب منفی است، چنانکه در مساجد و مجالس مذهبی و پای منبرها شرکت می کنند و کسی نگفته است که صرف شرکت زن ها در جاهایی که مرد هم وجود دارد حرام است. کسی نگفته تحصیل زن، فن آوری و هنرآموزی و بالاخره تکمیل استعدادهایی که خداوند در وجود او نهاده است حرام است. در این ارتباط تنها دو مسأله وجود دارد؛ یکی اینکه باید پوشیده باشد و بیرون رفتن به صورت خودنمایی و تحریک آمیز نباشد. و دیگر اینکه مصلحت خانوادگی ایجاب می کند که خارج شدن زن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی او باشد. البته مرد هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر، ولی در مسائلی که مربوط به مصالح خانواده نیست دخالت مرد مورد ندارد) - (?) ----- (؟). (مسأله حجاب، استاد مطهری: ص. ??-??)

فصل هشتم: آثار سازنده حجاب

افزایش احترام و شخصیت زن

به طور کلی اشیایی که در همه جا یافت می شود و دسترسی به آن به آسانی امکان پذیر است از ارزش کمتری برخوردارند. از

طرفی بشر همواره اشیاء گرانها و با ارزش خود را از دسترس دیگران دور نگه داشته و به شیوه‌ای خاص از آن مراقبت می‌کند. مثلاً برای طلا و پولها و اسناد معتبر خود صندوقهای بسیار محکمی را درست کرده تا اشیاء نفیس خود را در آن نگه دارد و از دزدان و سارقان حفظ کند. دین زیبای اسلام نیز که زن را همچون گوهر گرانهای هستی و دارای شخصیت کامل انسانی می‌داند حجاب را بهترین وسیله برای حفظ ثبات و شخصیت زن معرفی کرده. اسلام نه تنها زن را یک انسان محترم و با شخصیت می‌داند، بلکه اکرام و احترام او را ملاک کرامت انسانی معرفی می‌کند چنانکه پیامبر گرامی اسلامی فرماید: «زن را گرامی نمی‌دارند مگر انسانهای کریم، و به زنان اهانت نمی‌کنند مگر انسانهای پست و بی‌ارزش»؟. (بنابراین اگر زن حجاب نداشته باشد، هرگونه توجهی که به او بشود جنبه شهوانی دارد. و در نتیجه، ارزشهای واقعی او هم فراموش می‌گردد و تبدیل به یک کالای بی‌ارزش می‌شود که با از بین رفتن زیباییها و طراوت جوانی منقضی و مطرود جامعه خواهد شد. به همین سبب می‌بینیم در محیطی مثل غرب بیشترین سهم ستم متعلق به خانم‌هاست، زیرا تا زمانی که جمال، زیبایی و طراوت جوانی را داراست بدون هیچ ضابطه‌ای با او ارتباط جنسی برقرار می‌کنند و زمانی که جمال و زیبایی او از دست رفت او را تنهای تنها و می‌گذارند و مانند کالایی که تاریخ مصرفش گذشته مطرود می‌شود، این مطرود شدن و منقضی شدن که معلول بی‌حجابی و بی‌بند و باریو استفاده فیزیکی و کالایی از زن است، زیانبارترین مصیبت را برای خود زن فراهم می‌کند)؟. (حجاب این فرصت را به زنان می‌دهد که در کمال احترام و عزت نفس و برخورداری از شخصیت اجتماعی توانمندیا و استعدادهای خود را مطرح کنند و ارائه نمایند، چرا که اگر حجاب وجود نداشته باشد زنان جسم و فیزیک خود را به عنوان توانمندی و راهی برای کسب درآمد و جلب نظر دیگران مطرح می‌کنند و این مسئله باعث می‌شود که جنس زن نتواند بعنوان یک شخصیت محترم و ارزشمند در جامعه مطرح گردد و این همان تفاوت نگاه جنسی و نگاه دینی به زن است. تفاوت دیدگاه‌ها ناشی از اختلافات در جهان بینی است. آن کس که حجاب را ملاک ارزش و سعادت می‌پندارد. آن را پاسبان دروغین نمی‌داند و در مقابل، اگر کسی سعادت را در لذت جسمی بداند، هر گونه مانع این لذت را خرافه به شمار می‌آورد و آن را از سر راه بر می‌دارد. با این وجود، حتی در میان مردمی که سعادت را در لذت جسم می‌دانند، حفظ گوهر عفت و حیای زن قابل توجه بوده است و تا جایی که توان داشتند، از آن پاسداری می‌کردند. ویل دورانت می‌نویسد: «در بریتانیای جدید، پدران و مادران ثروتمند در طول بحران پنج ساله جوانی، دختران خود را در کلبه‌هایی زندانی می‌کنند و پیرزنانی پاک دامن را به زندان بانی آنان می‌گمارند. دختران حق خارج شدن از این کلبه‌ها را ندارند و تنها نزدیکان می‌توانند آنها را ببینند)؟». (وی در جای دیگر می‌نویسد: «باید چنین فرض کرد که حساسیت جنسی هندوان، آنان را به هرزگی غیر عادی می‌کشاند. ازدواج در خردسالی، سدی در برابر مناسبات پیش از زناشویی به شمار می‌رفت. احکام شدید دینی که در تلفیق وفاداری همسر به کار می‌رفت، موجب می‌شد تا زنا بسیار دشوارتر و کم‌تر از اروپا یا آمریکا صورت گیرد...» (مانو)؟. (به مردان هشدار می‌دهد: که سرنوشت زن همیشه به گمراهی مرد گرایش دارد. پس مرد نباید با نزدیک‌ترین زن فامیل خود در جای خلوتی تنها بنشیند)؟. ————— (؟). (نهج الفصاحه: ص) - ؟. (؟؟؟ حجاب در اندیشه و عمل: ص) - ؟. (؟؟ تاریخ تمدن: ویل دورانت، ج، ؟ ص) - ؟. (؟؟ مانو) از رهبران هندواست) - ؟. (تاریخ تمدن: ج، ؟ ص؟؟)

سلامت جسمی و روانی

الف - سلامت جسمی حجاب، زمینه‌های فساد را از بین می‌برد و از این طریق نقش خود را در سلامت جسمی افراد جامعه ایفا می‌کند. اگر در جوامع بشری حجاب و پوشش بانوان رعایت شود به طور قطع بر روابط جنسی زن و مرد ضوابط و قوانینی حاکم خواهد شد و جوامع با این همه ناهنجاری و چالش روبرو نخواهد شد. دهها میلیون بیماران مقاربتی و میلیاردها دلار بودجه معالجه آنها و میلیونها کودک بی‌سرپرست تنها گوشه‌ای از این چالشها را نشان می‌دهد که همه و همه در اثر روابط نامشروع به وجود

می آید و این روابط نیز عمدتاً نشأت گرفته از برهنگی و بدحجابی زنان است. بنابراین از نگاهی عمیق باید حجاب را ضامن سلامتی افراد جامعه در مقابل بیماریهای مقاربتی، ایدز، سفلیس و... دانست. ب - سلامت روانی در کشورهایی که قانون حجاب رعایت نمی گردد افزایش روز افزون بیماریهای روانی به خوبی مشهود است. آمار وحشتناک خودکشی ها در غرب نیز نشان دهنده میزان اختلالات روانی موجود در غرب می باشد. بنابراین به نمایش گذاشتن اندام یا زیبایی های خویش در جامعه توسط زنان بی قید و بند نه تنها علامت یک بیماری روانی محسوب می گردد، بلکه بیماری زا بوده و ناراحتی های روانی را در دیگران ایجاد می کند. بدحجابی، عشوه گری و طنازی زنان سبب تحریک جوانان که منجر به کوفتگی اعصاب و ایجاد هیجانات بیمار گونه عصبی خواهد شد و چه بسا این هیجانات سرچشمه امراض روانی در جوانان شود. روانشناسان معتقدند بسیاری از اختلالات فکری و روحی و روانی زائیده تحریکات مداوم عصبی است، و این تحریکات و هیجانات عصبی منشأ بسیاری از بیماریهای جسمی و روانی می شود)؟. (از این رو باید گفت اگر می خواهیم مردم جامعه در کمال سلامت و صحت زندگی کنند و بیماری های روحی و روانی در بین آنها به حداقل برسد چاره ای نداریم جز اینکه با تمام امکانات به ترویج فرهنگ والای حجاب در جامعه همت بگماریم. -- (_ ؟ ----- (حجاب دختران: فاطمه قاضی، ص.??)

استحکام خانواده

یکی از عوامل مهم استحکام خانواده، رعایت حجاب است. اگر حجاب در جامعه رعایت شد و روابط جنسی به محیط خانواده و در چارچوب ازدواج محدود گردید. جوانان به ازدواج تمایل بیشتری پیدا می کنند و خانواده های تشکیل شده ثبات بیشتری دارد. در حالی که اگر خودنمایی و آرایش و تحریک و بدحجابی در یک جامعه رواج پیدا کرد و روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر گشت، اولاً: هیچگاه جوانان مسئولیت ازدواج را نخواهند پذیرفت، و به ازدواج تن نمی دهند؛ چرا که بطور خیلی ارزان و بدون قبول مسئولیت تشکیل خانواده از راههای حرام ارضای غریزه می کنند. ثانیاً: در یک چنین جامعه بدحجابی خانواده های تشکیل شده نیز دائماً در خطر تزلزل و از هم پاشیدگی قرار دارند زیرا خودنمایی و حضور تحریک آمیز زنان و دختران در صحنه های اجتماعی، نظر هر مرد متأهل یا مجردی را به خود جلب می کند. اگر بیننده این صحنه های تحریک آمیز متأهل باشد، با توجه به غریزه تنوع طلبی و زیاده خواهی که دارد بخشی از توجه خود را متوجه آنان می کند و در نتیجه به همان اندازه، علاقه و گرایش به همسرش را که همواره با او زندگی می کند، کاهش می دهد. وقتی چشمهای مردی در محیطهای مختلف اجتماعی از دیدن زنان و دختران آرایش کرده و بدحجاب، با پوششهای نامناسب کامیاب و بهره مند شود، طبعاً علاقه او نسبت به همسرش کم می شود؛ چرا که بخش عمده ای از علاقه مرد به همسرش از ناحیه نیازهای جنسی تأمین می شود که این نیاز را زنان خودنما و بدحجاب در سطح جامعه بطور نامشروع برآورده می سازند. این کاهش علاقه بسیاری از پیوندهای زناشویی را با سستی و سردی همراه می کند و مسائل اخلاقی مختلفی را محقق می کند، به گونه ای که در نوع نگرش مرد به همسرش تأثیر منفی می گذارد. تحقیقات روانشناسان نشان می دهد بسیاری از کج خلقی ها، بهانه گیری ها، بی میلی در همراهی با همسر و... از پیامدهای جلب توجه مردان به زنان بی حجاب یا بدحجاب جامعه است و در بعضی موارد کار به جایی می کشد که مرد همسر شرعی و قانونی خود را مزاحم و مانع کامیابی ها و لذتجویی های خود در جامعه می انگارد، و به همین خاطر از او متنفر می شود و در مواردی هم کار به منازعه و طلاق می انجامد. آمار قطعی و مستند نشان می دهد که با افزایش برهنگی و بی حجابی در جامعه، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی به طور مداوم بالا رفته است. حجاب وسیله ای برای جلوگیری از این قبیل ناهنجاریها و نابسامانی هایی است که اساس و بنیاد خانواده را تهدید می کند.

آثار سازنده حجاب

باید توجه داشت که تمامی احکام دین اسلام اعم از واجبات و محرمات همه دارای علل و حکمت‌های نافعی برای زندگی بشر است به عنوان مثال اگر در دین اسلام نماز واجب شده، بخاطر این است که انسان طغیانگر و سرکش نگردد و همیشه خود را نیازمند ذات حق تعالی بداند و در روز او پنج بار در برابرش کرنش نماید. از این رو باید بگوییم حجاب نیز که یکی از احکام مربوط به بانوان است، حکمت‌هایی دارد و آثار مفید و سازنده‌ای دارد برای فرد و جامعه به دنبال خواهد داشت در این فصل بر آن هستیم که به طور کوتاه و مختصر به بررسی آثار سازنده این مسأله بپردازیم.

فصل نهم: عوامل تکمیل کننده حجاب

پوشیدگی زینت‌ها از نامحرم

دین مبین اسلام همواره به گرایش‌های فطری انسان‌ها پاسخ مثبت داده و آنها را در مسیری صحیح هدایت نموده است. یکی از گرایش‌های فطری انسان‌ها به ویژه بانوان، گرایش به زینت و خودآرایی است. قرآن مجید و روایات معصومان علیهم السلام همواره بر علاقه فطری بانوان به زینت آلات و خودآرایی صحه گذاشته است. در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام آمده است: «سزاوار نیست زنی خود را بدون زیور کند. پس دست کم گردن‌بندی به گردن آویزد، شایسته نیست دست زن بدون خضاب باشد ولو این که حنایی را مس کند، اگر چه آن زن پیر باشد؟». (بدون شک استفاده از زیور آلات باید در محدوده خاص خود باشد. نمایش زینت برای افراد نامحرم، پی آمدهای عمیقی مانند تحریک جنسی و افزایش مفاسد اخلاقی را به وجود خواهد آورد. از این رو در آموزه‌های دینی درباره استفاده زنان از زینت آلات حد و مرزهایی قرار داده شده است که از آن جمله قرآن مجید می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛ و زنان زینت خود را جز آن چه قهراً ظاهر می‌شود، آشکار ن سازند و باید سینه و گردن خود را به مقنعه پوشانند و زینت و جمال خود را آشکار ن سازند؟». (یکی از حکمت‌های این دستور قرآنی این است که چون زنان غالباً مظهر جمال و زیبایی و مردان نیز مظهر شیفتگی و دلدادگی هستند از این رو آشکار کردن زینت‌ها توسط بانوان، زمینه تحریک شهوت جنسی را ایجاد می‌کند و این تحریک زمینه ساز بسیاری از گناهان در جامعه به شمار می‌رود. در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ آن گونه پای بر زمین نزنید که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود؟». (از این آیه شریفه یک قاعده کلی در مورد حجاب و پوشش استفاده می‌شود و آن این که پوشش و شیوه رفتار بانوان در سطح جامعه، باید به گونه‌ای باشد که باعث شهوت انگیزی و تحریک غریزه جنسی نگردد). - ؟. (وسائل الشیعه: ج، ?? ص). - ؟. (??? سوره نور: آیه). - ؟. (?? همان).

عدم استفاده از پوشش‌های اختصاصی

یکی از دستورات موکد دین مبین اسلام این است که مرد و زن نباید از پوشش‌های اختصاصی یکدیگر استفاده کنند. در روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته مردان را از شباهت جستن به زنان و نیز زنان را از شباهت جستن به مردان در لباس نهی می‌کردند؟. (بدون شک هر یک از زن و مرد به تناسب وظایفشان، ویژگی‌ها، روحیات و هویت ویژه‌ای دارند، که در مباحث روان شناسی زن و مرد به آن پرداخته می‌شود. روشن است که هر یک از آنها در صورتی می‌توانند به وظایف فردی اجتماعی خود به نحو احسن عمل کنند که هویت جنسی زنانه و مردانه خویش را حفظ نمایند، ولی بدون تردید پوشیدن لباس‌های مختص مردان توسط زنان و پوشیدن لباس‌های مختص زنان توسط مردان باعث می‌شود که هر یک از آن دو، روحیات و هویت

ویژه خود را به تدریج از دست بدهند، به گونه‌ای که زن دارای احساسات مردانه و مرد نیز بالعکس دارای اخلاق و عواطف زنانه گردد. معلوم است که این تغییر نقش‌های فطری و غریزی، نظم حاکم بر نظام آفرینش زن و مرد را دچار اختلال می‌کند. به همین دلیل زنان و مردان از پوشیدن لباس‌های مختص یکدیگر منع شده‌اند) - ؟. (وسائل الشیعه: ج، ؟ ص.??

پرهیز از لباس‌های تنگ

غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و چون اندام بانوان به طور طبیعی قسمت‌های برجسته‌ای دارد، پوشش آنان باید به گونه‌ای باشد که قسمت‌های برجسته بدن را بپوشاند تا باعث تحریک جنسی نگردد. طبیعی است که استفاده بانوان از لباس تنگ و چسبان در بیرون منزل نه تنها قسمت‌های برجسته بدن آنان را نمی‌پوشاند، که آن‌ها را برجسته‌تر نیز نشان می‌دهد، روشن است یکی از آثار منفی این گونه لباس‌ها، تحریک غریزه جنسی است. افزون بر تحریک جنسی، امروزه زیان‌آور بودن استفاده از لباس تنگ از نظر جسمی در علم پزشکی نیز ثابت شده است. برای مثال یکی از ضررهای جسمی لباس‌های تنگ، این است که این گونه لباس‌ها عمل تنفس بدن را با مشکل مواجه می‌کند و نمی‌گذارد هوای آزاد به سطح پوست بدن برسد) ؟. (البته روشن است که در مورد عوارض جسمی، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. بنابراین باید به منظور در امان ماندن از آسیب‌های مذکور، مردان هم از لباس‌های تنگ استفاده نکنند) - ؟. ----- (آئین بهزیستی اسلام: ج، ؟ ص.??

پرهیز از پوشش‌های شفاف و نازک

بدون شک غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و در متون دینی پوشش بدن بانوان به دلیل ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری آن‌ها، بیش‌تر از پوشش مردان مورد تاکید قرار گرفته است. تردیدی نیست یکی از عواملی که به پوشش بیش‌تر بانوان آسیب وارد می‌کند، استفاده از لباس‌های شفاف و نازک است؛ زیرا این گونه لباس‌ها، سطح بدن را آشکار و نمایان می‌گرداند و سبب جلب توجه مردان و تحریک جنسی آنان خواهد شد. در روایتی آمده است که اسما دختر ابوبکر بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شد، در حالی که لباس نازکی بر تن داشت پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از او روی گردانید و فرمود: ای اسما! زن وقتی به سن بلوغ رسید، شایسته نیست بدن او دیده شود، مگر صورت و دو کف دست) ؟. (در برخی از روایات اسلامی پیرامون این موضوع تعبیر «نساء کاسیات عاریات») ؟. (آمده است که گویای این مطلب می‌باشد فردی که لباس نازک و شفاف پوشیده است، گرچه در ظاهر لباس پوشیده، ولی در واقع برهنه است؛ زیرا سطح بدن وی از زیر لباس نازک و شفاف آشکار است و تحریک آمیزی این گونه لباس نسبت به غریزه جنسی و افزایش احتمال آسیب‌زایی آن و ابتلا به مفاسد و انحرافات جنسی نیز امری روشن است. البته آشکار است که تاکید بر عدم استفاده بانوان از لباس‌های شفاف و نازک، به معنای این نیست که مردان می‌توانند هر گونه لباس نازک و شفاف را بپوشند، بلکه به معنای این است که احتمال آسیب‌زایی این گونه لباس‌ها در مورد بانوان بیش‌تر است. به هر حال استفاده از این گونه لباس‌ها در مورد مرد و زن و به خصوص زن بسیار مذموم و ناشایست است و قطعاً به حجاب و پوشش صحیح آنان ضربه خواهد زد. در حدیثی آمده است: هر فردی که لباس نازک داشته باشد، دین‌داری او نیز ضعیف می‌گردد. پس لباس نباید نازک و شفاف باشد) ؟. ؟. (صحیح مسلم: ج، ؟ ص) - ؟. ؟. (المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم فی الشریعه الاسلامیه: ج، ؟ ص) - ؟. ؟. (مستدرک الوسائل: ج، ؟ ص.??

فصل دهم: بدحجابی و پیامدهای آن

بی‌بندوباری، مانع زیبایی

توجه به این قانون کلی و طبیعی لازم است که هر عمل و حرکتی برخلاف طبیعت و فطرت و ساختار وجودی انسان باشد ضربه‌ای است بر جسم و روح انسان؛ یعنی در نظام هستی، هر چیزی دارای قوانین خاص خود است، از بزرگ‌ترین پدیده‌های جهان تا کوچک‌ترین آنها و حتی موجودات مجرد و غیرمادی از قوانین خاصی برخوردارند. روح ملکوتی انسان نیز دارای ویژگی‌ها و قوانین و اساس نامه‌ای است که هیچ کس اطلاع کامل به آنها ندارد، جز خالق انسان و پیشوایان دین علیهم‌السلام که متصل به علم بی‌نهایت اویند. لذا تنها مکتبی که همه تعلیمات و دستورهایش مطابق با قوانین و اساس نامه روح انسان می‌باشد، مکتب الهی اسلام است؛ به همین جهت عمل به آنها باعث شکوفایی استعدادهای اصیل و توانایی‌های بالقوه آدمی است و مخالفت با آنها مبارزه با ساختار وجودی خود و ضوابط مربوط به روح آدمی است که نتیجه‌ای جز ضربه‌های سنگین و چه بسا غیر قابل جبران بر شخصیت خویش ندارد و با توجه به قانون «الجسم والروح يتعاکسان»؛ که جسم و روح در همدیگر تأثیر می‌گذارند، هر عمل خوب یا بد نه تنها در روح انسان تأثیر دارد، بلکه در جسم هم - از طریق روح - اثر می‌گذارد. در نتیجه جسم سالم در پرتو روح سالم است و بالعکس. بهداشت روح و جسم مستلزم توجه کامل به قوانین خویشتن است. بر این اساس اولاً: بی‌پروایی و خودنمایی زن، که از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است، آسیب و جنایتی است بزرگ بر روح و فطرت الهی خود زن و در نتیجه تأثیر آن بر بدن و صورت او و از دست رفتن تدریجی جمال و زیبایی آن، چرا که فطرت زن طالب عفت و حیا، و قانون روح او خداپرستی و اطاعت از فرمان‌های اوست نه شهوت‌پرستی و اطاعت از هوی و هوس؛ چنان که رعایت عفاف و حجاب باعث استحکام و افزایش زیبایی زن می‌شود، چون رعایت عفت و حجاب حرکتی است در مجرای قوانین روح و به تبع آن، قوانین جسم، لذا حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «زکاه الجمال العفاف؛ زکات زیبایی عفت است؟». (زکات در لغت به معنای رشد و نمو است. بنابراین مضمون حدیث این است که رعایت عفت و حجاب باعث رشد و بالندگی استعدادهای روح و افزایش زیبایی چهره و اندام است. علاوه بر این که روح زیبا، سازنده بدن زیباست. ثانیاً: غالب زنان بدحجاب در اثر پیدایش عیب و نقص در بدن و صورت خود، دچار ناراحتی شدید و عقده حقارت می‌گردند و گاه تبدیل به یک بحران بزرگی در زندگی‌شان می‌شود که اثر منفی آن در کاهش زیبایی آنها نقش اساسی دارد. ثالثاً: بدحجابی از جلوه‌های روشن فقدان یا ضعف عفت است و زیبایی چهره بدون تقوا و عفت جاذبه‌ای نخواهد داشت، مگر برای شهوت‌پرستان. رابعاً: جامعه‌ای که زنان در آن، جمال و زیبایی‌های خود را در معرض تماشای عموم قرار می‌دهند، چشمان ناپاک مردانی که از تقوا برخوردار نیستند، به طرف آنها متوجه و خیره شده و نسبت به جمال همسران خویش بی‌توجه خواهند شد و یا لاقلاً جاذبه آنان تقلیل می‌یابد. روشن است که همسران زنان خودنما نیز از این قاعده مستثنا نیستند. نتیجه این که: زنان مزبور از چند جهت از سلاح جاذبه زیبایی ظاهری - ولو به تدریج و مرور زمان - خلع شده و محبوبیت خویش را نزد همسران‌شان از دست می‌دهند و یا به شدت تقلیل می‌یابد) -؟؟- _____ (غرر الحکم: ج، ؟ ص. ???)

بدحجابی یا خلع زیبایی‌ها و ارزشهای زن

زنانی که حریم ارزشمند خود را پاس ندارند و با خودآرایی و نشان دادن زیور و جاذبه‌های خود در برابر نامحرم حاضر شوند، طبیعتاً مردان عادی به دنبال آنها خواهند بود، در نتیجه خودآرایی و زیباسازی زن در خانه را تحت الشعاع خود قرار داده و جاذبه آن را در نظر شوهرش از بین می‌برد، به خصوص این که با گذشت زمان و هم‌نشینی زن و شوهر در کنار یک‌دیگر، جذابیت تزئین و آرایش زن در نزد مرد طبیعتاً کاهش پیدا می‌کند. بنابراین زنانی که با فروش رایگان زیبایی‌ها و جاذبه‌های خدادادی، نظر مردان نامحرم جامعه را به خود جلب می‌سازند، در واقع مشغول خلع سلاح خود و هم‌نوعان خویش می‌باشند، که نتیجه آن تخریب یا تضعیف حرمت آنان است، مگر زنان عفیف و محجبه که از نعمت شوهر عفیف و با تقوا برخوردار باشند. در مقابل، جامعه‌ای که از

زینت عفاف و حیا و پوشش کامل زنان و غیرت مردان برخوردار باشد و نمایش جاذبه‌های زنان محدود به خانه و همسر باشد، از یک سو ارزش و منزلت و موقعیت زنان در نظر مردان فوق العاده بالا می‌رود و از سوی دیگر قدرت میل و حرص مردان به جاذبه‌ها و زیبایی‌های زنان عقیف خود افزایش می‌یابد. مردان از آن‌جا که در خارج خانه به زنان دسترسی ندارند، طبیعتاً به همسران خویش و جاذبه‌های آنان جذب می‌شوند که همین امر سبب گران‌بها شدن آنها، تداوم داشتن محبوبیت آنان و استحکام خانواده خواهد بود و به قول ویل دورانت: «آن‌چه بجویم و نیایم عزیز و گران‌بها می‌گردد، زیبایی یک شیء - چنان که خواهیم دید - بستگی به قدرت میل به آن شیء دارد، میلی که با ارضا و اقناع ضعیف می‌شود، با منع و جلوگیری قوی می‌گردد) -----؟؟؟».

بدحجابی مخرب عواطف انسانی

قلب کانون عواطف، احساسات و انفعالات است؛ عاطفه از قلبی بر می‌خیزد و بر قلب دیگر می‌نشیند و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. میزان محبت و عاطفه هر فردی به اندازه سلامت روانی، عاطفی و طهارت روحی و قلبی او بستگی دارد؛ همان‌گونه که میزان انفعال و تأثیرپذیری افراد در برابر عواطف و محبت‌های خالصانه و اندرزها و موعظه‌های دیگران نیز این چنین است. دل هر چه از صفات ناپسند و زنگار گناه دور و پاک باشد لطافت، طراوت و نرمی آن بیشتر خواهد بود؛ بیشتر تحت تأثیر اندرزها و گفتارهای حق و مهر و محبت‌ها و امور عاطفی قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل قلب مردان الهی منبع محبت زیاد و عواطف سرشار است؛ از یک سو به مردم به ویژه همسران خود محبت و علاقه فراوان دارند و در نتیجه در هدایت و کمک و یاری به آنها از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند و از سوی دیگر در برابر امور عاطفی دیگران سخت تحت تأثیر قرار می‌گیرند. جلوه‌گری و بدحجابی زنان در جامعه - که نشانه کم کردن هدف والای حیات است - مردان را هم از هدف آفرینش و زندگی غافل نموده و در مادیات، شهوات و اخلاق و صفات فاسد و آلوده غرق می‌کند، که باعث بیماری و تاریکی قلب و سخت و خشن شدن دل می‌شود و روشن است که انسان بیمار دل در برابر عواطف زنان کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و چه بسا هیچ عاطفه‌ای را بر نمی‌تابد و چه بسا آن را به مثابه فریب و حيله تلقی نموده و بر آن واکنش منفی نشان می‌دهد. آن‌چه برای انسان ناآگاه و شهوت طلب اهمیت دارد، خودخواهی و هوس اوست؛ خودمحوری و حرکت در چهارچوب خواسته‌های شهوانی و حیوانی مجال جست‌وجو درباره شخصیت انسانی همسر را به او نمی‌دهد، تا سپاس‌گزار و پاسخ‌گوی عواطف و مهرورزی همسر خویش باشد. او خود را می‌بیند و بس، مگر آن‌که در نهان خانه دلش هنوز ردپایی از مهر و محبت مانده باشد. بر همین اساس است که مردان کم غیرت که ناموسشان را - اعم از همسر و دختر - در برابر نامحرمان و چشمان معصوم نوجوانان و جوانان به نمایش می‌گذارند، و از این امر احساس رضایت و سربلندی می‌کنند که مثلاً - دختر و همسرشان زیبا و جذاب است و هیچ نگرانی و ناراحتی در این امر ندارند که ممکن است این وضع همسر و دختران آنها جوانان زیادی را به فساد و نابودی بکشاند و در ورطه هلاکت قرار دهد چرا که فاقد احساسات و عواطف دینی و انسانی می‌باشند از سوی دیگر استفاده بهتر از توانایی‌ها و استعدادهای زن، به ویژه از چشمه جوشان عواطف و محبت‌های او در صورت وجود زمینه مساعد و عوامل محرک ممکن و شدنی است. مهم‌ترین گام در این راستا، حفظ سلامت روانی و عاطفی زن می‌باشد که در سایه عنایت به شخصیت انسانی و حفظ حرمت او، برخوردهای شایسته توأم با محبت و صداقت و برآوردن نیازها و خواسته‌های معقول وی تحقق می‌یابد. روشن است جامعه‌ای که مردان آن با اعمال و صحنه‌های تحریک‌آمیز زنان، به سمت لذت‌های شهوانی و مادیات و خودخواهی کشانده شوند و روح ملکوتی خود را فراموش نمایند و نسبت به شخصیت انسانی خود محبت نداشته باشند، نمی‌توانند حافظ و نگهبان حرمت و سلامت روانی و عاطفی همسران خویش باشند و در نتیجه، این چشمه‌های جوشان محبت به مرور از میان رفته و زنان در بعد عاطفی و محبت خلع سلاح می‌شوند؛ به همین جهت است که در

دنایای غرب، نور محبت و عاطفه کم فروغ و یا خاموش گشته است. به علاوه زنان آسیب‌زا نیز در اثر فراموشی، هویت ارزشمند خویش و ارتکاب گناهان بزرگی که ناشی از هتک حریم پوشش اسلامی و بروز فجایع و انحرافات است، طهارت روحی و سلامت و بهداشت روانی و عاطفی خود را از دست می‌دهند. یکی از نشانه‌های آن، بی‌تفاوتی آنان در برابر واژگون شدن ارزش‌ها، از هم پاشیدن خانواده‌ها، انحرافات و اعتیاد جوانان و نوجوانان و سایر پی‌آمدهای بی‌حجابی و بدحجابی و به طور کلی استوار ساختن لذایذ کاذب خود بر آلام دیگران است. چه این که بی‌توجهی آنان به دستورهای الهی درباره ضرورت حجاب عقیفانه و شئون اخلاقی در برابر نامحرمان و بی‌اعتنایی به اندرزها و پندهای خیرخواهانه، نشانه بی‌تفاوتی به ارزشها و گوهر آسمانی نفس می‌باشد. خلاصه آن که ایمان و عفاف، باعث گسترش عاطفه و محبت و دگر دوستی می‌گردد و بی‌ایمانی، بی‌بندوباری و شهوت‌طلبی موجب خمودی، سستی عاطفه و خودخواهی است؛ زیرا مبانی دینی و معتقدات و احکام اسلامی - که ضامن اجرایشان مهم‌ترین وسیله حفظ و پرورش عواطف انسانی و انسان دوستی بالاخص درباره همسر و فرزندان است. اما لا قیدی، بدحجابی، دوستی‌ها و روابط غیر مشروع دختران و پسران و امثال اینها سبب فراموشی ضمانت اجرا و در نتیجه سست شدن ایمان، عاطفه، نوع دوستی و خیرخواهی در جامعه و خانواده می‌شود. افزون بر اینها، نشان دادن جاذبه‌های زنانه - به جای زیبایی‌های معنوی - در برابر دیدگان مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان، موجب رواج روابط به ظاهر دوستانه مردان و زنان جوان شده و مردان با این شیوه کاذب، نیازهای عاطفی خویش را تأمین می‌کنند و از ابزار محبت و عاطفه همسران - فعلی یا آینده - خود احساس بی‌نیازی می‌کنند و بدین ترتیب لاقید و بدحجاب، قوت تأثیر ابزار عاطفه را در تحکیم شخصیت و افزایش محبوبیت خویش از جهات گوناگون نزد همسران از دست می‌دهند.

بدحجابی، اسارت مدرن

آزاداندیشی و روشن‌بینی، در پرتو تقوا و عقل سلیم به دست می‌آید؛ بر این اساس زنی که اسیر لا قیدی یا بدحجابی می‌شود و با بی‌اعتنایی یا دهن کجی به دستورات حجاب و پوشش، ارزش‌های وجودی خود را در جاذبه‌های ظاهری خلاصه نموده و از ارزش‌های انسانی خود غافل می‌شود و پرده‌های هوا و هوس جلوی دیدگان حق‌بین و آینده‌نگر او را گرفته و مانع آزاداندیشی او می‌گردد. معیارهایش در انتخاب همسر معمولاً مادی و ظاهری است و نسبت به ملاک‌های اصیل و ارزشی غافل بوده و یا توجه لازم و کافی به آنها ندارد، لذا در گزینش و انتخاب یک مرد، به عنوان شریک زندگی خود به خطا رفته و در نتیجه در زندگی شکست می‌خورد. افزون بر این، چنین زنانی از شخصیت فکری و اخلاقی سالم برخوردار نیستند، تا عاشق و دل داده واقعی داشته باشند، اینان یا از نظر عقل و اندیشه درباره حجاب و پوشش اسلامی فکر و عقیده نادرستی دارند و فریب شبهات و تبلیغات زهر آگین ضد حجاب اسلامی را خورده‌اند؛ و بدون اینکه دریابند در بند مدها و مدل‌های غربی و آموزه‌های غلط غیر اسلامی گرفتار می‌شوند و با تأمل بیشتر می‌فهمیم که زنان بدحجاب ناخواسته و رایگان مؤثرترین مبلغان فرهنگ ابتذال و بی‌بندوباری در جامعه می‌باشند. بر این اساس چنین زن‌هایی از به دست آوردن عاشق واقعی، به عنوان همسر دل‌سوز و وفادار محرومند؛ چرا که عاشق راستین کسی است که عشق او بر پایه زیبایی باطنی زن، به ویژه حیا، عفت، وقار و پوشش اسلامی و دینی باشد، هر چند زیبایی ظاهر هم مورد توجه قرار بگیرد؛ همان گونه که در اسلام نیز به آن توجه شده است. جوان با تقوا و عقیف. حتی کسانی که در ایمان و عفاف ضعیف بوده و از جاده مستقیم به بیراهه رفته‌اند، بر اساس فطرت الهی و الهام درونی خویش از امور منافی عفت و حیا متنفرند و خواستار ازدواج با دختران پاک دامن می‌باشند. ویل دورانت - مورخ و فیلسوف غرب - می‌گوید: «زنان بی‌شرم و حیا، جز در موارد زودگذر، برای مردان جذاب نیستند. مردان جوان به دنبال چشمان پر از حیا می‌باشند و بدون آن که بدانند حس می‌کنند که این خودداری ظریفانه - عفت و حیا - از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهد» -----؟».

() _ ؟ ----- (لذات فلسفه: ص. ???)

نقش بدحجابی در تخریب ابعاد شخصیتی زن

توانایی‌ها، مکانیسم و ابزارهای زن برای نفوذ در قلب همسر بی‌شمارند، البته مشروط بر آن‌که از این امور - که به حق بر اساس حکمت و تدبیر الهی در نهاد زن به ودیعت نهاده شده - به درستی و در جهت اهداف عالی انسانی استفاده شود. اما در صورتی که در اثر کم‌توجهی یا بی‌مبالا-تی زن، این توانایی‌ها و سازکارها در معرض تهدید قرار گیرد و یا کم‌رنگ شود، نتایجی که به دست می‌آید نه تنها به سود زن نخواهد بود، بلکه او را به سمت انحطاط و شکست خواهد کشاند که در این جا به توضیح و تحلیل این امر مهم پرداخته می‌شود.

نقش بدحجابی در تخریب افکار و اندیشه‌ها

برای به دست آوردن علم و دانش و پرورش استعدادهای فطری، که لازمه رسیدن به کمالات و فضایل والای انسانی است، به تمرکز فکر، آرامش خاطر، شوق و اشتیاق نیاز است؛ مواجهه جوانان و نوجوانان با صحنه‌های هوس‌انگیز بانوان بدحجاب، یکی از عوامل بسیار مهم کاهش یا زوال این امور می‌باشد که آسیب‌ها و مصائب بزرگی را برای آنان و خانواده‌هایشان و در نتیجه برای جامعه ایجاد می‌کند که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم: الف) سرکوب شدن استعدادهای علمی غریزه جنسی که نیرومندترین غریزه آدمی است، با جلوه‌گری‌های زنانه شعله‌ور گشته، تمرکز و آرامش آنها را از بین می‌برد و قوه تخیل و توهم، به جای عقل به فعالیت پرداخته و مناظر شهوت‌انگیز زنان را در ذهن خود تصویر می‌کنند؛ در نتیجه توانایی‌ها و قابلیت‌های فکری آنان هدر رفته و توان ذهنی و عقلی آنها کاسته می‌شود و چه بسا منجر به سلب شوق علمی آنها می‌گردد که پایین آمدن سطح کیفیت تحصیل از جمله نتایج آن است. بنابراین، خودآرایی و بدحجابی مانع رشد و تکامل استعدادهای جوانان و حتی خود زنانی می‌شود که عفاف و حجاب را رعایت نمی‌کنند و اشتیاق آنان را در تحصیل علوم و پیشرفت‌ها و خلاقیت‌های فکری و نیز خودشناسی و کسب معارف اسلامی و دینی برای وصول به کمالات و مقام والای انسانیت، زایل می‌گرداند و میزان تعهد و دین داری آنان را تا مرتبه ناچیز فرو می‌کاهد؛ همان‌گونه که امیرمؤمنان علی (ع)؟ (۷) نیز می‌فرماید: «لا تجتمع الشهوة والحكمة؛ تبعیت از شهوت نفسانی با علم و حکمت جمع نمی‌شوند». «الجاهل عبد شهوته؛ نادان بنده شهوت است؟». ب) افزایش انحراف‌های جنسی تصور و تخیل منظره‌های هوس‌انگیز زنانه، که ریشه در خودنمایی عده‌ای از زنان کم‌عفت دارد، در صورت استمرار، پرده بر عقل عاقبت‌اندیش انداخته و خاطرات شیطانی در صحنه نفس راه پیدا می‌کند و عنان اختیار را از کف ربوده و جوانان را از یاد مبدأ و معاد و عظمت خویشتن غافل نموده و به گناه و شهوات نامشروع و در نتیجه عواقب دردناک آنها می‌کشاند که زنان بی‌پروا نیز قربانی این مهلکه خواهند بود و حتی بیشترین آسیب متوجه آنها می‌شود؛ چنان که حضرت علی (ع) فرموده است: «من کثر فکرة فی المعاصی دعتة الیها؛ هر کس درباره گناهان زیاد بیندیشد به سوی آنها کشیده می‌شود؟». بدیهی است زنان بدحجاب و بی‌بند و بار، جامعه را به سوی سوق می‌دهد. ج) انحراف استعدادها جامعه‌ای که به وسیله بدحجابی ملتهب شده، استعداد والای انسانی، نه تنها از شناخت حقیقت و رسیدن به کمالات علمی محروم می‌گردد، بلکه در مسیر جست و جوی امور ضد اخلاقی و انحرافی؛ هم چون استعمال مواد مخدر، تماشای تصاویر و فیلم‌های مستهجن و شنیدن صداها و آهنگ‌های مبتذل و... که ارمغان غرب و غرب‌زدگان و منحرفان است، به کار می‌افتد و نتیجه‌ای جز ایجاد غفلت و سوء اخلاق و محرومیت از مقام والای انسانیت نخواهد داشت. د) گرایش به تقلیدهای کورکورانه هنگامی که آدمی در اثر پیروی از هوا و هوس ناشی از بدحجابی و...، از تحصیل علم و معرفت محروم می‌گردد، ناگزیر استقلال فکری خود را از دست داده و دست به دامن تقلیدهای غیر معقول و تکیه بر پندارهای بی‌اساس دراز

می کند و در حقیقت ذهن او را حس و چشم و گوش تغذیه و اداره می کند نه براهین عقلی و شرعی. تقلید و چشم و هم چشمی که نشانه خود باختگی، عامل عقب افتادگی و از علائم شخصیت بیمار است، باعث می گردد که فرد مقلد گرفتار وسوسه ها و دسیسه ها و سیاست بازی های شیاطین و ابزار دست دیگران قرار گرفته و در زندگی بر اساس خودخواهی ها و خود کامگی های خود و دیگران، رفتار کند؛ هم چنان که خود آرای و بدحجابی نیز از جلوه های بارز و رفتارهای تقلیدی کورکورانه است. اگر زنان مسلمان به ویژه جوانان، پیرامون اندیشه والای اسلام درباره شخصیت زن و مسائل مربوط به آن مخصوصا حجاب و فلسفه و فواید آن تحقیق می کردند و با نظرات تربیتی اسلام آشنا می شدند و یا دست کم در برابر مدعیان آزادی بی بندوباری و مبلغان بی حجابی و خودنمای، خواستار دلیل درست و منطقی می شدند، آن گونه که قرآن دستور داده است)، ؟ (هیچ گاه مرزهای فکری و روحی را به روی دسیسه های بیگانگان باز نکرده و سخنان شیطانی آنها او پیروی از هوس را بر حکم مستدل و حکیمانه خداوند، مبنی بر وجوب پوشش کامل و حجاب عیفانه زن مسلمان، ترجیح نمی دادند و با رفتارهای خلاف عفت و حیا، در جامعه فساد نکرده و به دین و انسانیت خود و دیگران ضربه نمی زدند و از این طریق از دشمنان واقعی خود و اسلام جانب داری نمی کردند و به توصیه های قرآن و سنت، مبنی بر پرهیز از دوستی های قلبی یا عملی با کسانی که دین الهی را به استهزا و بازی گرفتند جامه عمل می پوشاندند . به راستی کسانی که در جست و جوی حقیقت هستند کافی است در این سخن معبود خویش اندکی تأمل و تفکر کنند که می فرماید: «تنها خداوند به حق و حقیقت و سعادت هدایت می کند، آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای هدایت شایسته تر است یا آن کسی که خود، هدایت نمی یابد - و هم چنین رهنمون به حق نمی کند - مگر آن که هدایتش کنند) ؟؟» (بانوان مسلمان باید بدانند که چه بسیار زنان بی حجاب و بدحجاب در دنیا فساد به بار آوردند، اما عاقبت مردند و در عالم برزخ و قبر دچار مکافات اعمال ناشایست خود شدند و در دادگاه قیامت نیز باید جواب گوی هتک حرمت و زیر پا نهادن حکم حجاب اسلامی و گمراه ساختن دیگران در منجلا ب فساد و انحراف باشند. آنان در دنیا، سرمایه وجودی خود را باختند و به ناچار در سرای آخرت از زیان کاران خواهند بود، سرانجام بقیه نیز مرگ به سراغشان خواهد آمد و سپس به سوی خدایی که دانای نهان و آشکار است باز می گردند و او آنان را به آنچه عمل می کردند آگاه می سازد. ه) تزلزل مقام زن عشق و علاقه راستین میان زن و شوهر و تحقق مقام محبوبیت برای زن در گرو انسانیت و فضایل اخلاقی حاصل از آگاهی دینی و ایمان به خداست، اما وقتی بدحجابی در جامعه گسترش یافت و چشم ها از مناظر شهوت انگیز و جنسی پر شد، پایه های عشق و محبت که همان فضایل اخلاقی است، متزلزل گشته و مقام معشوق و محبوب بودن زن از بین می رود و توجه زن و مرد به یکدیگر صرفا در دایره امور شهوانی محدود خواهد شد و این بزرگ ترین آسیب به شخصیت و روحیه زن در نظام خانواده است. ضمن این که چنین زن و مردی از اساسی ترین نیاز زندگی مشترک، که همان درک و شناخت هم دیگر و نیازهای اصیل همسر است، محروم می باشند؛ زیرا کسی که ارزش و عظمت خود را نشناخته باشد، نمی تواند دیگران از جمله همسر خویش را بشناسد. بدیهی است خویش شناسی و همسر شناسی زیربنای محبت و عشق در نظام خانواده است، که جز در سایه دین و ایمان تحقق نمی یابد. نکته بسیار مهم و در خور توجه آن است که این آسیب ها و خطرهای مزبور نه تنها جامعه را تهدید می کند، بلکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم گریبان خود این بانوان و زنان هم صنف دیگر را می گیرد و زندگی را در کام آنها تلخ می سازد، چرا که پدر، برادر، همسر و فرزندان آنها نیز در چنین جامعه ای زندگی می کنند و روزی در دام این بلاها و دام های تنیده شده گرفتار می شوند. بنابراین چنین زنانی باید مشکلات و نامایمات زیادی را به و جان خویش بخرند؟ چرا که خود زمینه بی ارزشی و کالا- شدن خویش را فراهم نموده اند و در این صورت هیچ تضمینی برای استمرار زندگی زناشویی آنها وجود ندارد. و در جامعه بی بند و بار و بدحجاب، هر لحظه ممکن است یک مرد، زن دیگری را ببیند و پسندد و با او که کالای تازه و جدیدی به نظر می رسد بنای زندگی و دوستی را بگذارد. به طور کلی می توان گفت: بدحجابی در جامعه دو مشکل بزرگ و اساسی را دامن می زند اول اینکه: سبب از هم گسیختگی کانون خانواده ها و عدم

التزام زن و شوهر به پیوند زناشویی می گردد و دوم آنکه: سبب هرزگی مردان و زنان و تشکیل نشدن کانونهای گرم خانواده و شانه خالی کردن جوانان از امر آسمانی ازدواج می شود

علل گسترش بدحجابی

علل و عوامل گسترش بدحجابی گاه از ناحیه افراد جامعه است که به دلیل عدم آگاهی از آثار حجاب یا عدم اعتقاد به حجاب، گرایش به بدحجابی پیدا می کنند و گاه عواملی که در فرهنگ جامعه تأثیر گذاشته و به تعبیری دیگر فرهنگ سازی می کنند، فرهنگ عمومی را به سوی بدحجابی و کاهش حریم و حیا در روابط زن و مرد می کشانند. اینک هر دو عامل را مورد بررسی قرار می دهیم. الف - افراد و آحاد جامعه - ? ناآشنایی با آثار سازنده حجاب بسیاری از مردم حجاب و رعایت حریم میان زنان و مردان را تنها یک وظیفه ضروری دینی می دانند؛ اما از آثار بسیار عمیق آن در سلامت اخلاقی افراد، سلامت محیط عمومی جامعه و ایجاد امنیت روحی و روانی به خصوص برای زنان، استحکام پیوندهای خانوادگی و علاقه مندی مردان و زنان به کانون خانواده و... اطلاعی ندارند. از این رو تبیین آثار ارزشمند حجاب می توانند بسیاری از افراد را با جایگاه واقعی حجاب در سعادت فرد و جامعه آشنا سازد که در این خصوص سنگین ترین وظیفه بر دوش صدا و سیماست - ? . ضعف اعتقادی به حجاب برخی هرچند تا حدودی آثار حجاب را می شناسند؛ اما به دلیل سستی در اعتقاد، آنچه را که می دانند بدان عمل نکرده و ملترم نیستند. چنانکه در موارد بسیاری انسان از خوبی یا بدی اموری آگاه است، اما اعتقاد و علاقه قلبی در او وجود دارد و بر اساس دانسته هایش عمل نمی کند. در مورد حجاب هم گاه شخص، با آنکه خویهای حجاب را می داند و آثار بدحجابی را می شناسد اما رعایت حجاب را موافق خواسته ها و تمایلات زودگذر نفسانی خود نمی بیند و از این رو حاضر نیست برای رعایت حجاب از تمتعات و لذتهای زودگذر دنیا چشم پوشد. از این رو در عمل حجاب را رعایت نمی کند - ? . ضعف انگیزه ها و گرایش های دینی از آنجا که حفظ حجاب و حریم میان زنان و مردان یکی از دستورات مهم دین است، به هر میزان که انگیزه های الهی در این افراد قوی تر باشد، حجاب را بیشتر مورد توجه قرار داده و بدان پای بند می شوند. سستی عقاید و گرایشات اسلامی در افراد، سبب می شود که برخی چندان توجه و مراقبتی در امر حجاب به عمل نیاورده و بی اعتنا باشند - ? . بی اطلاعی از روابط میان زن و مرد ریشه و عامل بسیاری از نابسامانیها در روابط زنان و مردان نامحرم، برداشتهای نادرست از این مسأله است. به عنوان مثال در آموزه های دینی توصیه شده است که زنان و مردان نامحرم به حداقل ارتباط و گفتگو با یکدیگر اکتفا کنند، از خنده، شوخی و روابط صمیمانه با یکدیگر اجتناب ورزیده، وقار و سنگینی خود را حفظ کنند، دیده های خود را از یکدیگر فرو گیرند، در مکان خلوت با یکدیگر نباشند، زنان زینت های خود را در برابر مردان نامحرم آشکار نسازند، مردان نیز از لباسهایی که موجب تهییج و تحریک است اجتناب ورزند. اما برخی از افراد به دلیل آنکه این دستورات را از توصیه های دینی نمی دانند یا از آنها آگاه نیستند التزامی به آنها ندارند - ? . خودباختگی در برابر فرهنگ بیگانه کسانی که هویت دینی و ملی آنان فاقد استحکام لازم است، همواره از فرهنگ غیر خودی رنگ می گیرند و هر آنچه دستاورد بیگانگان به خصوص غربی ها باشد در نظر آنان زیبا و ارزشمند جلوه می کند. از این رو در پوشش و حجاب و فرهنگ روابط زن و مرد فاقد حریمهای دینی و ملی رایج در جامعه اند و در رفتار و پوشش از آخرین دستاوردهای غرب به سرعت پیروی می کنند - ? . تأخیر در ازدواج از عواملی که در بسیاری از موارد تأثیر به سزایی در روابط ناسالم میان زنان و مردان داشته و زمینه ساز خودآرایی ها و جلوه گری ها می شود عدم اشباع غریزه جنسی در جوانان است. جوان امروز از یک سو، در جای جای جامعه با جنس مخالف در ارتباط است و از سوی دیگر مشکلات تحصیلی، شغلی، اقتصادی از همه مهمتر فرهنگ عمومی، اجازه ازدواج به موقع را نمی دهد. این وضعیت در بسیاری از موارد نتیجه ای جز ناهنجاری در رفتار و پوشش نخواهد داشت. ب - عوامل فرهنگ ساز جامعه - ? سیاستهای کلان فرهنگی، اجتماعی بی گمان از اساسی ترین و بنیادی ترین عوامل در تمامی ابعاد فرهنگ عمومی

جامعه، نوع سیاستهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که دست اندرکاران اداره یک جامعه اعمال می کنند. تأثیر این سیاستها به گونه ای است که گاه در مدت کوتاهی بسیاری از خلیات و آداب و رسوم جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. مثلاً به دلیل سیاستهای دنیا طلبانه و تبلیغ روز افزون زرق و برق و تجملات، مردمی که ساده زیستی را ارزش می دانند، سرگرم جلوه های دنیا شده و در زیاده خواهی بر یکدیگر سبقت می گیرند و به همین گونه است روند تحولات اجتماعی در زمینه حجاب و روابط زن و مرد. از این رو سزوار است سیاستهای کشور در زمینه های مختلف مورد مذاقه و کنکاش قرار گرفته و آثار مختلف آن ارزیابی شود.؟. نهادها و شخصیت های مؤثر در فرهنگ جامعه متأسفانه در زمینه گسترش حجاب و عفاف کارنامه قابل قبولی از سوی متولیان فرهنگی کشور ارائه نشده است. عدم برنامه ریزی مشخص و مدوّن و عدم هماهنگی میان نهادهای فرهنگی، نه تنها حجاب و عفاف عمومی را افزایش نداده است بلکه شاهد سیر نزولی این مسأله هستیم. با آنکه همایش ها و سمینارهای متعدد در موضوعات مختلف برگزار می شود اما در طی سالهای اخیر کمترین همایش و گردهمایی علمی و فرهنگی را در زمینه گسترش حجاب و سالم سازی روابط اجتماعی زنان و مردان شاهد بوده ایم و این خود نشان از عدم حساسیت کافی برخی از دست اندرکاران مسائل فرهنگی کشور دارد. علاوه بر این عدم برخورد قاطع با پدیده بدحجابی و سازنده از جمله مسائلی است که به طور جدی باید مورد دقت و بررسی قرار گیرد.؟. تهاجم فرهنگی غرب با استفاده از تمامی ابزارهای انتقال فرهنگ، می کوشد تا کشورهای اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی را تحت پوشش فرهنگ خویش قرار داده و ملت های مسلمان را استحاله فرهنگی نماید. در رأس این تلاش، ترویج روابط آزاد زن و مرد و حذف حجاب در بین مسلمانان قرار دارد. ارسال انواع فیلم، عکس، نوارهای صوتی و نشریات مبتذل و خلاف عفت، گسترش شبکه های ماهواره ای، ارسال اطلاعات رایانه ای از سکس و فحشا به سراسر جهان، ترویج گروه های منحرفی همچون رپ، هوی متال، ارائه مستمر مدلهای مختلف پوششهای غربی و... همگی در راستای سیاست تهاجم فرهنگی غرب قرار دارند.؟. رسانه های جمعی از عوامل بسیار مهم در بهبود وضعیت فرهنگی جامعه به ویژه حجاب و حیای عمومی. رسانه های جمعی همچون سینما، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، کتابها و... می باشند و از میان این رسانه ها سهم رادیو و تلویزیون و سینما از جهت کمی بسیار بیشتر است. امروزه بخش وسیعی از افراد جامعه به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان، همه روزه ساعتی از وقت خود را به تماشای تلویزیون و یا گوش دادن به رادیو اختصاص می دهند. متأسفانه باید اعتراف کرد که سینما و بخش مهمی از مطبوعات کشور، امروزه نه تنها پایبندی به حجاب را افزایش نمی دهند بلکه به نام آزادی و دفاع از حقوق زنان به شکستن حریمهای عفاف و ترویج ابتذال می پردازند. بسیاری از شخصیت های مثبت و اصلی فیلمهای سینمایی کشور چهره های بدحجاب و نامناسب اند و با توجه به جمعیت کثیر بینندگان فیلمهای سینمایی، این فیلمها آثار بسیار ویرانگری در ترویج بدحجابی خواهد داشت. رادیو و به خصوص تلویزیون نیز هر چند حاوی برنامه هایی هستند که گاه به ترویج و تقویت حجاب و حفظ حریمهای شرعی می پردازند؛ اما فضای عمومی برنامه ها در این مسیر نبوده و بلکه می توان گفت در راستای تضعیف حجاب و عفاف عمل می کنند. به عنوان مثال در بسیاری از برنامه های رادیویی، زنان و مردان به ویژه جوانان با خنده ها و شوخی های فراوان، روابط میان دختران و پسران نامحرم را عادی جلوه می دهند. در بسیاری از برنامه های رادیویی و تلویزیونی با آنکه به راحتی امکان استفاده از افراد هم جنس وجود دارد زنان و مردان جوان در کنار یکدیگر قرار می گیرند. فیلمها و سریالها که خود داستانی دیگر دارند. متأسفانه حجم وسیع فیلمهای خارجی و نمایش چهره های بدون حجاب و گاه پر از آرایش زنان و نمایش اندامهای عریان مردان، تأثیر نامناسب خود را بر فرهنگ عمومی جامعه گذاشته است. فیلمها و سریالهای ایرانی نیز برخی خود مروج بدحجابی اند و برخی نیز چهره نامناسبی از افراد با حجاب به نمایش می گذارند تنها بخش اندکی از فیلمهای ایرانی، توانسته اند تا حدودی معیارهای صحیح حجاب و عفاف را مطرح سازند. تأثیر صدا و سیما از آن جهت که مردم آن را رسانه رسمی نظام جمهوری اسلامی می دانند بسیار فراگیر و عمیق است.؟. شیوه های نادرست در برخورد با بدحجابی درست است که مردم می بایست از بی حجابی و بدحجابی

تفر داشته و بی تفاوت نباشند؛ اما این به معنی برخورد بی ضابطه و خارج از چارچوب قوانین نظام اسلامی نیست. باید در برابر پدیده بدحجابی واکنش حساب شده و منطقی در پیش گرفت و بر اساس چارچوبهای مدون قانونی عمل نمود. لازم است بکوشیم تا همگان را با برخورد نیکو و بیان مستدل به حجاب و پوشش اسلامی علاقه‌مند سازیم، البته در برابر کسانی که با عناد و کینه سعی در گسترش ابتدال و بدحجابی دارند می‌بایست تحت اشراف نهادهای قانونی ایستادگی کرد.

فصل یازدهم: راههای گسترش فرهنگ حجاب

سیستم نظارتی امر به معروف و نهی از منکر

آداب و سنن و قوانین مصوب علاوه بر رعایت و تناسب آنها با شاکله فرهنگی یک جامعه و کارآیی عملی آنها در پیشبرد اهداف مورد نظر و ایجاد انتظام اجتماعی، در مرحله وضع و تکون به یک سیستم نظارتی ویژه یا همگانی در مرحله اجرا و اعمال خود محتاج‌اند. روشن است که آداب و سنن و قوانین اجتماعی هر قدر مطلوب و به فراخور حال و نیاز و با رعایت جمیع جوانب مورد نظر، طرح و تدوین شده باشد و به صورت مدون یا غیر مدون در راستای الگودهی و انتظام بخشی به عرصه‌های گوناگون رفتاری طراحی شده یا همواره برای پوشش دهی به حیطه‌های جدید مورد نظر ایجاد گردد، در صورتی اهداف مطلوب از آنها عینیت می‌یابد که از طریق سیستم‌های نظارتی فعال اجتماعی، ضمانت اجرای کافی برای ظهور آنها در عمل فراهم آید. سیستم‌های نظارتی در یک تقسیم کلی به دو بخش رسمی که حافظ قوانین خاص مصوب از سوی دولت و غیر رسمی که حافظ آداب، سنن و عادات غیر مدون اجتماعی است تقسیم می‌شود. فعالیت جهت‌دار نظام اجتماعی در هر دو جریان یعنی پوشش دهی الگویی به همه عرصه‌های گوناگون رفتاری و نیز ایجاد سیستم‌های کنترلی و نظارتی می‌تواند تعادل اجتماعی را تضمین و تغییرات قهری یا اختیاری نظام اجتماعی را هدایت کند. در خصوص حجاب نیز علاوه بر فعالیت جدی و هماهنگ نهادهای دست‌اندر کار فرایند جامعه‌پذیری، درون‌ریزی دقیق الگوی مورد نظر همراه با اقناع سازی کافی نسبت به حکمت‌ها و مصالح مترتب بر آن، برخورداری از یک سیستم نظارت اجتماعی به منظور ارتقاء التزام عملی و از میان بردن زمینه‌های تخلف ضروری است این سیستم در بخش‌ها و مراکز دولتی به صورت رسمی و در گستره عام اجتماعی از طریق حساس کردن وجدان و به صورت غیر رسمی اعمال می‌گردد. فعالیت هماهنگ هر دو بخش رسمی و غیر رسمی و اعمال تنبیه نسبت به افراد خاطی و نیز اعطاء پاداشهای لازم به افراد مطیع، به عنوان آخرین حلقه تکمیلی در اثر بخشی و کارآیی فرایند جامعه‌پذیری می‌تواند همگان را به رعایت این تکلیف الهی و حیات بخش بیش از پیش ارتقاء بخشد و جامعه را از آثار نیکوی مترتب بر آن بهره‌مند و در مقابل از آثار و تبعات سوء ناشی از بی‌توجهی یا تمرد از آنها در امان دارد.

وسایل ارتباط جمعی

رادیو، تلویزیون و مطبوعات نیز امروزه نقش بسیار مهمی در تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیری افراد ایفا می‌کنند. بعد از مدرسه یا به طور کلی محیط‌های آموزشی و شغلی افراد که به اجبار ساعاتی از وقت آنها را به خود اختصاص می‌دهد، بقیه اوقات فراغت افراد از طریق رسانه‌های جمعی خصوصاً رادیو و تلویزیون پوشش داده می‌شود. سیاست یک دست‌سازی فرهنگی و جریان‌دهی خرده فرهنگی فعال یک جامعه به بسترهای خاص و زمینه سازی برای شکل‌گیری حاکمیت یک واحد استاندارد تحت عنوان فرهنگ ملی عمدتاً از مجرای همین رسانه اعمال می‌شود و در تأثیر گذاری عمیق آن از تأثیرات مثبت یا منفی کمترین تردیدی وجود ندارد. وجود هماهنگی و محوریت اهداف مشترک میان حلقه‌های گوناگون فرایند جامعه‌پذیری اعم از خانواده، مدرسه، محیط اجتماعی

و رسانه‌های جمعی می‌تواند جامعه را در جهت گیری به سوی یک فرهنگ واحد مطلوب و تثبیت ارزشها و الگوهای مورد نظر آن رهنمون گردد، البته در این میان باز هم تأثیرات بنیادی از آن رسانه‌های جمعی است. زیرا دست اندرکاران امور فرهنگی تربیتی در همه کانونهای فرهنگی جامعه در معرض آموزشهای این رسانه‌اند و کار آنها تنها هنگامی می‌تواند مثمر ثمر باشد که در جهت مقابل این رسانه‌ها عمل نکند. در خصوص حجاب نیز به عنوان الگوی مطلوب پوشش زنان و به عنوان یکی از تجلیات عینی فرهنگ اسلامی، هماهنگی میان نهادهای دست اندرکار امور فرهنگی و تربیتی، شرط لازم جهت دست یابی به این مهم است. وجود تلقی‌های گوناگون و تفسیرهای ناهمگون از یک ارزش، همواره مانع بزرگی در راه تثبیت و ایجاد التزام عملی به رعایت آن می‌باشد. کارگزاران فرهنگی جامعه موظفند با استخراج الگوهای مطلوب یک فرهنگ از جمله حجاب و تنظیم آن در چارچوب برنامه‌های منسجم جهت اجرا در بخش‌های مختلف نظام اجتماعی، القاء آگاهیهای لازم به افراد جامعه، فعال کردن سیستم‌های رسمی و غیر رسمی نظارت اجتماعی و تشویق افراد به التزام عملی و در مقابل تنبیه متخلفین و به طور کلی ایجاد تسهیلات لازم جهت درونریزی آنها در ساختار روانی افراد و جنبه فرهنگی جامعه و در نتیجه حساس کردن وجدان جمعی در رعایت و پاسداری از آنها، گامهای جدی‌تری بردارند و الگوی اصیلی همچون حجاب را به خاطر نقش محوری آن در سعادت فرد و جامعه به عنوان ثانوی طبیعت افراد در شخصیت آنان تعبیه نمایند.

جامعه پذیری

جامعه پذیری جریانی است که از طریق آن ارزشها، هنجارها و به طور کلی فرهنگ جامعه در ساختار شخصیت افراد درونی شده و فرد به گونه‌ای خود انگیزه‌ایده‌ها و رفتارهای خود را در چارچوب قالبها و اشکال مصوب اجتماعی عینیت می‌بخشد. حجاب و مطلوبیت آن نیز باید همچون دیگر الگوهای مورد نظر فرهنگ دینی از طریق این فرایند به افراد القا شود و آنها را در التزام به رعایت آن در سنین مقتضی تحریص نمایند و وجدان جمعی را در خصوص تشویق افراد مطیع و تنبیه افراد خاطی، حساس سازند. مجموع دو جریان تعلیمی و کنترلی فوق می‌تواند جریان یافتن یک ارزش فرهنگی و نیز بقای آن را از طریق عمل به آن تضمین کند. عوامل و کارگزاران متعددی رسالت هدایت این جریان را دارند که به مهمترین آنها اشاره می‌شود: خانواده: خانواده نخستین و مهمترین حلقه از زنجیره فرایند جامعه پذیری است که بنیانی‌ترین نقش را در جریان تربیت و شکل دهی به شخصیت فرزندان بر عهده دارد. والدین به عنوان نمایندگان جامعه وظیفه دارند فرزندان خود را مطابق ارزشهای مصوب و بر طبق الگوهای مقبول اجتماعی تربیت کرده و جهت ایفای نقشهای مهم در جامعه پروراند. آثار تربیتی این محیط به قدری عمیق و راسخ است که برخی رسوبات آن تا پایان عمر در ردیف عناصر اصلی شخصیت فرد همچنان فعال و پویا باقی می‌ماند و سایر عناصر دریافتی را تحت الشعاع قرار داده و در همسویی با خود جرح و تعدیل می‌نماید. در خصوص الگوی حجاب و التزام عملی به رعایت آن نیز مسئولیت مهمی متوجه خانواده و خصوصا مادر است. مادر در این حیطه نیز همچون سایر عرصه‌های تربیتی وظیفه و رسالت سنگینی به دوش دارد و به عنوان اولین و اصلی‌ترین آموزگار کودک، در پی ریزی این تقید حرف اول را می‌زند. انتظار به حق جامعه از این نهاد این است که در این خصوص نیز در راستای ایجاد همسویی کامل با ارزشهای حاکم بر نظام اجتماعی اقدام نمایند و فرزندان خویش را بر اساس تقید به این الگوی اصیل دینی پرورش دهند. بدیهی است این نقش و تأثیر آن هنگامی به طور کامل محقق خواهد شد که سایر نهادهای اجتماعی نیز در این خصوص با خانواده همگام شوند و این فرایند تربیتی را تا تثبیت کامل استمرار بخشند و سیستم‌های نظارتی جامعه نیز موظفند در ابقاء این الگو و رفع عوامل مزاحم آن خصوصا عوامل فرهنگی و تبلیغات سویی که در جهت تخریب یا تضعیف نقش و اهمیت آن جریان می‌یابد با تمام توان مقابله کنند و تنها در پرتو این هماهنگی است که فرد و جامعه می‌توانند از ثمرات نیکوی این تکلیف حیاب بخش برخوردار شوند. مدرسه: دومین حلقه از حلقه‌های فرایند جامعه پذیری

مدرسه است. مدرسه اولین محیطی است که فرد در آن روابط سازمان یافته را تجربه می کند و از این منظر با پیچیدگی های نظام اجتماعی تا حدودی آشنا می شود. محیط مدرسه نیز به خاطر وجود ارتباطات عاطفی چهره به چهره میان اعضای همسال و موقعیت مناسب سنی جهت الگوگیری تأثیر عمیقی در شکل دهی به شخصیت افراد از خود به جای می گذارد. اگر چه مدت حضور کودک در مدرسه به مراتب کمتر از مدت حضور او در خانه است اما آغاز تربیتی این محیط بسی گسترده تر از محیط خانواده است؛ زیرا جریان جامعه پذیری در خانواده عمدتاً یکسویه و در محیط مدرسه تا حد زیادی دو سویه و تقابلی است. بدیهی است دستیابی به آثار مثبت هر دو محیط تنها هنگامی میسر خواهد بود که هماهنگی کاملی میان این دو نهاد برقرار باشد و هر یک در تکمیل فرایند طی شده توسط دیگری گام بردارد و کار خود را به عنوان مقطعی از یک جریان مستمر تلقی کند.

فصل دوازدهم: چشم چرانی و پیامدهای آن

پاداش حفظ چشم

شایسته است در پایان این قسمت اندکی از پاداش و آثار حفظ چشم بر اساس روایات اسلامی سخن بگوییم تا دریابیم با حفظ چشم نه تنها از خطرهای بزرگی در امان می مانیم بلکه چه فضیلت های با ارزشی را کسب خواهیم نمود: رسول گرامی اسلام e فرمودند: «هیچ مرد مسلمانی نیست که نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را پایین اندازد، مگر این که خداوند متعال به او توفیق عبادتی را می دهد که شیرینی آن را در دل خویش بیابد». و نیز در روایت دیگری، آن حضرت حفظ چشم را از نگاه به نامحرم، سبب درک حلاوت ایمان بیان نموده اند. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را بر هم نهد، هنوز چشم برهم نزده است که خداوند از حورالعین به ازدواج او در می آورد». امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «کسی که چشم خود را پایین اندازد، دلش را آسوده گرداند». و نیز می فرمایند: «هر که نگاه هایش پاک باشد، اوصافش نیکو شود». از امیرمؤمنان علیه السلام سوال شد: برای حفظ چشم از گناهان از چه وسیله ای می توان کمک گرفت؟ امام فرمود: «با در نظر گرفتن قدرت خداوندی که بر نهانی های تو آگاه است».

زیانهای چشم چرانی

۱- حسرت و اندوه طولانی امام صادق علیه السلام می فرمایند: «نگاه (شهوت آلود)، تیری مسموم از تیرهای شیطان است و چه بسا نگاه شهوت آلودی که حسرتی طولانی بر جای می گذارد». امیرمؤمنان علیه السلام نیز در این باره می فرمایند: «هر فردی که چشم خود را آزاد بگذارد و به هر چیزی نگاه کند، حزن و اندوهش زیاد می شود». و نیز می فرمایند: «بسا نهال هوسی که از نیم نگاهی کاشته می شود». کلام زیبای این دو معصوم را از دو بعد می توان مورد بررسی قرار داد، اول: اینکه چه بسا افراد چشم چران با دیدن زنان و دختران زیبا همیشه در حسرت و آرزوی کامجویی از آنان باشند و هیچگاه این امر بر آنان میسر و مقدور نگردد و لذا حسرت و اندوه همیشگی برای آنها به وجود آید. دوم: اینکه ممکن است آدمهای چشم چران در مقام مقایسه زنان خود با زنان دختران کوچه و بازار برآیند و همیشه در این قیاس همسران خود را ناقص و زشت ببینند و از انتخاب همسر خود برای زندگی پشیمان و محزون گردند غافل از اینکه اگر با آنها هم ازدواج کند باز هم زنانی زیباتر از آنان یافت خواهد شد. داستان: مرد در بستر مرگ افتاده بود و ثانیه های آخر عمر را می گذراند. به سختی نفس می کشید، دست و پایش از ترس و وحشت می لرزید، رنگش زرد گشته بود، مثل اینکه خون در رگهایش منجمد شده بود دوستانش که این حال رقت بار را از او دیدند و دریافتند که مرگش حتمی است، شهادتین را به او تلقین می کردند و می گفتند: بگو اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله؛ ولی او

باصدایی آرام و شکسته می گفت: کجاست آن زن زیبایی که سراغ حمام را می گرفت! دوباره شانه هایش را تکان می دادند که شاید متوجه شود و شهادتین را بر زبان جاری کند ولی مثل اینکه در عالم حسرت و اندوه غوطه ور بود و مرتب می گفت: کجاست آن زن زیبایی که سراغ حمام را می گرفت! اصلاً نمی توانست شهادتین را بگوید و با همان حال اسفناک در اوج حسرت و اندوه از دنیا رفت. بعد از مرگش این سؤال برایم باقی ماند که: این چه جملاتی بود که به جای شهادتین می گفت، تا اینکه روزی این مسأله را از یکی از دوستان صمیمی اش پرسیدم، گفت: راستش را بخواهی وقتی اکبر آقا جوان بود و سرشار از شور جوانی؛ به چشم چرانی و نظربازی عادت کرده بود. از قضا روزی که بر سر کوچه ایستاده بود و مردم کوچه و بازار را دید می زد زن زیبا و عفیفی که به دنبال حمام می گشت و راه را گم کرده بود به طرف او می رود و از او می پرسد: ببخشید آقا! می شود راه حمام زنانه را به من نشان دهید. اکبر آقا نگاهی به زن جوان می کند و دلش به شدت می لرزد و با تمام وجود شیفته او می شود؛ چرا که آن زن، زیباترین زنی بود که تا به حال دیده بود. اکبر آقا هم فوراً در نیمه باز خانه خودش را به عنوان حمام به آن زن نشان می دهد. زن در کمال سادگی، داخل خانه می شود، اکبر آقا هم بلافاصله وارد خانه می شود و در را می بندد. زن بیچاره که دیگر هیچ راه فراری برای خود نمی بیند و خودش را در چنگال اکبر اسیر می بیند، می گوید: حقیقت این است که منم بدم نمی آید ساعتی را با شما باشم ولی من هم کثیفم و هم گرسنه بهتر است شما مقداری غذا تهیه کنید و من هم به حمام بروم و خودم را برای شما مهیا شما کنم، اکبر آقا که تمایل و اشتیاق زن را می بیند اجازه می دهد زن به حمام برود. اما دیگر هرچه انتظار می کشد زن بر نمی گردد. بعدها اکبر آقا می گفت سالیان درازی است که بر سر کوچه می نشینم و انتظار آن زن زیبا را می کشم و از اعماق دل، حسرت و افسوس می خورم که چرا او را از دست دادم. آری! همین افسوس و اندوه طولانی بود که موقع مرگ، گریبان او را گرفته بود و نمی گذاشت شهادتین را بگوید.؟ . انحراف و هلاکت: خداوند متعال در حدیثی قدسی درباره چشم چرانی می فرماید: نگاه اول (تصادفی) مال توست ولی نگاه دوم به ضرر و زیان توست و نگاه سوم باعث انحراف و هلاکت تو است.؟ . غرق شدن در فتنه امام صادق علیه السلام می فرماید: نگاه بعد از نگاه، شهوت و میل جنسی را در دل می رویاند و همین برای غرق شدن صاحبش در فتنه کافی است. در این روایت امام، فساد جنسی را معلول نگاه های مکرر همراه با شهوت و چشم چرانی معرفی می فرمایند. در این باره امیرمؤمنان علیه السلام نیز می فرماید: نگاه حرام راهنمای فتنه هاست داستان: تابستان سال گذشته بود که به شمال رفته بودیم و من مثل هزاران دختر دیگر بی خیال و چموش به دنبال چشمانی می گشتم که با محبت و عاشقانه نگاهم کند، به هر پسر جوانی چشم می دوختم و به دقت براندازش می کردم. سرانجام در یک مهمانی بر سر سفره، جوانی نظرم را جلب کرد، من دائماً به او نگاه می کردم و او هم مات و مبهوت به من خیره شده بود، با یک لبخند رضایت بخش از طرف من آشنایی ما شروع شد. چند روزی بیشتر از آشنایی و دوستی ما نگذشته بود که سامان به گونه ای باور نکردنی با چرب زبانی های زیرکانه اعتماد و اطمینان مرا جلب کرد، و من در کنار او احساس آرامش و خوشبختی می کردم وقتی با هم بودیم از همه چیز و همه کس صحبت می کردیم و من بی خبر از همه جا، دور نمای یک زندگی زیبا را در کنار او، در ذهنم مجسم می کردم. مدتی بود که در اثر خیالبافی های دخترانه کم خواب شده بودم و شبها تا دیر وقت با رؤیای یک زندگی شیرین در کنار سامان نمی خوابیدم. بعد از ظهر یک روز گرم که با سامان قدم می زدیم، از بی خوابیها و رؤیا بافیهایم با او حرف زدم، او هم با مهربانی و دقت گوش می کرد. وقتی حرفم تمام شد، چند عدد قرص از جیبش بیرون آورد و گفت: من هم گاهی دچار بی خوابی می شوم، اما این قرصها نجاتم می دهد! و چند عدد قرص به من داد و از هم خدا حافظی کردیم. شب که شد دوباره بی خوابی به سراغم آمد و من یکی از قرصها را خوردم که این آغاز اعتیاد من بود. بعد از آنکه به تهران برگشتیم، دوستی من و سامان ادامه یافت، دیگر به قرصهایی که از او می گرفتم عادت کرده بودم و بدون آنها، همه وجودم درد می گرفت. یک شب که در خیابان قدم می زدیم من از او چند عدد قرص خواستم او مرا به خانه خودشان دعوت کرد تا در آنجا قرصها را به من بدهد. من هم بی خبر از همه جا به خانه آنها رفتم و آن شب با نیرنگهای سامان و

اعتماد و نفهمی من، دامنم نیز آلوده شد. بعد از آن من یک معتاد شده بودم کم کم با راهنمایی های سامان به هروئین روی آوردم دیگر تمام فکر و ذهنم تهیه مواد شده بود و هیچ چیز جز هروئین برایم مهم نبود کم کم برای تهیه مواد به خودفروشی و هرزگی روی آوردم. حالا دیگر یک هروئینی کثیف و آلوده دامن هستم که نه در خانه جا دارم و نه در اجتماع. به خدا از خودم و زندگی نکبت بارم خسته شده ام، وقتی کتاب سوخته زندگیم را ورق می زنم می بینم خودم مقصر بودم؛ چرا که اگر جلوی چشمانم را می گرفتم، هیچ وقت اسیر گرگ انسان نمایی چون سامان و چنگالهای خانمان سوز اعتیاد نمی شدم. ؟ . فساد جنسی امام رضا علیه السلام می فرماید: نگاه کردن به موهای زنان شوهردار و غیر آنها (از دختران و زنان بدون شوهر) حرام شده است؛ به دلیل این که این گونه نگاه ها، باعث تحریک جنسی مردان می گردد، و تهییج و تحریک، باعث فساد جنسی و انجام کارهای حرام و ناشایست می شود. ؟ . رویش فسق و دوری از مسیر هدایت نقل شده است که حضرت عیسی علیه السلام به حواریین فرمودند: «از نگاه کردن به دختران اجتناب کنید، زیرا این نگاه، بذر شهوت و تمایلات جنسی است و باعث رویش فسق (در وجود انسان) می شود». در لسان العرب «فسق» به گناه و ترک دستورات خدا و انحراف از مسیر حق معنا گردیده است. چه بسا انسان با چشم چرانی و نگاه به زنان و دختران آنچنان اسیر و پایبند شهوت شود که از دین خدا و مسیر هدایت خارج گردد و تمام فکر و ذکرش ارضای غریزه جنسی شود. داستان: حدود سی سال بود که بالای مناره مسجد محله می رفت و اذان می گفت، همه اهالی به صدای او عادت کرده بودند و با بانگ الله اکبر او، سحرها از خواب بیدار می شدند، و به نماز می ایستادند. او که جوانی خود را در خادمی مسجد سپری کرده بود انسانی محترم و آبرومند بود مردم نیز با کمکهایشان زندگی یک نفره او را تأمین می کردند. او هم مردی قانع و خویشتن دار بود و همه کارهای مسجد را انجام می داد. دو سه روزی بود که خیلی با کسی صحبت نمی کرد و دائما در فکر فرو رفته بود، اذان را به موقع نمی گفت، مثل اینکه مسأله مهمی ذهنش را مشغول کرده بود. من که با او رابطه خوبی داشتم یک روز بعد از نماز ظهر و عصر کنارش نشستم و گفتم: حاجی! چیزی شده؟ خیلی تو فکری، می توانم کاری برایت انجام دهم. گفت: چه بگویم راستش را بخواهی چند روزی است که اسیر دل شده ام و می خواهم ازدواج کنم. من که تا حالا از این حرفها از او نشنیده بودم بلافاصله گفتم: این که خیلی خوب است. دیگر از تنهایی هم در می آیی و به زندگی ات سر و سامانی می دهی. آهی کشید و گفت: آخر می دانی داستان من چیست؟؟ در این چهل سال عمر عاشق و دلباخته نشدم و اصلا به فکر ازدواج نبودم اما حالا که عاشق شده ام، فریفته یک دختر مجوسی گشته ام!! گفتم: حاجی! دست بردار چیزی که زیاد است دختر نجیب و مسلمان، حالا چرا عاشق دختر مجوسی شدی؟! گفت: خدا را گواه می گیرم که سی سال اذان گفتم ولی از بالای مناره مسجد خانه های اطراف را نگاه نکردم ولی چند روز پیش که برای گفتن اذان ظهر به بالای مناره مسجد رفته بودم با خودم گفتم برای یک بار هم که شده به خانه های اطراف مسجد نگاهی بکنم. ناگهان داخل حیاط یکی از خانه ها چشمم به دختری زیبا افتاد که مشغول استحمام بود، دیدن آن زن همان و عاشق شدن من همان، از آن روز به بعد نمی دانم چگونه نماز می خوانم همیشه و همه جا تصویر زیبای آن دختر در مقابل چشمانم بود، تا اینکه به فکر افتادم بروم و از او خواستگاری کنم، همه مصیبتها وقتی شروع شد که پدر آن دختر گفت: ما مجوسی هستیم و اگر بخواهی دخترمان را به تو بدهیم باید تو هم مجوسی بشوی! همین که این مطلب را شنیدم گفتم: حاجی تو می خواهی چه کار کنی؟! گفت: هر چقدر با خودم فکر کردم و خواستم فکر آن دختر را از دلم بیرون کنم نتوانستم، دوباره به در خانه آنها رفتم هر چقدر التماس کردم که شرط مجوسی شدن من را بردارند و از آن صرف نظر کنند، قبول نکردند که نکردند. حال، به این نتیجه رسیده ام که به ظاهر از دین اسلام دست بردارم و به آداب آنها، دختر را به عقد خودم در آورم، آنگاه دوباره مسلمان بشوم و از این کار توبه کنم. گفتم: دست بردار! این ها نقشه های شیطان است مبادا دین و ایمانت را به خاطر آن دختر از دست بدهی... یک هفته ای بود که من در مسافرت بودم وقتی برگشتم به صحنه عجیبی برخوردم دیدم اعلامیه مجلس تحریم مؤذن به دیوار مسجد است، دیگر توان حرکت نداشتم از کاسب محله که دکانش مقابل مسجد بود پرسیدم: چی شده؟! مؤذن چطور مرد؟

گفت: مگر خبر نداری؟! گفتم: نه! من یک هفته نبودم و از همه جا بی خبرم؟ گفت: حدود شش روز پیش مؤذن با یک دختر مجوسی ازدواج کرد و در شب عروسی که می خواست به وصال دختر برسد سخته کرد و مرد و الان هم سه روز است که از تدفین او می گذرد!! آهی کشیدم و با خودم گفتم: خدایا به تو پناه می برم که چگونه انسان با یک نگاه همه دینش را از دست می دهد؟!

چشم چرانی و پیامدهای آن

یکی از ساده ترین راههای ارتباط با دیگران نگاه کردن است؛ زیرا حواس دیگر انسان هر کدام در جای خود ساکنند و تا چیزی به آنها نرسد در طلب آن بر نمی آیند و گرفتار آن نمی شوند، ولی چشم از دور و نزدیک همه چیز را صید می کند و شعاعش همه اطراف را، تا آنجا که مجال دید است در بر می گیرد. بزرگان دین گفته اند که ساده ترین راه نفوذ شیطان در وجود انسان و تسخیر قلب او نگاه کردن است. بر اساس تحقیقات انجام شده درباره انحراف جنسی جوانان، یکی از مهمترین و قوی ترین محرکهای غریزه جنسی، نگاههای شهوت انگیز است که در این میان چشم، نقش اصلی را ایفا می کند. اگرچه مناظر شهوت انگیز مصادیق متعدد و فراوانی دارند و دیدن بدن نامحرم، دیدن انواع عکسها، فیلمهای ویدیویی، سینمایی، سی دی ها، ماهواره و اینترنت و غیره را در بر می گیرد. اما به لحاظ اینکه مردان بیشتر از زنان نسبت به مناظر شهوت انگیز حساس هستند بنابراین بطور کلی چشم، دروازه ورود تصورات و اندیشه ها به وجود انسان است، در اکثر موارد ما ابتدا چیزی را می بینیم و سپس درباره آن می اندیشیم و در ذهن آن را پردازش می کنیم، لذا نگاه، مواد اولیه و مصالح لازم تصورات و تخیلات را فراهم می کند. از این رو اگر نگاه، شهوانی و نامشروع باشد، زمینه ساز افکار خطرناک و دردهای روحی و روانی خواهد بود بر اساس تحقیقات، بیشتر موارد خود ارضایی و روابط نامشروع از نگاههای حرام آغاز شده است، افرادی که چشمهای هرزه دارند، همیشه دستخوش رنجهای روحی و دردهای درونی بی شماری می شوند که جملگی محصول نگاههای نامشروع و نظربازیهای آنهاست. چشم چرانی که خود در واقع نوعی از انحرافهای اخلاقی و جنسی است، به تعبیر روایات اسلامی یک نوع زنا محسوب می شود. چشم چرانی افزون بر تأثیرات روحی و روانی فراوان که مهمترین آنها به تعبیر روایات حسرت، اندوه و گرفتاری در دام فساد و فحشا است دارای عوارض مادی و منشاء بیماریهای جسمی زیادی نیز می باشد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: دشواری تنفس، درد اطراف قلب، ضعف و خستگی عمومی و دائمی بدن، تپش قلب و... در متون دین اسلام نیز به طور گسترده به زیانهای چشم چرانی و همچنین اهمیت و پاداش کنترل چشم از نگاههای حرام پرداخته شده است که ما در این مجال کوتاه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

فصل سیزدهم: پاره های از احکام حجاب

خودنمایی

خودنمایی کردن به منظور به گناه انداختن دیگری حرام است. به طور مثال: اگر خانمی به گونه ای خودنمایی کند که نگاه مرد نامحرم به او جلب شود و مورد توجه او قرار گیرد، حرام است. مثلاً، لبخند زدن و خندیدن های بلند، شوخی کردن های بی مورد، راه رفتن های خاص.

اختلاط

اختلاط زن و مرد نامحرم مکروه است مگر آن که پیرمرد یا پیرزن باشند. توضیح: این کراهت در صورتی است که در مجلس هیچ وجه حرامی نباشد و الا- اختلاط حرام است. مثلاً- اگر در مجلسی زنان حجاب کامل نداشته باشند و یا زینت کرده باشند و یا

تماسهای بین زن و مرد به صورت حرام واقع شود، اختلاط حرام خواهد بود.

صحبت کردن

- مردها می توانند با زن نامحرم صحبت کنند به شرط آنکه: - به قصد لذت و ریه نباشد. - با این صحبت کردن به گناه گرفتار نشوند. - خانمها می توانند با مرد نامحرم صحبت کنند به شرط آنکه: - به قصد لذت و ریه نباشد. - صدای خود را نرم و لطیف نکنند. - خوف افتادن در فتنه و مفسده نباشد.

نگاه به تصویر

- ؟ اگر نامحرم در عکس، حجاب کامل را رعایت نکرده است در این صورت اگر مرد آن زن را می شناسد نمی تواند به عکس او نگاه کند و اگر او را نمی شناسد می تواند به عکس نامحرم نگاه کند مشروط به آنکه به قصد لذت و ریه نباشد. - ؟ نگاه کردن به هر عکسی به قصد لذت حرام است به استثنای عکس همسر. - ؟ فیلمی که به طور مستقیم پخش می شود حکم زنده را دارد و اگر به طور غیر مستقیم پخش می شود حکم عکس را دارد. توضیح: اگر فیلمی به طور مستقیم پخش شود احکام نگاه به آن فیلم همان احکام نگاه به انسان زنده را دارد لذا مردان نمی توانند به غیر از وجه و کفین زنان نامحرم (آن هم بدون قصد لذت و ریه) نگاه کنند و همچنین خانمها نمی توانند به بدن مردان که در فیلمهای ورزشی یا غیر آن به طور مستقیم پخش می شود نگاه کنند. همچنین اگر فیلم به صورت غیر مستقیم پخش می شود، نگاه کردن به زنان و مردان آن فیلم حکم نگاه کردن به عکس را دارد. - ؟.

نگاه

- ؟ نگاه کردن زنها به بدن مرد نامحرم (به استثناء وجه و کفین و مقداری که به طور عادت توسط مردان پوشیده نمی شود) حرام است. - ؟ نگاه کردن به بازو یا سینه یا جاهای دیگر از بدن مرد نامحرمی که لباس نامناسب پوشیده مانند آنکه لباس آستین کوتاه پوشیده باشد و یا یقه خود را باز گذاشته یا لباس نازک و بدن نما پوشیده و... حتی اگر بدون قصد لذت و ریه باشد، حرام است. - ؟ اگر خانمی بداند نامحرمی با قصد لذت و ریه به دست و صورت او نگاه می کند اگرچه صورت و دستهای او زینت نداشته باشد، باید این دو موضع را از نامحرم بپوشاند.

لباس مختص

- ؟ پوشیدن لباس مختص به مردان برای زنان و پوشیدن لباس مختص به زنان برای مردان بنابر احتیاط واجب جایز نیست. - ؟ مراد از لباس مختص هر چیزی است که بدان لباس صدق کند چه بعد از پوشیدن دیده شود مانند چادر، دامن، مقنعه و یا جوراب ساقه بلند برای مردان و یا کت و شلوار، کفش مردانه و... برای خانمها، و خواه بعد از پوشیدن دیده نشود مانند لباس زیر مردانه برای خانمها و یا لباس زیر زنانه برای مردان. - ؟ پوشیدن لباس مختص حرام است چه در خلوت باشد و کسی انسان را نبیند و چه در اجتماع باشد و در این صورت مرد باشد یا زن، محرم باشد یا نامحرم فرقی در حرمت ندارد. - ؟ نام زنانه یا مردانه بودن لباس آن را لباس مختص نمی کند بلکه استعمال آن فقط توسط مردان یا فقط توسط زنان آن را لباس مختص می کند.

لباس مهیج

- ؟ پوشیدن لباسی که عرفا مهیج است و جلب توجه نامحرم می کند حرام است چه برای زن و چه برای مرد. - ؟ مهیج بودن لباس

ممکن است به خاطر رنگ آن باشد یا مدل آن یا جنس لباس و یا هر چیز دیگر؛ لذا گاهی روسری، مانتو، کفش و... ممکن است به گونه‌ای باشد که جلب توجه نامحرم کند و مهیج باشد در این صورت پوشیدن آن جایز نیست.

زینت

-؟ مراد از زینت هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب شود و مردم به آن زینت بگویند-؟. خانمها می‌توانند همان قسمتی از صورت یا دست را که زینت کرده‌اند بپوشانند و پوشیدن بقیه صورت واجب نیست-؟. بنابر احتیاط واجب خانمها باید موهای مصنوعی که به موی خود وصل کرده باشند یا کلاه گیس به سر گذاشته باشند را بپوشانند اگرچه موی وصل شده موی مرد یا زن باشد.

پوشش زن

-؟ بر زنان واجب است تمام بدن خود را به استثنای وجه و کفین (صورت و دو دست از سرانگشتان تا مچ) از نامحرم بپوشانند. وجه و کفین را به دو شرط می‌توانند بپوشانند: الف) وجه و کفین زینت نداشته باشند. ب) کسی به قصد لذت و ریه (خوف در فساد افتادن) به وجه کفین آنها نگاه نکند-؟. نمایان بودن زیر چانه، گردن، گوش، سینه و دستها (بازو و ساعد) برای زنها جایز نیست و باید این مواضع را از نامحرم بپوشانند-؟. جورابه‌ای نازک که از زیر آن بدن نمایان باشد حکم پوشش را ندارد و خانمها باید از پوشیدن اینگونه جورابها در مقابل نامحرم اجتناب کنند-؟. پوشیدن لباس در رنگهای زننده و جلب توجه کننده در محیطهایی که نامحرم هست مانند دانشگاه و بازار و... به فرض مهیج بودن حرام است.

فصل چهاردهم: پندهایی به جوانان

راهکارهای پیشنهادی

مسلم است که تهاجم فرهنگی دشمن، همواره در حال گسترش است. اگر اقدام شایسته‌ای صورت نگیرد، قطعاً این غده سرطانی به تمام پیکره ایران اسلامی سرایت می‌کند و این دود سیاه که از شعله‌های آتش خانمان‌سوز فرهنگ غرب برخاسته به همه جا گسترش می‌یابد و با سایه شوم خود، مانع از تجلی فرهنگ اسلامی خواهد شد؛ لذا همان گونه که هنگام تهاجم نظامی، خود را آماده دفاع و فداکاری می‌کنیم، در جبهه فرهنگی هم باید با تمام امکانات به دفاع از فرهنگ اسلامی و دفع فرهنگ دشمن پردازیم، و گرنه سنگرها را یکی بعد از دیگری از دست خواهیم داد و زمانی به خود می‌آییم که کار از کار گذشته است. از این رو در این قسمت به بعضی از راهکارهای مفید برای بهبود وضعیت فرهنگی جوانان اشاره می‌کنیم-؟: تألیف کتاب‌های مفید تألیف کتاب‌های مفید و مورد احتیاج جوانان با نظر به مسائل روز و سبک نوین، می‌تواند کارآمد و سازنده باشد، همان گونه که مرحوم شهید مطهری رحمه‌الله در جبهه فرهنگی برای دفاع از فرهنگ اصیل اسلامی به چنین کاری دست زدند. زمانی که اسلام را مخالف حقوق زن می‌دانستند و بر مسائلی مانند مهر، ازدواج موقت، حق طلاق، تعدد زوجات و... اشکال می‌کردند و آن را هماهنگ با مقتضیات زمان نمی‌دانستند. ایشان کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» را نوشتند. آن گاه که عده‌ای برای رسیدن به اهداف حیوانی خویش، حجاب را مانع آزادی و فعالیت زن می‌دانستند و جاهلان، منکر ضرورت حجاب از نظر قرآن می‌شدند، ایشان کتاب «مسأله حجاب» را تألیف کردند. زمانی که عده‌ای از روشنفکران مسلمان، در تبیین جهان بینی اسلامی، تحت تأثیر بعضی مکاتب، راه افراط پیمودند، ایشان کتاب «مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی» را به رشته تحریر درآوردند. همچنین کتابهای «عدل الهی»، «اصول

فلسفه و روش رئالیسم» و ... را ایشان در دفاع از فرهنگ اسلامی در مقابل تهاجم‌های فرهنگی به نگارش درآوردند. پس یکی از راه‌های ارشاد و راهنمایی قشر جوان، تألیف کتاب‌ها و مقالات سازنده و مفید است.؟ نظارت عمومی دومین راه برای هدایت و ارشاد جوانان، نظارت عمومی است، که دین آن را «امر به معروف و نهی از منکر» نامیده است. قطعاً اگر جامعه‌ای در برابر منکرها و ترویج فرهنگ بیگانه حساس باشد و با مشاهده نابسامانی‌ها تذکرات لازم را به افراد ناآگاه بدهد می‌تواند نقش بسیار مهمی در دفع تهاجم‌های فرهنگی داشته باشد. البته این کار، چون که از اهمیت بسزایی برخوردار است، کسانی که امر به معروف یا نهی از منکر می‌کنند، باید صد در صد با سعه صدر و خوش اخلاقی به چنین کاری بپردازند. قرآن کریم عزت و شرافت مسلمانان را در گرو سه اصل می‌داند و می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اید؛ زیرا امر به معروف و نهی از زشتی‌ها می‌کنید و ایمان به خدا دارید (؟). (امر به نیکی‌ها و نهی از زشتی‌ها به اندازه‌ای مهم و اساسی است که می‌توان گفت: تمام انبیای الهی برای اجرای این دو اصل مبعوث شده‌اند، زیرا همه پیامبران مردم را به توحید، خداپرستی، تقوا، عدالت و احسان دعوت می‌کردند (امر به معروف) و مردم را از شرک، بت پرستی، خودپرستی، فساد، ظلم بر حذر می‌داشتند (نهی از منکر). لذا اگر جامعه‌ای از این دو اصل سرنوشت ساز دست کشید، موج فساد، جامعه آنها را در بر می‌گیرد و در لجنزار بدبختی فرو می‌برد.؟ تشکیل جلسات مذهبی تشکیل جلسات مذهبی در مساجد، پایگاه‌های مقاومت و تکایا و آشنا کردن جوانان با قرآن، معارف اسلامی، تاریخ انبیا و امامان و نیز برگزاری مجالس سوگواری و میلاد، سخنرانی و خطابه‌های مذهبی، بیان تفسیر و معانی قرآن، اعتقادات و جهان بینی‌ها، می‌تواند عامل مهمی در رشد فرهنگی جوانان به حساب آید؛ زیرا عامل گرایش بسیاری از جوانان به آداب و فرهنگ غربی و بیگانه، نداشتن آشنایی با تعلیمات مذهبی و فرهنگ اصیل اسلامی است. اگر تعلیمات و معارف اسلامی با نظر به نیازمندی‌های زمان و مسائل مورد نیاز جوانان با سبک زیبا و دلپذیر و استدلالی تدریس شود و گاهی به صورت سؤال‌ها و مسابقه‌های فرهنگی - مذهبی طرح و بیان شود، قطعاً نقش مهمی در گرایش جوانان به ارزش‌های اسلامی و فاصله گرفتن آنان از ارزش‌های غربی دارد.؟ استفاده از فیلم و تئاتر از دیگر راه‌های رشد و تعالی فرهنگی قشر جوان، استفاده از هنر مخصوصاً فیلم و تئاتر است. هنر همان گونه که می‌تواند در خدمت فرهنگ بیگانه و عامل انحطاط جوانان باشد، می‌تواند در مسیر الهی و در خدمت نسل جوان قرار گیرد. از این رو ما از هنرمندان عزیز می‌خواهیم سعی کنند فیلم‌هایی بسازند که جنبه مذهبی، اخلاقی، ارزشی و فرهنگی داشته باشد و روح تعهد در انسان‌ها به چشم بخورد؛ زیرا بسیاری از جریان‌هایی که در کتاب‌هاست اگر جنبه تصویری و تجسمی به خود گیرد، قطعاً تأثیر آن در نسل جوان بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود و هرگز از صفحه ذهنشان پاک نخواهد شد و تجربه، این واقعیت را ثابت کرده است؛ بنابراین بر هنرمندان متعهد کشورمان فرض است که در این موقعیت حساس از هنر خویش استفاده نمایند و آن را در خدمت ارزش‌ها و مبارزه با تهاجم فرهنگی به کار گیرند. با فیلم و تئاتر می‌توان تاریخ اسلام و زندگانی پیشوایان مذهبی و تاریخ شخصیت‌های انقلابی و جانبازی شهدا و رزمندگان و الگوهای برجسته دینی را به نمایش درآورد و نسل جوان را با فرهنگ خودی آشنا ساخت -؟. توجه بیشتر به مسجد و نماز از آن جا که نماز نقش بسیار مهمی در دوری انسان از فساد و تباهی دارد، می‌تواند یکی از راه‌های کارآمد برای جلوگیری از انحراف نسل جوان به حساب آید. قطعاً اگر جوانان ما با مسجد و نماز انس بگیرند و لذت ارتباط با خدا را درک کنند، هیچگاه حاضر نمی‌شوند خود را به لذت‌های حرام آلوده نمایند. نماز انسان را می‌سازد، روح را تزکیه می‌کند، زشتی منکرها را آن گونه که هست به آدمی نشان می‌دهد، موجب ریزش باران رحمت و هدایت بر سرزمین روح می‌گردد، آدمی را از فساد و زشتی‌ها باز می‌دارد، نقشه‌های شیطان را نقش بر آب می‌کند و انسان را بر هواهای نفسانی مسلط می‌نماید: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» همانا نماز انسان را از فحشا و زشتی‌ها باز می‌دارد (؟). (از این رو جوانان عزیز باید سعی کنند ارتباط خود را با مسجد و نماز قطع نکنند و تلاش نمایند نماز را به موقع بخوانند تا لذت ذکر الهی و ارتباط با مبدأ هستی که قابل مقایسه با هیچ

لذتی نیست، درک کنند و دست اندرکاران امور فرهنگی کشور باید زمینه ارتباط جوانان را با مسجد و نماز فراهم کنند تا از آسیب تهاجم فرهنگی در امان بمانند؛ زیرا دشمنان، هنگامی به تهاجم فرهنگی خود امیدوار هستند که بدانند جوانان یک کشور از مسجد، نماز و معنویت فاصله گرفته‌اند) - ؟. ----- (سوره آل عمران: آیه.؟؟?)
(- ؟) (سوره عنکبوت: آیه.؟؟)

پرهیز از مد و مدگرایی

ترویج مد و مدگرایی از جمله نمونه‌های بارز تهاجم فرهنگی در بین جوانان است. گرچه طبع انسان، تنوع طلب و نوگراست. اما حالت تنوع طلبی و نوگرایی در حد معقول، فطری و طبیعی است و به خوبی روشن است بین توجه به زیبایی و تنوع در حد معقول آن با غرق شدن در مدگرایی و هر روز به نوعی لباس پوشیدن و به گونه‌ای خاص سخن گفتن، بسیار تفاوت است؛ زیرا مشوقان مدگرایی، نه تنها با لباس بلکه با نحوه سخن گفتن، به کار بردن اصطلاحات، چگونگی برخورد نمودن، کیفیت غذا خوردن، چگونگی برگزاری مراسم‌ها و... سعی می‌کنند مدهای غربی را در میان جوانان ما ترویج دهند، گرچه آراستن ظاهر و لباس پوشیدن در این میان نقش بسزایی دارد. بدون شک کسانی که با سوء استفاده از اصل تنوع طلبی، ترویج مد می‌نمایند، در فکر رایج کردن فرهنگ غرب و سودجویی‌های خودشان هستند. سرمایه‌داران بزرگ برای این که چرخ کارخانه‌هایشان از حرکت باز نایستد و ثروت‌های کلانی بدست آورند در اشاعه مدهای جدید می‌کوشند و گاه این تبلیغ حتی طبقه متوسط یا ضعیف جامعه را چنان تحت تأثیر قرار می‌دهد که سعی می‌کنند، با قرض هم که شده، خود را از قافله مدگرایان عقب نیندازند. مهاجمان فرهنگی سودجویان، سعی دارند به هر صورت که امکان دارد کالاهای خود را به فروش رسانند، مخصوصاً برای رسیدن به این هدف از زنان سوء استفاده می‌کنند؛ آنان با تولید انواع لوازم آرایش، سعی می‌کنند زنان ما را در مسیر دنیای غرب قرار دهند و در این میان با استفاده از اهرم‌هایی مانند آزادی زن، زیبایی زن، حقوق زن و... کار خود را مشروع جلوه می‌دهند. بدون شک، کسانی تابع مد و مدگرایی می‌شوند که به عقده حقارت دچار شده باشند و از درون، پوچ و فاقد شخصیت علمی، معنوی و اجتماعی باشند و با مدگرایی بخواهند برای خود شخصیتی کسب کنند و توجه دیگران را به خود جلب نمایند و خود را به نحوی نشان دهند؛ پس توجه به مدگرایی و افراط در تنوع، ریشه در فطرت آدمی ندارد، بلکه ناشی از عقده حقارت و نداشتن شخصیت انسانی است. از این رو به جوانان توصیه می‌کنیم ضمن استفاده معقول از زیبایی‌ها و تنوع‌ها در این راه، مسیر افراط و زیاده روی را طی نکرده و به فرهنگ غرب بی‌توجه باشند؛ زیرا در غیر این صورت به یک آدم غرب زده تبدیل خواهند شد که به قول جلال آل احمد: «آدم غرب زده پا در هواست، ذره گردی است معلق در فضا، که با عمق اجتماع، فرهنگ و سنت‌ها، رابطه‌ها را بریده است. آدم غرب زده به هیچ چیز اعتقاد ندارد، نان به نرخ روز خور است، همه چیز برایش علی السویه است نه ایمانی دارد نه مسلکی و نه مرامی، نه اعتقادی به خدا یا به بشریت. آدم غرب زده شخصیت ندارد، چیزی است بی اصالت. آدم غرب زده قرتی است، زن صفت به خودش خیلی می‌رسد و با سر و پزش خیلی ور می‌رود، به کفش و لباس و خانه‌اش خیلی اهمیت می‌دهد، همیشه انگار از لای زرورق باز شده. بدین طریق آدم غرب زده وفادارترین مصرف کننده مصنوعات غربی است، وجود این همه مشاغل و آن همه مصنوعات فرنگی برای او از وجود هر مسجد و بیمارستان و کارخانه ضروری تر است) - ؟) ----- (؟). (غربزدگی: ص.؟؟?)

پرهیز از رفتارهای ناشایست در جامعه

یکی از مسائلی که زمینه انحراف و سقوط دختران را فراهم می‌کند. رفتارهای جلف و سبک گری است. که به صورتهای مختلفی

نمود پیدا می کند؛ گاه با عشو و ناز، راه رفتن عروسکی در کوچه و بازار؛ پرسه زدن با آرایش و بدحجابی در ساعات خلوت روز خندیدن های بی مورد با صدای بلند؛ صحبت کردن بی علت و بیهوده با نامحرمان، ظاهر شدن در جامعه با لباسهای جذاب و آرایش های تند و... در تحقیقات میدانی به عمل آمده معلوم شد؛ درصد دختران سبک و جلف به مراتب بیشتر از پسران آلوده و فاسد است و اصولاً یکی از زمینه های گسترش فساد جوانان همین بی بندوباری دختران است. دخترانی که در کوچه و بازار با لباسهای تنگ و آرایشهای تند؛ به خنده و شوخی می پردازند؛ آیا دختران سالم و شایسته ای هستند؟ و آیا چنین حرکاتی افراد هرزه و آلوده را به دنبال خود نمی کشد؟! چنین دخترانی باید بدانند؛ گرچه ممکن است در ظاهر مورد توجه جوانهای آلوده قرار بگیرد، اما در واقع هیچ قیمت و ارزشی ندارند. چرا که جوانان فاسد هم آنان را برای ازدواج و همسری انتخاب نمی کنند. بنابراین آنان با حرکات جلف و سبک، در حقیقت زمینه انحراف و نابودی شخصیت خود را فراهم می کنند. و هیچ گاه لیاقت مادر بودن و تشکیل خانواده را پیدا نمی نمایند) - (?) ----- (برای ریحانه: ص، ?? - ??) با اندکی تصرف.

تسریع در ازدواج

یکی از زیباترین کانونهایی که به حفظ نفس و مصونیت انسان در مقابل مفاسد و منکرات جنسی کمک می کند، ازدواج است. امام رضا علیه السلام درباره ضرورت و تسریع در ازدواج دختران می فرماید: «روزی جبرئیل بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: پروردگار به تو سلام می رساند و می فرماید: دختران به منزله میوه درخت هستند، میوه هنگامی که رسید چاره ای جز چیدن ندارد و اگر نه آفتاب آن را فاسد، و یا دگرگون می کند. دختران نیز هنگامی که به بلوغ رسیدند، چاره ای جز ازدواج ندارند و اگر نه از فساد ایمن نیستند)؟!». (به همین جهت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است)؟!». (همچنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره اهمیت و محبوبیت ازدواج در نزد خداوند می فرماید: «هیچ بنایی در اسلام از ازدواج در نزد خدا محبوب تر نیست)؟!». (البته در سالهای اخیر موانع زیادی بر سر راه ازدواج جوانان قرار گرفته که فهرست وار می توان به موارد زیر اشاره کرد-؟! توقعات بالای خانواده ها، یا دختر و پسر در ازدواج-؟! تشریفات، تجملات، خرجهای زاید و چشم و هم چشمیها-؟! تحصیلات بی هدف و ناکارآمد و طولانی-؟! بیکاری و فقر مالی در بین جوانان-؟! گرانی و هزینه های سنگین ازدواج و تهیه مسکن-؟! رواج بدحجابی و بی بندوباری و ابتذال در جامعه. ولی اگر کسی تصمیم بر ازدواج داشته باشد، و بخواهد خود را از آلودگیها حفظ نماید، می تواند با وجود تمام این مشکلات، باز هم ازدواج کند. به شرط آنکه مقداری از توقع های خود بکاهد و به خدا توکل داشته باشد. خداوند در قرآن کریم سوره نور وعده داده که از فضل و کرمش به چنین افرادی روزی دهد و آنها که زیر بار ازدواج نمی روند، در حقیقت به رزاقیت خداوند بی عقیده اند) -؟! ----- (بحار الانوار: ج، ?? ص) -؟! (???) وسائل الشیعه: ج، ?? ص) -؟! (وسائل الشیعه: ج، ?? ص.؟

دوری از اختلاط

یکی از مهم ترین زمینه های فساد و آلودگی های اخلاقی در جوانان مسأله اختلاط دختران و پسران در جامعه، محل کار و تحصیل می باشد. امروزه بسیاری از محققان در کشورهای غربی به این نتیجه رسیده اند که اختلاط دختران و پسران در جامعه و محل کار و تحصیل یکی از علل اصلی پایین آمدن رشد تحصیلی و کاهش راندمان کار می باشد. بنابراین خواهر و برادر جوان؛ باید حتی المقدور از اجتماعات مختلط دختران و پسران پرهیز کنند؛ چرا که این اختلاط ها علاوه بر افت تحصیلی و کاری، باعث شیوع فساد و فحشا، مزاحمت ها و ناامنی ها برای زنان و دختران و بالا رفتن آمار طلاق و متلاشی شدن نظام خانواده می شود. چه زیبا فرمود

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله: «زنان و مردان نامحرم را از یکدیگر جدا کنید؛ زیرا اگر بین آنها اختلاط و آمیختگی باشد، درد بی درمان، جامعه شما را فرا می گیرد.» (؟) ----- (؟). (مرآة النساء: ص. ???)

مواظبت از دوستیها و معاشرت‌ها

خواهر و برادر جوان! درست است که نیاز به دوست یکی از نیازهایی است که در تمام مراحل زندگی انسان مطرح است، اما باید در انتخاب دوست توجه کرد که مبادا از افراد فاسد و آلوده باشد. در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «از هم نشینی با افراد بد پرهیز؛ زیرا تو به وسیله آنها شناخته می شوی» (؟). (امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «با تبهکاران فاسد دوستی نکن؛ زیرا گناهان و معاصی را به تو یاد می دهند»). از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدند: بدترین دوست چه کسی است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «کسی که معصیت و گناه را در نظر انسان زیبا جلوه دهد» (؟). (چه بسا جوانان پاکدل و با فضیلت که به علت معاشرت و رفت و آمد با افراد فاسد و فاجر ارزشهای اخلاقی خود را از دست می دهند و به سقوط و انحطاط کشیده می شوند. به تجربه ثابت شده، کسانی که با دوستان بد همنشین شده‌اند به گناهان و معاصی آلوده گشته‌اند؛ زیرا گنه کاران برای اینکه کمتر احساس گناه کنند، دیگران را نیز به سرنوشت غم‌انگیز خود دچار می کنند. بسیاری از دختران و پسران که در وادی فساد گرفتار شده‌اند، عامل اصلی آلودگی و بیچارگی خود را همنشینی با دوستان ناباب ذکر می کنند و از دست دوست بد ناله و فغان دارند. با بدان کم نشین که صحبت بد گرچه خوبی، تو را پلید کند بنابراین دختران و پسران جوان، باید در انتخاب دوست بسیار دقت کنند و هر کسی را بدون اطلاع و آگاهی به عنوان دوست و رفیق خود بر نگزینند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «فاسد شدن اخلاق انسان به خاطر معاشرت و همنشینی با نادانان و سفیهان است و نیکو شدن و رشد اخلاقی نیز با مجالست و همنشینی عقلا حاصل می گردد» (؟). (بنابراین خواهر و برادر جوانم، کسی که شما را به مجلس حرام و معصیت دعوت می کند، کسی که روابط نامشروع و افعال حرام را به شما پیشنهاد می نماید و کسی که به شما سیگار و مواد مخدر تعارف می کند، این‌ها هیچکدام دوست نیستند، بلکه دشمنانی هستند که خود را به شما در قالب دوست می نمایند و شما را به مرداب هلاکت و گمراهی می کشانند. تاتوانی می گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان زند ----- (؟) ----- (نهج الفصاحه: حدیث) - ؟. (؟؟؟ بحار الانوار: ج، ?? ص) - ؟. (؟؟؟ غرر الحکم: ح. ???)

رعایت حجاب اسلامی

خواهر مسلمانم! ارزش و بهای تو بسیار بالاتر از آن است که با بدحجابی وجود خود را مرکز چشم‌های بیمار قرار دهی و محبت خداوند را فدای محبت دروغین و فسادانگیز نامحرمان کنی و سعادت آخرت را به پای هوس‌های زودگذر و موقت دنیا بریزی. خواهرم! ارزش و قیمت گوهر وجودی تو بسیار بیشتر از آن است که خود را همچون کالایی در جامعه عرضه کنی و با بی حجابی یا بدحجابی بدن خود را برای همگان به نمایش بگذاری. آیا می دانی همه جمال و زیبایی تو موقت و زودگذر است، و با فصل پیری طراوت جوانی با وجودت وداع می کند و کبوتر زیبایی از آشیانه‌ات پر می کشد و چروکها و سستیهای قوای جسمانی همچون مهمانی ناخوانده بر جان و جسمت هجوم می آورند. خواهرم! تو چگونه می توانی در آن روزگار جمال و طراوتت را حفظ کنی پس بکوش در جوانی با حفظ حجاب اسلامی طراوت روح و شادابی جان را فراهم نمایی و خود را از تندباد هوا و هوس نجات دهی و هیچ گاه اسیر حیوان صفتان جامعه نگردی. خواهرم! بدان که بسیاری از قتلها، تجاوزها، بی حرمتیها و طلاقها به علت بی توجهی به حجاب صورت می گیرد و این حجاب است که به زن شخصیت و امنیت می بخشد، پس در حفظ آن بکوش و مروارید وجودت را

در صدف حجاب حفظ نما، و بدان که قیمت و بهای لعل به خاطر آن است که در دل صدف نهفته، و به راحتی قابل دستیابی نمی باشد.

حفظ چشم

از خطرناک ترین آفت هایی که جوانان را تهدید می کند و هر لحظه ممکن است دختر یا پسر جوان را به هلاکت و نابودی بیندازد، چشم چرانی و تماشای مناظر شهوت انگیز و یا نگاه کردن به نامحرم با قصد لذت است. چشم چرانی به اندازه ای خطرناک است که در روایات اسلامی، منشأ بسیاری از گناهان و فسادهای جنسی معرفی شده و حتی با ایمان ترین افراد نیز برای حفظ ایمان خود باید از چشم چرانی پرهیز کنند. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «چشم چرانی شهوت را در دل می رویاند و همین برای غرق شدن صاحبش در فتنه کافی است؟». (امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز می فرمایند: «چشم ها دام های شیطانند؟»). (دام شیطان و اسارت در بند شهوت چیزی نیست که جوان بتواند به راحتی از آن رهایی یابد، پس قبل از آنکه انسان به اسارت شهوت در آید باید به فکر چاره ای باشد و راه غلبه و نفوذ شیطان را که همان نگاه های آلوده و شهوت انگیز است بر خویشتن ببندد؛ چرا که انسان اسیر دل است و دل در گرو دیده، و چه زیبا سروده بابا طاهر که: ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد بسازم خنجری نیشش ز فولاد زنم بر دیده تا دل گردد آزاد بنابراین به دختران و پسران جوان توصیه می کنیم که اگر می خواهند آرامش روحی داشته باشند و اسیر افکار و اعمال شیطانی نگردند در حفظ چشم بسیار بکوشند و مواظب باشند که به نامحرم و صحنه های تحریک آمیز نظر نکنند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس نگاه حرام را برای (رضای) خدا ترک کند، خداوند به او ایمانی می دهد که طعم آن را می چشد. - (?)» (وسائل الشیعه: ج، ??)

(ص) - ؟. (??? میزان الحکمه: ج، ?? ص) - ؟. (?? میزان الحکمه: ج، ?? ص) ??